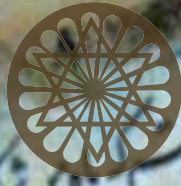


شوفار



نشریه فدراسیون یهودیان ایرانی

شماره ۱۶۵

بهار ۱۳۸۹ خورشیدی، ۲۰۱۰ میلادی، ۵۷۷۰ عبری

ممنونم تو دارم کتافت سر آید
ممنونم ز مهر در زمان رسم و فایانوز
ممنونم که ریخالت اه نقت سریزم
ممنونم که بوی زلفت کمره عالم کرد
ممنونم خوش بویالی که ز باد صبح خیزد
ممنونم که نوش طلت مارا به آرزو کشت
ل رحمت کی مستم صبح داد

ممنونم که بویالی که ز باد صبح خیزد
ممنونم که نوش طلت مارا به آرزو کشت
ل رحمت کی مستم صبح داد
ممنونم که بویالی که ز باد صبح خیزد
ممنونم که نوش طلت مارا به آرزو کشت
ل رحمت کی مستم صبح داد

ممنونم که بویالی که ز باد صبح خیزد
ممنونم که نوش طلت مارا به آرزو کشت
ل رحمت کی مستم صبح داد
ممنونم که بویالی که ز باد صبح خیزد
ممنونم که نوش طلت مارا به آرزو کشت
ل رحمت کی مستم صبح داد

The Fresh Experience



8730 W.Pico Blvd
Los Angeles, CA 90035
E-mail: elatmarket@aol.com

Main: (310) 659-7070
(310) 659-ELAT
Tape: (310) 650-9983
Fish: (310) 659-9253
Meat: (310) 659-9250
Fax: (310) 659-7434



ایلات مارکت امسال نیز

همانند سالهای گذشته

با عرضه بهترین کالاها و خدمات

در خدمت هموطنان گرامی می باشد.



Israel Discount Bank of New York



۱۴

بین

بزرگترین بانک های نیویورک.

■ بین ۱۰% بانک های بزرگ امریکا در صدور اعتبارهای اسنادی.

■ ارتباط با اکثر بانکهای مهم جهان.

■ وام های تجاری برای کمپانی های عمده فروش.

■ انواع سپرده ها و سرویس های بانکی برای اشخاص و شرکت ها.

■ خرید و فروش سهام و اوراق قرضه توسط شرکت وابسته.

■ بانکی معتبر و مستحکم با ۵۰ سال سابقه و عضو FDIC

برای کسب اطلاعات لطفا با آقای مهرداد لویصدق (Moti Levy)
با شماره تلفن ۶۴۴۰-۸۶۱-۲۱۳ تماس حاصل فرمائید.

آدرس شعبات بانک:

9401 Wilshire Blvd # 600 Beverly Hills, CA. 90212 (Tel'310-860-6320)

888 S. Figueroa St. # 550 Los Angeles, CA. 90017 (Tel' 213-861-6440)

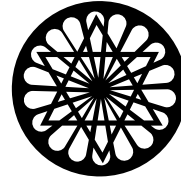
511 Fifth Ave, NY, NY. 10017, (Tel': 212-551-8500) (The main office)

1350 Broadway, NY, NY. 10018 (Tel': 212-714-5662)

18851 NE 29th Ave, # 600 Aventura, FL. 33180 (Tel': 305-682-3700)

IDB Bank is a registered service mark of Israel Discount Bank of New York. Member FDIC

www.idbbank.com



شوفار

نشریه فدراسیون
یهودیان ایرانی کالیفرنیا
www.IAJF.org
info@IAJF.org

بخش فارسی

پیشگفتار/۶

پیام رئیس هیات اجرائی /۸

اخبار فدراسیون یهودیان ایرانی /۱۰

گفتگوئی با آقای یورام حاسید /۱۶

بهارى عاشقانه /۱۸

یکى نبود، یکى بود... /۱۹

نقش تغذیه در ایجاد و پیشگیری و درمان بیماری

دیابت /۲۰

پایان ماه عسل آمریکا و اسرائیل /۲۲/۲۳

یاد بگیریم با هم زندگی کنیم /۲۵

نانو تکنولوژی - هوش مصنوعی و روباتیک در

اسرائیل /۲۸

ارزش آثار فارسیهود در ادبیات فارسی /۳۰

”دیگر هرگز“ /۳۴

تمام یهودیان دوست یکدیگرند /۳۷

کتاب تاریخ یهود /۴۰

1317 N. Crescent Height blvd.
West Hollywood, CA 90046
Tel: (323) 654-4700
Fax: (323) 654-1791

شماره بهار

۱۳۸۹ خورشیدی

۲۰۱۰ میلادی

۵۷۷۰ عبری

سردبیر: مژگان مقدم رهبر

شوفار ارگان فدراسیون یهودیان ایرانی با هدف ایجاد ارتباط مستقیم بین فدراسیون و افراد جامعه و اعتلای فرهنگ یهودیان ایرانی و ایجاد هماهنگی بین سازمانها، گروه ها و نسلهای گوناگون فعالیت خود را ادامه میدهد.

شوفار در انتخاب مطالب، ویرایش متون و حفظ مصالح جامعه آزاد است.

آثار و مقالات مندرج در شوفار بیانگر نظرات نویسندگان آن مقالات بوده و بازتاب عقاید و آراء گردانندگان آن نمی باشد. مسئولیت مندرجات آگهی ها به عهده شوفار نیست. شوفار از کلیه نویسندگان، مترجمان و اهل قلم برای بخش های مختلف، دعوت به همکاری می کند.

نقل مقالات و مطالب نشریه
با ذکر مأخذ آزاد می باشد.

نقاشی روی جلد:
میترا فروزان

حروفچینی، طراحی صفحات و جلد، آگهی ها
شیلا شکوری ۰۷۷۰-۰۶۰۱-۳۱۰

پیشگفتار دستیاری

از: مزگان مقدم رهبر (سردبیر)

به عنوان یکی از داوطلبین گروه "یاران" گروهی از داوطلبین ایرانی وابسته به سازمان "جوئیش فامیلی سرویس" که خدمات اجتماعی انجام می دهند- چند روز قبل از فرارسیدن نوروز و ایام پسخ، همراه با چند تن دیگر از داوطلبین و سرپرست این گروه برای یاری دادن به نیازمندان به چند پناهگاه افراد بی خانمان رفتیم. هدف این بود که به بهانه نوروز و ایام پسخ افراد غیر ایرانی را با فرهنگ پارسی آشنا کنیم و مقداری کمک مالی، خوراکی و پوشاکی نیز به افرادی که در حال حاضر نیازمند هستند برسانیم. اوضاع بد اقتصادی امروز و کمبود موقعیت های کاری در سراسر دنیا باعث شده است که تعداد افراد و خانواده های نیازمند رو به افزایش رود، و بسیاری از افرادی که خود دستیاری به دیگران می دادند امروز نیازمند یاری هستند.

اعتقاد من و به طور حتم اشخاص دیگری که به فعالیت های اجتماعی و خیریه اهمیت می دهند این است که این فعالیت ها و کمک رساندن به افراد محتاج تنها به نفع افرادی که یاری می گیرند نیست، بلکه تجربه انجام این خدمات چشم انسان را به واقعیت های دنیا باز می کند و باعث رشد فکری و درونی شخص یاری دهنده می شود. دید هریک از ما، که به عنوان داوطلب در گروه "یاران" همکاری می کنیم، پس از به پایان رسیدن این وظیفه تا حد غیرقابل باوری نسبت به دنیای دور و برمان و ارجحیت انتخاب هایمان در زندگی روزمره، تا حد زیادی تغییر کرد. پستی و بلندی های زندگی در هر زمانی و به صورت های متفاوت، بدون هیچگونه هشدار، می توانند روال و موقعیت زندگی انسان را در یک لحظه تغییر

دهند و این ما هستیم که باید در این لحظات نه تنها خود را دریابیم بلکه به هر نحوی که شده است یاری به دیگران را نیز ادامه دهیم.

آنچه بیش از هر چیز نظر مرا در این پناهگاه ها به خود جلب کرد نام افرادی بود که با اهداء کمک های مالی و معنوی خود باعث تأسیس و ادامه کار این مکان ها شده اند. اشخاصی که رسیدگی به دیگران را قسمتی از وظیفه زندگی شخصی و انسانی خود می دانند. حرکت این افراد مرا به یاد داستانی از نویسنده محبوب و چیره دست، آقای نورالله خرازی انداخت. نورالله خرازی در کتاب "اشک خدا" داستان "۳۶ صدیق" خود را اینطور شروع می کند: "لابد شما هم می دانید که در یهودیت گروهی هستند که عقیده دارند باریتعالی برای خاطر ۳۶ نفر صدیق (پارسا) -فقط ۳۶ نفر- این دنیا را سر پا نگاه داشته است و از نابود کردن آن خودداری می کند، چون از قرار با آنها "رودربایستی" دارد. حال آیا این عقیده شاعرانه است یا حقیقت دارد در اینجا مورد بحث نیست. امری که مرا مفتون و مجذوب این فرضیه کرده است شرایط و مشخصات آن است:

اولاً این ۳۶ نفر گمنام هستند و خودشان هم نمی دانند که عضو این باشگاه و جزء این گروه برگزیده هستند. ثانیاً این ۳۶ نفر به مذهب و آئین بخصوصی تعلق ندارند و از یهودی و هندو گرفته تا صوفی پابرهنه و از مسیحی و مسلمان گرفته تا گبر و ترسا بین آنها پیدا می شود و از یک بابت قدیمی ترین سازمان مللی است که فقط ۳۶ عضو دارد!

از همه جالب تر اینکه ثروت و مکنث و فقر و علامه گی و بیسوادگی و مقام و قدرت ابداً

با این برگزیدگی رابطه ای ندارد و این کلوب ۳۶ نفره از هر شغل و حرفه ای مدد می گیرد. کارت نامرئی عضویت این ۳۶ نفر با مرکب نامرئی روی پیشانی یک یک آنها نوشته شده است و من و شما ممکن است هر روز در کوچه و برزن و در مسجد و میخانه و کلیسا و کنیسا، سینه به سینه به آنها بربخوریم و آنها را نشناسیم. اینها سوگلی های خدا هستند و خودشان هم نمی دانند. این صدیق ها و صدیقه ها، این پارسایان بدون ردا، این ۳۶ نفر برگزیده، نه مدالی به سینه دارند و نه اسمشان سر زبان ها است و نه اختراعات و اکتشافات عظیمی کرده اند و نه تاریخ اسمی از آنها می برد و نه هاله ای از نور دور سرشان را فراگرفته. البته بین آنها گاه افراد معروف و سرشناس و تحصیل کرده و حتی متمول و با قدرت هم پیدا می شوند ولی عضویت در این باشگاه دخلی به این چیزها ندارد و بیشتر اعضای آن نه سر پیاز هستند و نه ته پیاز...

هر وقت یکی از این ۳۶ نفر می میرد یا شهید می شود صدیقی دیگر جای او را می گیرد و توازن برقرار می شود. ولی وقتی فساد و قساوت و پلیدی از حد گذشت جمع این ۳۶ نفر به ۷، ۸ نفر یا کمتر تقلیل می یابد و خطر انفجار زیادتیر می شود. ولی از قرار، مادام که حتی یک صدیق هم در این باشگاه ۳۶ نفری وجود دارد جای نگرانی نیست، چون باریتعالی عهد خودش را به یاد می آورد و دکمه "انهدام" را فشار نمی دهد و ما گناهکاران قسر در میرویم.

اگر ما هم مانند جناب خرازی جزو پیروان فلسفه "۳۶ صدیق" باشیم باید اعتراف کنیم که این افراد می توانند نه تنها در میان مؤسسين پناهگاه های افراد بی خانمان پیدا شوند، بلکه ردپای آنها را در میان افرادی که از بد حادثه در این مکان ها زندگی می کنند نیز می توانیم ببینیم. البته باور من تا حدی با فلسفه ای که در داستان "۳۶ صدیق" توضیح داده شده است فرق می کند. به این صورت که من باور دارم مقداری از این صداقت و مهربانی و پاکی در درون همه ما وجود دارد و فقط احتیاج داریم که آن را از خواب بیدار کنیم و پرورش دهیم. امروز، و در این موقعیت زمانی، بیداری و فعال شدن "صدیق" درون

ما بیش از هر زمان دیگر مورد نیاز جامعه و دنیا است.

دانستن اینکه افرادی هستند که بدون نیاز به قدرت طلبی و فقط برای یاری دادن و با هدف پیشرفت جامعه، مسئولیتی را قبول می کنند و بدون هیچگونه چشم داشت مالی و وظیفه ای را که به عهده گرفته اند در نهایت صداقت انجام می دهند، باعث می شود تا امید و اعتماد انسان به زندگی روی این زمین خاکی و آینده آن قوت بگیرد. خوشبختانه در جامعه نه چندان کوچک ما ایرانیان یهودی خارج از کشور، اگر نامردی ها و نامردمی هایی وجود دارد، در عوض تعداد افرادی که "صدیق" درونشان هشیار و پابرجا است کم نیست. افرادی که از وقت، فکر، ذوق، خلاقیت و مال خود مایه می گذارند تا به صورت فردی و یا سازمانی نیازهای جامعه خود را در سطوح متفاوت برآورده کنند. اینگونه خود را وقف کردن کاری است بسیار وقت گیر و پردردسر، و متأسفانه در بسیاری از موارد، در کوتاه مدت،

حتی با سپاس و تقدیر افراد جامعه نیز مواجه نیست. اما همان "کارت نامرئی عضویت" در گروه صدیق ها که با "مرکب نامرئی روی پیشانی یک یک آنها نوشته شده است" باعث می شود که این افراد با وجود تمام دردها، به خاطر باوری که در دل دارند و هدفی که به دنبالش هستند، تلاش کنند، زحمت بکشند، و در نهایت دنیای اطراف خود را تا حدی بهتر، زیباتر، و پاک تر از آنچه که بود ترک کنند و چه بسا که در این میان با تجربیاتی که به دست می آورند رشد و تکامل درونی خود را گسترش دهند.

در خاتمه سپاس و تبریک خود را به دو تن از اعضای جامعه مان که صداقت، راستی، و تمایل خالصانه خود را برای یاری دادن و پیشرفت جامعه ای که در آن زندگی می کنند در طی سالیان گذشته کاملاً نشان داده اند، ابراز می دارم. آقای منوچهر نظریان، در چهار سال گذشته، در سمت رئیس هیأت اجرائی فدراسیون یهودیان ایرانی همراه با یارانشان در این گروه و همانند تنی چند از دیگر رؤسای

این سازمان، در نهایت تواضع قدم های بسیار اساسی و مثبتی در راه پیشرفت و خدمت به فدراسیون، سازمان های وابسته به آن و پیشبرد جامعه یهودی ایرانی برداشته اند که به طور حتم نتایج بسیاری از تلاش های ایشان در حال حاضر و در آینده به نفع کل جامعه خواهد بود. رئیس جدید هیأت اجرائی فدراسیون، خانم شهلا جاودان، از ماه می امسال وظیفه خود را شروع خواهند کرد. جای بسی خوشوقتی است که برای اولین بار یک بانوی لایق، پیشرو، و صادق با اهدافی بسیار مهم و مورد نیاز جامعه به ریاست فدراسیون انتخاب شده است و بدون شک با همکاری یاران خود و دیگر اعضای فدراسیون فعالیت های ایشان نتایج مطلوبی را همراه خواهند داشت.

امیدوارم که با رسیدن بهار و بیدار شدن دوباره طبیعت، هریک از ما نیز "صدیق" درون خود را بیدار کنیم و در زیباتر شدن دنیایی که در آن زندگی می کنیم بکوشیم و دست یاری در دست آنهایی که نیازمند هستند بگذاریم.

تسلیت

شادروان "رحیم نظریان"، بزرگ خاندان نظریان، در ۲۸ مارچ ۲۰۱۰ در سن ۹۵ سالگی چشم از جهان فرو بست. آن شادروان مردی بود مستقل، صریح، و قابل احترام، بازرگانی معتبر و خوشنام و سخاوتمند. مرحوم رحیم نظریان در سال ۱۹۴۳ با شادروان ویکتوریا نهورای ازدواج کرد که حاصل آن سه فرزند آنها خانم فلورا پاکیزگی، خانم فریده ستوا و آقای منوچهر نظریان می باشد.

پس از فوت نابهنگام همسر اول خود، آقای رحیم نظریان با خانم مارلن طیب همدانی ازدواج کرد که حاصل این وصلت دو فرزند ایشان، آقایان داریوش و فرهاد نظریان است.

مهربانی و شخصیت منصف شادروان رحیم نظریان باعث محبوبیت بسیار او در میان دوستان و اعضای خانواده به عنوان برادر، همسر، پدر و پدربزرگ بود. وی همیشه در کارهای خیر و یاری به نیازمندان پیش قدم بود و جای بسی آرامش خاطر است که این خصوصیات اخلاقی او همچنان در وجود فرزندان و نواده های او ادامه دارد. درگذشت شادروان رحیم نظریان را به همسر و فرزندان او و کلیه خانواده های وابسته، بخصوص آقای منوچهر نظریان، رئیس هیأت اجرائی فدراسیون یهودیان ایرانی تسلیت می گوئیم.

رئیس و اعضای هیأت اماناء
فدراسیون یهودیان ایرانی
اعضای هیأت اجرائی فدراسیون
یهودیان ایرانی
نشریه شوفار





پیام رئیس هیأت اجرایی آقای منوچهر نظریان

سوالی که همواره از ذهن من می گذرد این است که چگونه تعداد زیادی از مراکز فرهنگی و مذهبی بزرگ در شهرهای مختلف آمریکا که هرکدام گنجایش بیش از هزار نفر را دارا بوده اند به علت عدم داشتن اعضاء کافی در اوایل سال های هشتاد در حال از هم پاشیده شدن بودند . اگر توجه کنیم می بینیم که امروز دو کنیسای بزرگ شهر لس آنجلس که تا سال ۱۹۸۰ خطر بسته شدن درهایشان گردانندگان را نگران کرده بود، پس از رسیدن مهاجرین یهودی ایرانی و پشتیبانی مالی و معنوی این مهاجرین از این مراکز، توانسته اند نه تنها به فعالیت خود ادامه دهند، بلکه پر قدرت تر از همیشه مدارس و مراکز فرهنگی و مذهبی خود را اداره می کنند . شاید قوی ترین و بهترین مثال در مورد اهمیت آموزش و پاسداری از همبستگی و فرهنگ یهودی ایرانی، وجود مرکز فدراسیون یهودیان ایرانی و کنیسای وابسته به آن است. این ساختمان و کنیسا که یکی از قدیمی ترین و بزرگ ترین کنیساهای شهر لس آنجلس است، با گنجایش بیش از هزار و پانصد نفر، توسط تعدادی از بانفوذترین افراد و خانواده های یهودی شهر بنیانگذاری شده بوده است، در اواخر سال های نود به دلیل نداشتن اعضاء کافی و ثابت و به دلیل اینکه گردانندگان آن مایل بودند که این محل به عنوان یک کنیسا همچنان فعالیت داشته باشد، به فدراسیون یهودیان ایرانی فروخته شد. امید گردانندگان آمریکایی این مرکز این بود که جامعه یهودی ایرانی بتواند این محل را به عنوان یک پایگاه

جامعه ای که در آن هستیم و دنیای دور و بر و شخصیت و اخلاق افراد متفاوت آموخته ام، امکان نداشت که در هیچ کلاس درس و یا دوره دانشگاهی یاد بگیرم. فکر می کنم که یکی از بهترین پاداش هائی که انجام کارها و خدمات اجتماعی به ما می دهد همین تکامل و یادگیری است که در طی انجام این فعالیت ها به دست می آوریم.

در این چهار سال با همکاری و همراهی اعضاء فعال فدراسیون هدف های بسیاری داشتیم که برای رسیدن به آن تلاش کرده و موفق شدیم و بسیاری دیگر را همچنان دنبال خواهیم کرد. یکی از کارهایی که همیشه در آن فعالیت داشتیم و در این چهار سال اخیر بیش از پیش کمبود آن را در جامعه همچنان حس کرده ام، آموزش یهودیت و سنت های آن به صورتی که ما در تاریخ دوهزار ساله خود به عنوان یهودیان ایرانی به آن اعتقاد و عادت داشتیم بوده است. یهودی ایرانی توانسته است در طی هزاران سال با نوعی همبستگی و ادغام فرهنگ غنی ایرانی و یهودیت در هر شرایطی هویت خود را حفظ کرده و بقاء جامعه خود را تضمین کند. امروز در این سرزمین غربی ما به عنوان یهودیان ایرانی مراکز و سازمان های مختلفی را ایجاد کرده ایم تا بتوانیم این فرهنگ باستانی و همبستگی را در جامعه حفظ کرده و ترویج کنیم. اما با گذشت زمان، اگر آن را به فرزندانمان نیاموزیم، نه تنها فرهنگ یهودی ایرانی را از دست می دهیم، بلکه فرهنگ یهودیت را از دست خواهیم داد.

چهار سال پیش افتخار این را داشتیم که به عنوان رئیس هیأت اجرایی فدراسیون یهودیان ایرانی توسط اعضاء هیأت امناء این سازمان انتخاب شوم. دو سال پیش نیز با تصویب تمام اعضاء، ترم دوم ریاست خود را شروع کرده و ادامه دادم. امروز بیش از همیشه خوشحالم از اینکه تغییراتی که اخیراً در این سازمان رخ داده در تاریخ فدراسیون سابقه نداشته است. در رأی گیری که در ماه مارچ برای انتخاب رئیس جدید هیأت اجرایی این سازمان برگزار شد برای اولین بار یک بانوی پر قدرت، برجسته و لایق جامعه مان، خانم شهلا جاودان، با اکثریت آراء به این سمت برگزیده شد. من این افتخار را داشته ام که در طی دو سال گذشته با خانم جاودان، که ریاست کمیته بانوان فدراسیون را به عهده داشتند، همکاری نزدیک داشته باشم و از صمیم قلب این انتخاب بجا را به ایشان تبریک می گویم و اطمینان دارم که با رهبری و راهنمایی ایشان فدراسیون همچنان پیشرفت خواهد کرد و مکانی برای کمک، یاری دادن و ایجاد همبستگی میان کلیه افراد جامعه خواهد بود.

من نیز مانند بسیاری از افراد فعال جامعه از سنین جوانی در سازمان ها و کانون های متفاوت خیریه و غیرانتفاعی همچنان فعالیت داشته ام و شرکت در هر اقدامی را که می تواند در پیشرفت و کمک به جامعه ای که در آن زندگی می کنم مؤثر باشد را نوعی وظیفه خود می دانم. اما باید صادقانه بگویم که آن چه را در این ۴ سال اخیر در رابطه با

برای یهودیان حفظ کند.

جدا از کنیسه‌های متفاوت در گوشه و کنار شهر، که امروز توسط یهودیان ایرانی پشتیبانی می‌شوند، چندین کنیسه‌ی ایرانی نیز در مناطق مختلف در سال‌های اخیر تأسیس شده است که هر کدام خدمات شایسته‌ای را برای جامعه انجام می‌دهند و بسیار موفق هستند. اما آنچه امروز ما، به عنوان کسی که در چند سال گذشته به صورت دائم و نزدیک با افراد گوناگون جامعه در تماس بوده است، نگران می‌کند این است که تا چه زمانی این فرهنگ یهودی ایرانی و همبستگی که باعث بقاء و گسترش این مکان‌های متفاوت بوده است ادامه خواهد داشت؟ اگر با دید باز نگاه کنیم فرزندان و جوانان جامعه ما، شاید مانند فرزندان همان جوامعی که در سال‌های هشتاد محیط یهودیت را ترک کرده بودند و مکان‌ها را خالی گذاشته بودند، به تدریج فرهنگ یهودیت را آن‌طور که ما برایش ارزش قائل بودیم و باعث همبستگی افراد خانواده و جامعه بوده است ترک می‌کنند. البته تعداد معدودی از جوانان هستند که به طرف گروه‌های بسیار مذهبی کشیده می‌شوند و با غرق شدن در آن نیز متأسفانه همبستگی خانوادگی خود را تا حدی تهدید کرده‌اند. اما تعداد بسیاری نیز زمانی که آموزش یهودیت را همراه با تأکید در نگه داشتن رسوم و سنت‌ها در دوران جوانی یاد نمی‌گیرند به تدریج از محیط و جامعه‌ای که به آن تعلق دارند بیرون می‌روند.

امروز یک خانواده یهودی ایرانی تبار برای آموزش دادن یهودیت به فرزند خود تنها دو راه دارد، یکی فرستادن فرزند به مدارس یهودی بسیار مذهبی که تا حدی با فرهنگ ایرانی نیز آشنائی دارند و دیگری فرستادن فرزند به مدارس یهودی "کانسرواتیو" و یا "رفورم" که شهریه‌های بسیار بالا برای نگهداری از کودکان می‌خواهند. اکثریت مردم جامعه که مایل نیستند فرزندشان را به مدارس بسیار مذهبی بفرستند و نمی‌توانند شهریه‌های گران مدارس یهودی خصوصی را تقبل کنند، مجبور هستند که فرزندان خود

را به مدارس دیگر و یا حتی در بسیاری از مواقع مدارس خصوصی مسیحیان بفرستند. چون در حین بالا بودن سطح آکادمیک و امنیت موجود در این مدارس شهریه آن‌ها به طور قابل ملاحظه‌ای کمتر از دیگر مدارس خصوصی است. در نتیجه تنها راه آشنایی این جوانان با آموزش یهودیت کلاس‌های هفتگی عبری است که آن هم بستگی به این دارد که اگر والدین آن‌ها وقت و قدرت مالی آن را داشته باشند که فرزندان را به طور هفتگی به این کلاس‌ها ببرند. البته حتی اگر نوجوانان این کلاس‌ها را بگذرانند تعداد بسیاری از آنها پس از پایان مراسم برمی‌تصوا و یا بت میتصوای خود، آن را ادامه نمی‌دهند و پس از مدت کوتاهی تعلق خاطری را که باید به مذهب و فرهنگ خود حس کنند از دست می‌دهند.

کمبود یک مرکز روزانه آموزشی یهودی که با تعادل، فرهنگ و سنن یهودی و ایرانی را به فرزندان ما یاد دهد در میان جامعه یهودی ایرانی بسیار واضح است. در ایران مدارس یهودی مانند اتحاد، کوروش و اتفاق مدرسی بودند که یهودیت و اعتقاد به فرهنگ و سنن را آموزش می‌دادند و مردان و زنان خیری که می‌دانستند خانواده‌های برخی از دانش‌آموزان قدرت پرداخت حتی کمترین شهریه را ندارند با کمک به این مراکز آموزشی موقعیت را برای یادگیری فرزندان تمام خانواده‌ها هموار می‌کردند. اگر مهاجرین یهودی ایرانی توانسته‌اند کنیسه‌های بزرگ این شهر را از ورشکستگی نجات دهند به این دلیل است که اکثریت افراد در ایران اگر مایل بودند می‌توانستند فرزندان خود را به مدارس یهودی بفرستند بدون اینکه نگران پرداخت شهریه‌ای گزاف باشند و یا واهمه داشته باشند که فرزندشان در مذهب آنچنان غرق شود که باعث جدائی او از خانواده شود. امروز جامعه یهودی ایرانی نیاز دارد که برای حفظ هویتش، بقاء اعتقاداتش و قوی‌نگه داشتن فرهنگ یهودیت در وجود فرزندانش این صفات را به آن‌ها بیاموزد و این مهم باید در محیطی انجام شود که اکثریت بتوانند از آن استفاده کنند و با نوع باورهای زندگی

آنها مغایرت نداشته باشد. من از صمیم قلب امیدوارم که دوستان دیگر در جامعه با من هم صدا و همراه شوند تا بتوانیم راهی پیدا کنیم تا یهودیت را به فرزندانمان، که آینده ما هستند، طوری تعلیم دهیم که همواره پشتیبان فرهنگ، سازمان‌ها و کانون‌های یهودی باشند.

در خاتمه می‌خواهم از تمام دوستانی که در این چهار سال اخیر با من همراه و همکار بوده‌اند بی‌نهایت سپاسگزاری کنم. بدون پشتیبانی یک یک اعضای هیأت اجرایی فدراسیون و تشویق اعضای و ریاست هیأت امنا این سازمان‌ها و فعالیت‌های مفیدی که در چهار سال گذشته در فدراسیون اتفاق افتاده امکان پذیر نبود. نهایتاً همسر و فرزندانم که در این چند سال، درگیری‌ها و غیبت‌های متعدد مرا تحمل کردند و مرا در کاری که در پیش گرفتم تشویق کردند سپاسگزارم. با تبریک دوباره به رئیس جدید هیأت اجرایی فدراسیون یهودیان ایرانی، خانم شهلا جاودان، و آرزوی موفقیت برای ایشان و همکارانشان به تمام یهودیان در سراسر جهان موعدها را تسبیح می‌گویم و نوروزی پیروز و سالی سرشار از شادکامی و آزادی برای تمام هموطنان عزیز ایرانی آرزو دارم.

● خواننده عزیز ●

ما مشتاق هستیم که نظریات و عقاید شما را درباره
نشریه شوفار
و خدمات فدراسیون یهودی ایرانی کالیفرنیا دریافت کنیم.
لطفاً از طریق نامه و یا تلفن با ما تماس بگیرید.

Shofar Publication
1317 N. Crescent Blvd.,
West Hollywood, CA
90046
(323) 654-4700

می کند که با ادامه فرستادن پرسشنامه های گوناگون این مسائل را شناخته و با برگزاری سمینارهای مختلف به جستجوی راه حل های مؤثر و آشنا ساختن جامعه با این مشکلات باشیم. برای مثال بررسی اشکالات جوانان در مسائل مربوط به ازدواج.

۲ - ایجاد کردن یک کمیته روابط عمومی مدرن و مجهز با اطلاعات کامل در مورد تمام خدمات گوناگونی که فدراسیون به جامعه عرضه می کند. هنوز خدمات فدراسیون یهودیان ایرانی به طور کامل شناخته نشده است. یک کمیته روابط عمومی باید سرویس های مختلف، از جمله خدمات کمیته حل اختلاف، صندوق اضطراری، کمک به مشکلات مهاجرت، کمک های حقوقی، روانی و غیره را به صورت کامل تری به جامعه ما معرفی کند.

۴ - پارکینگ، پارکینگ و پارکینگ. به نتیجه رساندن فعالیت هایی که درباره گسترش پارکینگ و ساختن آن انجام گرفته است.

۵ - جستجو و یافتن راه حل برای تقویت موقعیت مادی فدراسیون.

۶ - پشتیبانی از نشریه پر ارزش شوفار تا بتواند با کمک همگی خودکفا گردد.

۷ - جوانان ما آینده ما هستند. جوانان اجتماع ما باید تشویق شوند که در اداره فدراسیون همکاری داشته باشند. باید به یاد داشته باشیم که همبستگی اجتماع ما و سازمان های ما درس عبرت و میراثی است که نسل ما برای جوانان خود به جا خواهد گذاشت.

۸ - ادغام تعداد محدودی از کمیته ها برای صرفه جوئی کردن در انرژی انسانی ما.

۹ - Community Calendar: تاریخ و جزئیات تمام برنامه های تنظیم شده بوسیله سازمان های مختلف، می تواند در تارنمای فدراسیون ذخیره و یادداشت شود تا در هر دقیقه هر سازمانی بتواند از برنامه های سازمان های دیگر آگاه شود و مسئله برگزاری دو برنامه از دو سازمان مختلف در یک تاریخ منتفی شود.

۱۰ - دفتر فدراسیون باید کاملاً مجهز به اطلاعات درباره تمامی خدمات موجود در جامعه باشد که بتوانیم راهنمای افراد در پیدا کردن سرویس های مختلف باشیم. در حقیقت دفتر فدراسیون باید تبدیل به یک مرکز اطلاعات عمومی برای خدمات موجود،

اخبار فدراسیون یهودیان ایرانی

عکس ها از: شاهرخ سپهر

در جلسه انتخابات دکتر روین ملامد، خانم جاودان را معرفی کردند و در مورد تحصیلات و تجربیات ایشان در سازمان های مختلف توضیح دادند. پس از رأی گیری خانم شهلا جاودان طی سخنانی از اهداف و برنامه هایی که برای پیشبرد هرچه بیشتر فدراسیون یهودیان ایرانی در نظر دارند سخن گفتند.

متن سخنرانی خانم شهلا زرگریان جاودان

در جلسه انتخاباتی

هیأت امضاء فدراسیون یهودیان ایرانی

ریاست محترم هیأت امضاء دکتر کامران بروخیم،
پرزیدنت ارجمند آقای منوچهر نظریان،
اعضاء عالیقدر کمیته انتخابات،
و یکایک اعضای ارجمند هیأت امضاء:

از موقعیتی که به من داده شده است با افتخار فراوان، با احساس مسئولیت گران و با امیدی بی پایان تشکر می کنم.

با اجازه همگی برنامه و اهداف خود را برای فدراسیون در زیر خلاصه کرده ام:

۱- ایجاد همبستگی بیشتر بین تمام سازمان های غیرانتفاعی وابسته به فدراسیون، به همان طریقی که برای گروه بانوان فدراسیون طرح ریزی و پیاده شد و با یاری خداوند و همکاری همگی با موفقیت کامل روبرو بوده است.

۲ - شناختن، بازیابی و موشکافی مسائلی که اجتماع مان را زجر می دهد و یافتن راه حل های عملی برای درمان این اشکالات. به عقیده من وظیفه وجدانی فدراسیون ما حکم

انتخاب رئیس جدید

هیأت اجرائی فدراسیون

در ماه آوریل سال ۲۰۱۰ دومین ترم ریاست آقای منوچهر نظریان در هیأت اجرائی فدراسیون یهودیان ایرانی به پایان می رسد. به این منظور روز چهارشنبه ۱۷ مارچ اعضای هیأت امضاء فدراسیون گردهم آمدند تا رئیس جدید هیأت اجرائی این سازمان را انتخاب کنند. در این جلسه خانم شهلا زرگریان جاودان، یکی از بانوان بسیار لایق، با ارزش و فعال جامعه یهودی ایرانی و رئیس کمیته بانوان این سازمان، با اکثریت آراء به این سمت برگزیده شد. این اولین بار در تاریخ ۳۰ سال فدراسیون است که یک بانوی ایرانی به این سمت انتخاب شده و این قدمی افتخار آمیز برای اعضای هیأت امضاء و کلیه جامعه یهودیان ایرانی می باشد.

خانم جاودان با کوله باری از تجربیات ارزنده در انجام خدمات، فعالیت ها و کارهای اجتماعی در نیویورک و لس آنجلس، نیروی تازه و متفاوت در رهبری این سازمان با خود به ارمغان خواهند آورد.

دو سال پیش آقای منوچهر نظریان هنگام شروع ترم دوم دوران ریاست خود از خانم شهلا جاودان دعوت کردند تا رهبری کمیته بانوان این سازمان را به عهده بگیرند. در دو سال اخیر کمیته بانوان فدراسیون یکی از فعال ترین و مؤثرترین کمیته های هیأت اجرائی بوده است و قدم های بسیار مثبتی در برقراری هماهنگی و همبستگی سازمان های متفاوت جامعه برداشته است.



بانوانی که در بت میتصوای بزرگسالان شرکت کردند، همراه با تعدادی از اعضای کمیته بانوان فدراسیون

چه دولتی و چه غیرانتفاعی شود.

در خاتمه "تأثیر اجتماعی فدراسیون" می تواند بسیار مهم باشد. احترام و قدرت اجتماعی فدراسیون در جامعه میزبان ما بوسیله کمیته های مختلف باید به قدری افزایش داده شود که اگر درگیری برای فردی در جامعه رخ داد با دسترسی داشتن به مقامات بالای دولتی بتوانیم در حداقل زمان به افراد جامعه یاری برسانیم.

در حقیقت فدراسیون به خاطر همبستگی اش با دیگر سازمان های غیرانتفاعی باید راه امید یکایک افراد جامعه و خانه امید نیازمندان در تمام کشور و حتی دنیا باشد. لازم به تأکید است سازمان هایی که عضو فدراسیون یهودیان ایرانی هستند کاملاً در حفظ قوانین اساسی سازمان خود آزاد هستند و لزوماً نباید قوانین فدراسیون را دنبال کنند.

برافروختن ایمان

صبح شنبه ۲۰ فوریه ۲۰۱۰ مراسم و گردهم آئی زیبا و متفاوتی در کنیسی "بت ال" وابسته به مرکز فدراسیون یهودیان ایرانی برگزار شد. به همت و ابتکار کمیته بانوان فدراسیون، به رهبری خانم شهلا جاودان، تعدادی از بانوان یهودی ایرانی در مراسم "بت میتصوا ی بزرگسالان" شرکت کردند. به گفته خانم جاودان "بسیاری از ما این فرصت را نداشتیم که در سن ۱۲ یا ۱۳ سالگی در ایران در چنین مراسمی، که امروز برای دختران و نوه هایمان برگزار می کنیم، شرکت کنیم. خانم هایی که با کمیته بانوان به اسرائیل سفر کردند این فرصت فراموش نشدنی را به دست آوردند که در کنار "مسادا" این مراسم را بگذرانند و این تجربه برای همه ما بسیار شیرین و روحانی بود. به همین دلیل اعضاء کمیته بانوان فکر کردند که ما می توانیم همین کار را در کنیسی مرکز فدراسیون انجام دهیم و به این صورت رابطه افراد را با ایمان و یهودیت محکم تر کنیم."

این برنامه با همکاری و همراهی دکتر ایزک نورمحمودی، مسئول کنیسی "بت ال" برگزار شد. خانم زهره لاله زاری مجری

مهر و اشک احساس خود را چنین بیان کرد : "این واقعه شادی آور فرصت و شانس بود که من سال ها درباره اش فکر کرده و آرزو کرده بودم. از کمیته بانوان نهایتاً سپاسگزارم که مرا در چنین مراسمی سهیم کردند."

افرادی که مایل هستند در برنامه های آینده این کمیته در رابطه با بر میتصوا و بت میتصوای بزرگسالان شرکت کنند می توانند برای دریافت اطلاعات بیشتر با تلفن ۴۷۰۰-۶۵۴(۳۲۳) تماس بگیرند. با سپاس از اعضای کمیته بانوان که در این برنامه با ما همراه و همیار بودند

متن سخنان خانم زهره لاله زاری

در مراسم "بت میتصوای بزرگسالان"

خانم ها آقایان سروران عزیز با عرض خوش آمد ، من زهره لاله زاری امروز از درگاه خداوند متعال سپاسگزارم که این شانس را نصیبم کرد که در این جایگاه مقدس و پاک با حضور شما بانوان ارزشمند یهودی ایرانی در کنیسی بت ال، این مرکز مذهبی فرهنگی با عظمت، در این حرکت و ابتکار بسیار زیبا و پر احترام در کنار شما باشم و این جشن باشکوه بت میتصوای بانوان ایثارگر و مهربان را هرچه دلپذیرتر جشن بگیریم. این حسن سلیقه و ابتکار برای قدردانی

برنامه و یکی از شرکت کنندگان بودند. در طی مراسم خانم شهلا جاودان، خانم ژانته برخوردار، دکتر ایزک نورمحمودی و خانم زهره لاله زاری در مورد نقش زن در یهودیت و معنای "بت میتصوا" سخنرانی کردند. قسمت "هفتارا" توسط خانم "شارلین ناتان"، نوه شادروان ابراهیم شموئیلیان خوانده شد و خانم ها دبی و نیکول فرنوش با صدای گرم خود قسمت های متفاوت را خواندند. چهار کتاب از طرف کمیته بانوان به شرکت کنندگان در این مراسم اهدا شد، از جمله: "نسل های ملت یهود" نوشته بهرام آقراپور، "محاکمه آدولف آیشمن" نوشته موسی صبی، "راهنمای شادی" اشعار و دعاهایی نوشته جمشید کشفی، و "بازنویسی و تفسیر تورات" به زبان فارسی که به همت شادروان عزیزالله برجیس تهیه شده و از طرف خانواده مقدم به شرکت کنندگان هدیه داده شد.

شرکت کنندگان در این مراسم خانم ها مری پیکر، محترم کهن سینا، ژانته برخوردار، زهره لاله زاری، خانم اخوان، ژیللا ملامد، میترا یعقوبیه، کتی ابراهیمی و ویکی درویش بودند. یکی از جوان ترین شرکت کنندگان در پایان مراسم اظهار داشت: "احساس می کنم که این تجربه آغاز جدیدی را در زندگی من به ارمغان آورده." و بانوی ۹۱ ساله ای که در این مراسم شرکت کرده بود با چشم هایی پر از

از بانوان، ایده بسیار قابل ستایش سرکار خانم شهلا جاودان، رئیس کمیته بانوان و با همکاری صمیمانه جناب آقای دکتر ایزک نورمحمدی و بانوان فعال در این کمیته است که سپاسگزارشان هستیم.

پروردگار فرمود ای انسان تورا قرینی دادم تا در شادی‌ها و مشکلات با تو سهیم و در بلایا یاری دهنده اندیشه‌های تو گردد.

یاران عزیز امروز گردهم آمدیم تا از کسانی قدردانی کنیم که وارثان هزاران ساله قوم یهود هستند و ریشه‌ای دیرینه در تاریخ دارند و میراث دار ۷ پیامبر قوم یهود چون سارا، میریام، دבורا، خنا، اویگیل، خوندا و استر ملکه دربار خشایار شاه هستند و با ایثار خود عظمت این قوم برگزیده را تضمین کردند و نام باشکوه زن و مادر یهودی را زیانزد خاص و عام کردند. آنان چون سارا، همسر حضرت ابراهیم در غم فرزندان خود در مقابل پروردگار خویش تسلیم به رضا و با پشتوانه استقامت، ایمان خویش را تا به امروز در خاطره‌ها جاودان ساختند و هریک نقشی سازنده در شکل‌گیری هزاران ساله قومیت ما داشتند.

هریک از این بانوان از آتش آزمایش سرافراز گذر کردند و غم فرزند و همسر در بردباری شان خلائی به وجود نیاورد و از ایمانشان به خداوند یکتا ذره‌ای کاسته نشد. شمع وجود این بانوان، این مادران و خانم‌های ارجمند روشنی بخش زندگی بسیاری است که در این جمع حاضر و ناظرند. مادرانی که در کنار ما نیستند جایشان خالیست و ثناگوی بزرگواریشان هستیم.

روز سلامت زن

در روز یکشنبه ۲۴ ژانویه ۲۰۱۰ کمیته سلامتی و تندرستی به رهبری خانم‌ها شبنم کیمیا و الهه بروخیم دومین برنامه سالانه "روز سلامتی زن" را در مرکز فدراسیون یهودیان ایرانی برگزار کردند.

هدف این برنامه، که از ساعت ۱۰ صبح تا ۶ بعد از ظهر برگزار شد، جدا از دادن

اطلاعات در مورد سلامت جسمی و روانی برای زن‌ها، آشنایی بانوان و خانواده‌ها با حفظ و نگهداری خانه و خانواده‌ای سالم بوده است. در این روز بخصوص در مورد سالم نگه داشتن دنیا، محیط زیست و اینکه چگونه رشد سالم افراد

و خانواده‌ها به سالم نگه داشتن کره زمین، احترام به طبیعت، ودوری از افراط در مصرف کردن مواد غیرطبیعی در محیط خانه و خانواده ارتباط مستقیم دارد تأکید شد.

در "روز سلامت زن و نمایشگاه خانه سالم" شش سمینار در رابطه با سلامتی زن توسط متخصصین متفاوت عرضه شد. بانوانی که واجد شرایط بودند توانستند از آزمایش ماموگرام رایگان در محل سمینار استفاده کنند. بیش از ۵۰ غرفه در رابطه با غذاهای سالم، مواد سالم مورد احتیاج در منزل، اطلاعات در مورد سلامتی جسمی و روانی به اضافه بوتیک‌های لباس و جواهر برای بازدید شرکت‌کنندگان موجود بود.

برنامه‌های سمینارها از ساعت ۱۰:۳۰ صبح با صحبت‌های خانم دکتر بهار صدارتی اولیایی در مورد "سلامتی عمومی بانوان" شروع شد و با صحبت‌های متخصصین دیگر از جمله: خانم ارین نعیمی، متخصص تغذیه، در رابطه با "مشکلات تغذیه؛ آقای دکتر سالار نیکو در رابطه با "سلامت روح و روان؛ آقای شان فاضلی در رابطه با "دنیای سالم، مردم سالم؛ خانم دکتر سیلوانا مارتینو، متخصص سرطان و رئیس قسمت سرطان سینه در کلینیک لوس آنجلس، در رابطه با

"سلامت سینه‌ها؛ آقای دکتر نادر جوادی، متخصص در سه رشته داخلی، خون و سرطان، در رابطه با "سرطان‌های روده و ریه؛ خانم دکتر ساناز معمارزاده، متخصص زنان و سرطان، در رابطه با "سرطان دستگاه‌های



سه تن از سخنرانان در سمینارهای روز سلامتی زن، از راست به چپ: دکتر کامران بروخیم، رئیس هیأت امنای فدراسیون یهودیان ایرانی؛ دکتر سیلوانا مارتینو؛ دکتر نادر جوادی



بیش از ۵۰ غرفه در روز سلامتی زن خدمات و کالای خود را عرضه کردند.

تناسلی؛ آقای دکتر پیمان بنونی، متخصص زنان، زایمان و نازائی، در رابطه با "یائسگی؛ آقای دکتر کامران بروخیم، در رابطه با "یائسگی و عدم تمایلات جنسی و بی‌خوابی در بانوان؛ و خانم دکتر پروانه ضیاء، روانشناس در رابطه با "مسائل روانی عدم تمایلات جنسی" تا ۶ بعد از ظهر ادامه داشت. برنامه "روز سلامت زن و نمایشگاه خانه سالم" با استقبال بیش از دو هزار نفر شرکت‌کننده در طی روز روپرو شد و مانند کلیه برنامه‌های این کمیته ورود برای عموم آزاد و رایگان بود.

در چهار سال گذشته تحت ریاست آقای منوچهر نظریان در هیأت اجرائی فدراسیون یهودیان ایرانی، تغییر و تحولات بسیاری در سازمان ایجاد شده که هرکدام به صورتی فرم مثبتی برای سازمان و جامعه بوده است. این قدم ها با همراهی و کمک کلیه اعضا هیأت اجرائی سازمان و پشتیبانی ریاست و اعضا هیأت اماناء، و تشویق مردم جامعه انجام گرفته است و امید می رود که در سال های آینده و با وجود ریاست جدید در فدراسیون یهودیان ایرانی پیشرفت های سازمان همچنان ادامه داشته باشد.

هریک از کمیته های مختلف سازمان با رهبری رئیس کمیته تا حد امکان برنامه های مختلف و سودمندی را برای کل جامعه تهیه و تنظیم کرده اند. گزارشی از کارهای مختلف تعدادی از این کمیته ها توسط رئیس آن، در بخش فارسی و انگلیسی همین شماره نشریه شوفار آمده است که توجه علاقمندان را به آن جلب می کنیم. گزارش دقیق کمیته مالی نیز که توسط رئیس آن، آقای فریدون گلبر تهیه و تنظیم شده در ادامه این گزارش برای اطلاع علاقمندان چاپ شده است.

در چهار سال گذشته، کمیته جوانان سازمان با برگزاری چند جشن بسیار موفق توانست مقدار قابل ملاحظه ای کمک مالی به سازمان های جوانان در کشور اسرائیل برساند. در سال ۲۰۰۷ با همکاری خانم گیسورستگار، رئیس کمیته بانوان از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸، مبلغ قابل توجهی برای کمک به اسرائیل پس از جنگ لبنان و اسرائیل از طرف فدراسیون جمع آوری شده و به دولت اسرائیل اهداء شد و با کمک همین کمیته مجلس بزرگداشتی برای آقای دکتر رحیم کهن برگزار شد. کمیته اجتماعی و فرهنگی سازمان، به مدیریت آقای سعید ساسونی، انتشار و چاپ نشریه شوفار را به صورتی متفاوت با وجود دو بخش انگلیسی و فارسی

در بهار سال ۲۰۰۷ شروع کرد. این نوآوری با سردبیری موفق خانم مژگان مقدم رهبر و هیأت تحریریه و گروه نویسندگانی که با شوفار کار می کنند باعث شده است که تعداد خوانندگان این مجله به طور قابل ملاحظه ای افزایش یابد و گروه جوانان و نوجوانان به مطالعه مجله و باقی ماندن در جامعه خود علاقه بسیار نشان دهند. یکی دیگر از فعالیت های چشم گیر این کمیته به راه انداختن "وب سایت" و یا "تارنمای" فدراسیون بوده است که به صورت منظم برنامه ها، خدمات و فعالیت های سازمان در آن منعکس می شود و علاقمندان در سراسر دنیا می توانند نشریه شوفار را از طریق این "سایت" هم مطالعه نمایند.

قدم های بسیار مثبتی برای کاهش مخارج ساختمان مرکز فدراسیون یهودیان ایرانی در چهار سال گذشته برداشته شده است. از جمله: بررسی و تنظیم بودجه سالیانه و تطبیق درآمد و هزینه، تقلیل کارمندان دفتری سازمان، تقلیل هزینه های برق و آب با نصب کنتراهای مجزا، تقلیل و تعدیل بهره های وام ساختمان با بهره کمتر، یافتن راه حل های اساسی برای سهولت پارکینگ، نصب دوربین های حفاظتی جهت جلوگیری از اقدامات خرابکارانه، اصلاح پوشش های بیمه ساختمان، تغییر سیستم های اداری در کانون سالمندان برای کاهش هزینه و افزایش درآمد.

یکی دیگر از کمیته های سازمان که همچنان فعالیت خود را در چهار سال گذشته با موفقیت انجام داده است، کمیته حل اختلافات به رهبری خانم فریبا سلیمانی و آقای یورام حاسید بوده است که در موارد بسیار به مشکلات و مسائل افراد جامعه رسیدگی می کند، کمیته ساختمانی نیز زیر نظر مهندس عبدی خرمیان توانسته است قدم های بسیار مثبتی در راه نوسازی و گسترش تأسیسات مرکز فدراسیون یهودیان ایرانی بردارد، از جمله: اخذ پروانه و اتمام عملیات ساختمانی و اجرائی برای نوسازی سالن "سپرا"، تلاش در جهت اخذ پروانه برای ایجاد پارکینگ در زمین جنب سالن "نعمان" و زمین مقابل

مرکز فدراسیون که شامل سالن جشن ها به مساحت پانزده هزار اسکورفیت و امکانات بسیار مجهز خواهد بود و نگهداری و مرمت ساختمان های متفاوت موجود در مرکز فدراسیون یهودیان ایرانی. امید می رود که با اخذ اجازه نهایی برای ساختن مکان جدید و پارکینگ مرکز فدراسیون یهودیان ایرانی در آینده نزدیک این تشکیلات یکی از مراکز مهم برای اجتماعات در شهر لس آنجلس بشود.

فدراسیون یهودیان ایرانی همواره مایل است که سازمان ها و مراکز متفاوت در جامعه یهودیان ایرانی به جمع فدراسیون ملحق شوند، تا با همبستگی و هم صدائی با یکدیگر بتوانیم قدرت و نفوذ بیشتری برای پیشبرد منافع جامعه در محیطی که در آن زندگی می کنیم داشته باشیم به این منظور خوشحالیم که در چهار سال گذشته سازمان های جدیدی همکاری خود را با ما شروع کرده اند از جمله: سازمان فرهنگی و اجتماعی ارتص، کنیسای بت داوید، تورت حثیم، اورهاامت. همچنان در چهار سال گذشته کنیسای "بت ال" وابسته به مرکز فدراسیون یهودیان ایرانی به سرپرستی دکتر ایزک نورمحمودی فعالیت های خود را ادامه داده است و برنامه های مذهبی این کنیسا با استقبال شرکت کنندگان روپرو بوده است.

تصحیح و پوزش

در مقاله "دیابت" که در بخش انگلیسی شماره ۱۶۴ (مخصوص پائیز و زمستان ۲۰۰۹) این نشریه به چاپ رسید، نام پروفیسور ایرج لاله زاری، پژوهشگر و داروساز بنام ایرانی، در رابطه با کشف و تحقیقات روی سری ترکیبات "ال-آر" (LR series) نوشته نشده بود. کلیه داروهای گروه "ال-آر" بوسیله پروفیسور لاله زاری سنتز شده و برای آزمایش در اختیار پروفیسور رهبر قرار گرفته است. به این وسیله از پروفیسور ایرج لاله زاری و پروفیسور ساموئل رهبر از این غفلت پوزش می طلبیم.

"نشریه شوفار"

Iranian American Jewish Center

سود و زیان چهار ساله
January 2006 Through December 2009

	Jan-Dec 2006	Jan-Dec 2007	Jan-Dec 2008	Jan-Dec 2009	
INCOME:					درآمد ها
Donation Revenues:					اعانات:
Shabbat & High Holidays	212,874 23%	192,595 16%	175,921 14%	164,845 17%	شبات و مواعید
General Donations	50,686 5%	86,474 7%	49,637 4%	30,980 3%	معمولی
Others	15,009 5%	114,020 10%	20,849 2%	19,919 2%	سایر
Events-Miscellaneous	16,792 2%	179,316 15%	255,829 21%	48,828 5%	مراسم متفرقه
Banquet Rooms Rental	355,474 38%	345,955 30%	413,899 36%	388,491 40%	اجاره سالن ها
Tenants Rental Income	270,439 29%	277,012 23%	302,607 26%	300,456 32%	اجاره محل (مدارس)
Total Income	\$ 921,274	\$ 1,195,372	\$ 1,218,742	\$ 953,519	کل در آمد
EXPENSES:					هزینه ها
Total Operating Expenses	582,481	973,741	721,120	668,385	هزینه های عملیاتی
Net Ordinary Income	\$ 338,793	\$ 221,631	\$ 497,622	\$ 285,134	درآمد خالص قبل از بهره ها
OTHER INCOME AND EXPENSES:					سایر درآمدها و هزینه ها
Other Income - Interest	14,428	14,359	5,118	1,732	بهره های دریافتی
Other Expense - Interest on Mortgage	445,443	263,228	260,043	235,309	بهره های پرداختی
Other Expense - Miscellaneous	97,430	98,805	130,548	0	سایر مخارج
Total Other Income and Expense	\$ 542,873	\$ 362,033	\$ 390,591	\$ 235,309	جمع کل سایر درآمد ها و مخارج
Net Other Income and Expense	(528,445)	(347,674)	(385,473)	(233,577)	
Net Income (Loss)	\$ (189,652)	\$ (126,043)	\$ 112,149	\$ 51,557	کل خالص درآمد (زیان)



تعدادی از اعضای
صندوق اضطراری
نشسته از راست به چپ:
خانم لیدا ابراهیمی، خانم منیژه
نهواری، خانم شهلا جاودان
ایستاده از راست به چپ:
دکتر نورمحمودی، دکتر جمشید
الیست، آقای جاوید شالوم، آقای ایرج
شموئیلیان، آقای صیون ابراهیمی،
دکتر ایوب ابراهیمی

به این صندوق فراموش نکنند و تا آنجا که می
توانند در رسیدگی به نیازهای افراد محتاج
این صندوق را یاری دهند.
گزارشی دقیق از فعالیت ها و خدمات
صندوق اضطراری در بخش انگلیسی
همین شماره نشریه شوفار توسط آقای
ایرج شموئیلیان نوشته و چاپ شده است
که مطالعه آن را به تمام دوستان توصیه
می کنیم.

دارند تأسیس شده و به فعالیت خود ادامه می
دهد. از سال ۲۰۰۸ سرپرستی و هماهنگی
این کمیته توسط آقای ایرج شموئیلیان انجام
گرفته است. متأسفانه طی دو سال گذشته
با وجود موقعیت بد اقتصادی دنیا تعداد
مراجعین به صندوق اضطراری به اندازه قابل
توجهی افزایش یافته است. بنابراین اعضای
داوطلبی که در این صندوق مراجعه کنندگان
را یاری می دهند بیش از همیشه امیدوار
هستند که افراد جامعه کمک های مالی خود را

صندوق اضطراری

سال های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰

از بدو تأسیس فدراسیون یهودیان ایرانی،
وجود و خدمات صندوق اضطراری این
سازمان نقش مهمی را در جامعه به عهده
داشته است. صندوق اضطراری به منظور
رساندن کمک مالی به افرادی که به دلائل
متفاوت در زمانی از زندگی خود نیاز به یاری



ایستاده از چپ به راست: سیما کهن زاده، ژیلایوسفی، شهلا ابرامی، هایده هربرت آئینه چی، فرزانه فرنوش، ویولت ساسونی، شهناز کوندیان نشسته از چپ به راست: نادره سلیمانی جم، مهناز نظریان، لیدا ابراهیمیان، شهلا جاودان، ثریا ملمد، ویکی درویش، شهین سپیر اعضای غایب در عکس: دکتر سیما بوستان فر، دبی و نیکول فرنوش، شهناز صوفریان، سهیلا ماخانی، کتی و مژگان ملمد، آریتا ثابت، رزا جانسن، بهیه ابراهیمیان، رزیتا ابرامی، و دکتر راشل بوستان فر یزدی

کمیته بانوان فدراسیون یهودیان ایرانی

سال های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰

طی دو سال گذشته کمیته بانوان فدراسیون یهودیان ایرانی به سرپرستی خانم شهلا جاودان و با همراهی و یاری اعضای فعال آن خدمات و فعالیت های بسیار ارزنده ای را انجام داده است.

به ابتکار خانم جاودان طی سه گردهم آئی بزرگ تمام رؤسا و اعضای فعال سازمان های متفاوت بانوان یهودی ایرانی گرد هم آمدند تا در مورد مسائل و مشکلات جامعه و پیدا کردن راه هایی برای حل

آن ها تبادل نظر کرده و قدم بردارند. این گردهم آئی ها باعث ایجاد نوعی اتحاد و همبستگی میان گروه های مختلف بوده است و نتیجه آن ایجاد یک پرسشنامه کلی است که توسط دکتر دوریت میلر تنظیم شده است. این پرسشنامه توسط نامه و پست الکترونیکی برای تعداد کثیری از افراد جامعه فرستاده شده و امید می رود که با توجه به پاسخ های آن گروه های متفاوت بتوانند راه های بهتری برای پیشرفت جامعه یهودی ایرانی پیدا کنند. برخی دیگر برنامه های بسیار موفق این کمیته که با استقبال و تشویق کل جامعه روبرو بودند عبارتند از: بزرگداشت و تجلیل از شادروان الیاس اسحاقیان و معرفی کتاب وی، قبل از فوت آن مرحوم؛ شبی با علیرضا میبیدی، برنامه ای رایگان با همراهی این گوینده، مفسر سیاسی و برنامه ساز رادیو و تلویزیون در رابطه با "آینده خاورمیانه"؛ بزرگداشت و تجلیل از دکتر عزیزه برال؛ تور سفر خانوادگی به کشور اسرائیل؛ بازدید از مراکز و خانه های سالمندان؛ کمک به زلزله زدگان "هایتی" از طریق سازمان غیرانتفاعی "ماغن داوید ادم" اسرائیل و انجام مراسم بت میتصوا برای بزرگسالان در کنیسای "بت ال". برای گزارش دقیق تر از فعالیت ها و برنامه های کمیته بانوان می توانید به مطالب نوشته خانم شهلا جاودان در بخش انگلیسی همین شماره نشریه شوفار مراجعه کنید.



گفتگوئی با آقای یورام حاسید رئیس کمیته حل اختلاف

از: فرنوش ابریشمی

اختلافات خود را حل می کردند و به نتیجه ای می رسیدند به تقاضای من وجهی را به یکی از سازمان های خیریه پرداخت می کردند که برای کمک به مردم بی بضاعت استفاده می شد. البته شروع کار رسمی من روزی آغاز شد که در کنیسیای نصح بین دو نفر اختلافی پیش آمد که شادروان حاخام یدیدیا شوفط مرا مأمور کار این دو فرد کرد. پس از آن اختلاف های دیگران را نیز به بنده معرفی کردند. من هر شب گزارشی از کارهای خود را به خدمت ایشان می رساندم و ایشان هر نوع تذکراتی را که صلاح می دانستند به من می دادند که این اختلافات زودتر حل شود. در همان ایام جناب آقای یاحید بنده را به فدراسیون یهودیان ایرانی معرفی کردند که زیر نظر رئیس کمیته حل اختلافات، آقای قدسیان و در جوار چند خیرخواه دیگر از جمله آقای شاهری، آقای اعتصامی، آقای یاحید، دکتر باروخ بروخیم، آقای عمرانی، خانم دکتر حلیمی، خانم نهروائی، آقای دکتر بخرد، آقای منشوری و آقای دکتر کرمانشاهی آغاز به خدمت کردم. یکی از بزرگواری هایی که آقای قدسیان انجام می دادند این بود که نه تنها هیچ مزدی دریافت نمی کردند بلکه گاهی اوقات اگر بین طرفین اختلاف مالی بود خود ایشان و دوستان پولی جمع می کردند تا کار به نتیجه مطلوب برسد و اختلاف از بین برود. البته در کنار همه این دوستان وکلای چون خانم فریبا سلیمانی و چند وکیل آمریکائی و حسابدارانی چون آقای لایو و آقای شناسافرکمک های بسیاری به این کمیته کردند. از جمله سازمان هایی که بنده تا به حال در آن فعالیت های داشتم

پس از دریافت دیپلم در سال ۱۹۶۳ به اسرائیل مهاجرت کردم و مدت ۱۲ سال مشغول به کارهای ساختمانی به خصوص در اورشلیم بودم. در همین مدت بنا به دعوت چندین سرمایه گذار ایرانی به ایران سفر کردم و با چند شرکت قرار ساختمان سازی گذاشتم که یکی از آن پروژه ها زمین تابستانی سینما ونک بود. تقریباً یک سال قبل از انقلاب با یکی از شرکا به آمریکا و لس آنجلس مهاجرت کردیم و به انجام همان کارهای ساختمانی ادامه دادیم.

- از چه زمان فعالیت های اجتماعی خود را آغاز کرده اید؟ و از کی با فدراسیون یهودیان ایرانی همکاری خود را شروع کرده اید و چه سمتی در آنجا دارید؟

کارهای اجتماعی بنده از همان روزهای اول که ایرانیان از اسرائیل به آمریکا مهاجرت می کردند آغاز شد با هر نوع کمکی که در توانم بود به آنان همیاری می کردم. از همان روزها ابتدا با کنیسیای ارتص، فعالیت خود را آغاز کردم. به دلیل علاقه فراوان به کارهای خیریه زمینی را که در خیابان "ویلبر" در شهر "رسیدا" خریداری کرده بودم به تقاضای شادروان آقای الیاس اسحاقیان و چند تن از دست اندرکاران برای ساختن کنیسا به آنان واگذار کردم و بنده با سرافرازی و خوشحالی این مهم را انجام دادم. در همان زمان ها مرتب از من تقاضا می شد در حل اختلاف بین افراد فعالیت کنم و سعی بنده در این بود که طرفین را به یک قرارداد که برای هر دو مورد قبول باشد برسانم و در این برنامه بسیار مؤثر و موفق بوده ام. پس از اینکه طرفین

به منظور آشنائی بیشتر با اعضاء فعال فدراسیون یهودیان ایرانی کالیفرنیا درصدد برآمدیم در هر شماره گفتگوئی با یکی از افراد شاخص که وقت و همت خود را برای پیشرفت جامعه در اختیار ما قرار می دهند داشته باشیم. برای این شماره گفتگوئی با آقای یورام حاسید، رئیس کمیته حل اختلاف فدراسیون یهودیان ایرانی، ترتیب داده ایم و امیدواریم که بتوانیم در آینده مصاحبه هائی با دیگر شخصیت های نام آور و فعالین جامعه داشته باشیم.

- آقای یورام حاسید با سپاس فراوان از اینکه دعوت مرا برای این مصاحبه پذیرفتید لطفاً ما را بیشتر با خانواده تان آشنا کنید.

پس از تشکر از مجله شوفار و سروران عزیز که مرا به این سمت برای خدمت به جماعت قبول کردند. من ۶۶ سال پیش در اصفهان به دنیا آمدم و پس از گرفتن دیپلم از مدرسه صادقیه اصفهان به اسرائیل مهاجرت کردم. همسری مهربان و نیکوکار و ۶ فرزند دارم. سه دخترم و یک پسرم وکلای موفق هستند که یکی از آنان District Attorney و دیگری Commissioner دادگاه هست، که به زودی به سمت قاضی قبول خواهد شد. دو فرزند دیگرم به کارهای ساختمانی مشغول شده اند. همگی فرزندانمان باعث افتخار ما هستند. ۵ تن از فرزندانمان ازدواج کرده اند و ۱۳ نوه داریم.

- لطفاً کمی از شغل خودتان و از اینکه چه موقع ایران را ترک کردید توضیح دهید.

دردوره حل این اختلاف بین من و دیگران رخ می دهد همه را به راحتی از یاد می برم و همه چیز به شادمانی تبدیل می شود. بعضی ها خوشبختی را در ثروت، مقام، منصب و غیره می بینند. به نظر من همه خوبی های دنیا خوب هست ولی زمانی که بشود کارهایی برای دیگران انجام داد و نتیجه های خوب گرفت انسان می تواند واقعاً لذت و مزه خوشبختی را حس می کند.

- آیا برای جوانان جامعه ما پیغام و یا پیشنهادی دارید؟

همانطور که اشاره کردم اگر کسی اعتقاد به کمک کردن به ممنوع خود داشته باشد، همانگونه که در تورات مقدس هم آمده، او می تواند با قدم برداشتن در این راه خوشبختی را لمس کند و لذت آن را ببرد. اگر جوانان ما این رویه را از آغاز زندگی خود پیش بگیرند هم می توانند از زندگی خود لذت بیشتری ببرند و خوشبختی را حس کنند و هم با دیدن مشکلات دیگران متوجه می شوند که زندگی و مسائل خودشان بسیار آسان تر به نظر می آید و راحت تر حل خواهد شد.

آنها حاصل رضایت بخشی داشته است. کمیته حل اختلاف تلاش می کند که اختلافات متفاوت را به حد توان خود رفع نموده و به ادامه آنها خاتمه دهد. کلیه این پرونده ها برای همیشه محرمانه در این کمیته و مابین اعضای آن باقی می ماند.

- به چه دلایلی علاقه مند به انجام فعالیت های اجتماعی و کمک به سازمان های غیرانتفاعی و بشردوستانه شده اید؟ و چرا فکر می کنید که یک فرد باید در این نوع سازمان ها و در کارهای خیریه فعال باشد؟

من از کارهایی که در ۳۰ سال گذشته انجام داده ام بسیار خشنود هستم و این احساس مرا تشویق می کند که این راه را ادامه دهم. وقتی به کنیسا یا مهمانی می روم و دوستان یا آشنایان را می بینم که با خوبی و خوشی از من استقبال می کنند و حس می کنم که از کار من رضایت دارند و خوشحالند از اینکه اختلافشان حل شده خوشحال می شوم. هر وقت که فعالیت هایم به نتیجه مطلوب می رسد بینهایت احساس رضایت و شادمانی می کنم و حتی اگر اشکال و یا ناراحتی

سازمان تورت حییم را نیز می توان نام برد. سازمان دیگری که فعالیت گسترده در آن داشتم سازمان "Pop for Peace" بوده است. این سازمان سگ هایی را برای شناسایی مواد منفجره خریداری کرده و تربیت می کند که کمک والایی برای بشریت است.

در حال حاضر بنده رئیس کمیته حل اختلاف فدراسیون یهودیان ایرانی هستم و مشاوران و افراد دیگر عضو این گروه عبارتند از: آقایان امیر عمرانی، فرد گلبر، عبدی خرمیان، عزیز لایوی، منوچهر نظریان، یوئل نعمان، سعید ساسونی، ایرج یعقوب زاده و بانوان دکتر مژگان حکیمی، شهلا جاودان، دکتر دوریت میلر و فریبا سلیمانی.

- لطفاً را کمی بیشتر با کمیته حل اختلاف آشنا کنید و از برنامه هایی که در این کمیته موجود است برای خوانندگان ما بگوئید.

ما جامعه گسترده ای داریم و همواره مشکلاتی بین بازرگانان در امور تجاری و یا میان افراد در روابط خانوادگی و یا شخصی پیدا می شود. تاکنون این کمیته بیش از ۳۰۰ پرونده را مورد بررسی قرار داده که همگی

Complete Eye Exam For All Ages LASIK / PRK Consultation And Surgery

Repair Of Retinal Tear, Treatment Of
Diabetic Retinopathy And Glaucoma With Laser

Cataract And Glaucoma Surgery
With The Newest Techniques
Eyelid Surgery And Botox Injections

FREE CONSULTATION FOR LASIK SURGERY



JOSEPH KERENDIAN, M.D.
American Board of Ophthalmology (ABO)
Graduate of USC school of medicine

NORTHRIDGE (818) 832-5551
BEVERLY HILLS (310) 360-0152

اکثر بیمه های درمانی پذیرفته می شود

مراقب بینایی خود باشید

دکتر ژوزف کرندیان جراح و متخصص چشم

معاینات کامل چشم در تمام سنین

رحایی از عینک و کانتکت لنز با لیزر (LASIK / PRK)

پارکهای شبکیه و اختلالات چشم در بیماری قند و آب سیاه توسط لیزر

جراحی آب سیاه و آب مروارید با متد های جدید

جراحی زیبایی پلک و BOTOX

شوفار

نشریه فرهنگی-تربیتی جوانان ایران

شماره ۱۶۵

۱۷

شادروان "دکتر عزیزه برال"



که در آن زندگی می کرد مؤثر واقع شود. فدراسیون یهودیان ایرانی افتخار دارد که توانست موافقت ایشان و خانواده عزیزشان را کسب کند و مجلس بزرگداشتی در ماه می سال ۲۰۰۹ توسط کمیته بانوان فدراسیون برای دکتر عزیزه برال برگزار شد. فدراسیون یهودیان ایرانی درگذشت خانم دکتر عزیزه برال را به فرزندان و نوه های آن روانشاد بخصوص همسر گرامی ایشان آقای ناصر برال صمیمانه تسلیت می گوید.

خانواده وجود دارد، بلکه در میان عموم جامعه نیز تحت فشارها و سخت گیری های بیشتری قرار می گرفته است. با توجه به این موانع باید اعتراف کرد که اگر یک بانوی یهودی ایرانی توانسته در صد سال اخیر این زنجیرها را پاره کند و در حین احترام به جامعه خود با پیروی از فرهنگ و مذهب آن، از قالب نقش معمول یک زن بیرون بیاید و به موقعیت های تحصیلی، اجتماعی و شغلی در سطح بین المللی دست یابد، وجود شخصیت پر عظمت او قابل تحسین و ستایش همگان است. خانم دکتر عزیزه برال یکی از پیشتازان و نادر بانوانی بود که نه تنها قالب ها را شکست، بلکه در راه پیشرفت و بهتر کردن جامعه خود آن ها را به صورتی تغییر داد که راه را برای آیندگان هموار کرد. خانم دکتر عزیزه برال با قلبی مملو از عشق به هم نوع و جامعه خود با اراده ای قوی و نیرویی تابان توانست نه تنها در جامعه یهودی ایران بلکه در سطح کشور به نیازمندان یاری دهد و در پیشرفت دنیایی

در ماه فوریه جامعه ایرانی یکی از شیر زنان و خدمتگزاران صادق جامعه خود را از دست داد. خانم دکتر عزیزه برال، اولین زن یهودی ایرانی که درجه دکترای خود را از دانشکده داروسازی دانشگاه تهران دریافت کرد و یکی از مؤسسين گروه بانوان "هاتف" در ایران، پس از سال ها خدمت اجتماعی بسیار مؤثر، چشم از جهان فرو بست.

متعلق بودن به یک جامعه اقلیت، در هر کشوری با دشواری و پستی و بلندی های بسیار همراه است. افراد اقلیت های مذهبی و یا فرهنگی در طول تاریخ و در کشور های مختلف شرق و غرب برای بقای زندگی خود و پیشرفت جامعه شان با مشکلات بسیار دست و پنجه نرم کرده اند. متأسفانه این مشکلات و دشواری ها برای زنان این جوامع رنگی تیره تر داشته و آنها با سختی های بیشتر مواجه بوده اند. چون نه تنها مادر و یا دختر یک خانواده در طی زندگی شاهد و مسئول تصمیمات و موقعیت های خطیر است که در



بهاری عاشقانه

از: ثریا پاستور "نصرتی فر"

در باغ دلم، بهار لانه کرده
صد غنچه ی ناز، خانه کرده
از عشق تو بوده نازنینم
در من، گل عشق جوانه کرده

ندیدی در شکوفه، راز هستی؟
ندیدی لاله ی سرمست مستی؟
بپرس از بلبل دیوانه ی عشق
چرا تنها بر گل ها نشستی؟

چه نشسته ای اینچنین ساکت و خموش
که دختر بهار، با ترانه و ساز می آید
با دامنی پر از گل صد نقش و رنگ
بهار زیبایمان، با عشوه و ناز می آید

ای عشق بیا ترانه سر کن
یک نغمه جاودانه سر کن
در فصل بهار و شادمانی
صد خرمن گل ز نو بنا کن

با لنگه کفشی دریده تار و پود
در جستجوی "سیندرلای" ملوسک خود بود،
و عروسی
در ردای گلدوز لخته های سرخگون
داماد را میهمان کرده بود
به حجله گاه خون و جنون،
وقتی که خضر

میان آتش دوزخ
در دهشتِ مرکزیِ معرکه می مرد،
من،
در امن خانه خویش
سرشارِ رامش و آسایش
مهمان بزم سرخ شعله و رقص ارغوانی سایه
لم داده بودم
به نرمای تکیه گاه متکا
با فنجان داغ قهوه مهیا
و کتاب دلخواه
بر سر زانو...
و ملودی گیتار فلامینگو
مکعب دنجِ اطاق را تسخیر کرده بود.

[و من اما
در سرزمین بیگانه همواره خوانده بودم
عتیق ترین ترانه ی دل خود را:
"اگر تو را ای اورشلیم فراموش کنم
آنگاه دست راست من فراموش شود."]

آه
خواهشِ خواستن
بی جنبش برخاستن...
کدامین کفاره آیا
جبرانِ راستینِ گناه بی خبری است؟
کدام تاوان
در ترازوی عدل الهی
همسنگِ شرم کوردلانه نظاره گری است؟

آه
"دیزنگف" داغدار،
تابوتِ میعاد شور و نشاط و هیاهو،
دیدن را
فراموش کند نی چشم
گر خون نیالدم به گونه ی تبار
از درد داغمرگِ رهگذرانِ تو این بار.

یکی نبود، یکی بود...

نوشته: جهانگیر صداقت فر (مارچ ۱۹۹۶)
برگرفته از کتاب: "آزمون برگزیدگی"

وز نعره ی باروت
ترکید بغض زهره ی انبوه کودکان
و شکست شیشه ی خورشید
و زمین بر خود لرزید
و جوش زد از شکاف سنگ
فواره های شقایق

در شوم گهانِ دقایق،
آن جا
در کنیسه ی پس کوچه های تنگ
دور، در فراسوی کوه و دره و دریا
پیران

- بازماندگان قوم همیشه غریب مهاجر -
در کورسوی چراغکی
لغاتِ "مقیلا" را
به عادت سنتِ سنوآت

مزه مزه می کردند
بی اعتراض عصیانکی ز تکرار مکافات
[زیرا:
"خداوند اورشلیم را بنا می کند،
و پراکنندگان اسرائیل را جمع می نماید."
و... با هیچ امتی چنین نکرده است،
و داوری های او را ندانسته اند هلاویاه.]"

وقتی سرود جشنواره ی شهر
بیخ زد به ناگهان
ز شیون رهگذران خیابان "دیزنگف"
و ضجه های زخمدرد و خوف و عذاب
گم شد

در هذیان زوزه ی آژیر
و تندر فریادهای خشم و شتاب،
وقتی که مادری
در کورمال وحشت و بهت

حمله انتحاری مغز شسته ای، در روز جشن
"پوریم" در خیابان "دیزنگف" فاجعه ای دیگر آفرید.
در این روز، به رسم معمول کودکان معصوم به
لباس ها و صورتک های زمان استر و مردخای
آراسته و سرگرم بازی و تفریح بودند و ...
و سرور رهایی از توطئه "هامان"، به عزائی
دیگر مبدل شد.

پیشکش به همه تان،
نابهنگام رفتگان، و دلشکسته بازماندگان.

وقتی که قلب "دیزنگف"
آوار خون شد از نفیر انفجار
ناز دخترکان تپه های بهار
در آرایش استر -

شاه بانوی فداکار -
دلبرانه نقل قهقهه می فروختند
به بهای کلوچه قندی.
و پسر بچگان تخس، زیرکانه
پنهان به پشت نقاب های رنگ رنگ
قهرمانان کوچک درام سترگ تاریخ می شدند:
مردخای فاضل،
خشایارشای عادل،
هامان کژ آهنگ

[آن زمان،
شنیده بود گویا
آوای تلخ التماس قوم یتیم خویش را،
آدنای،

خداوند خالق ما
و خالق اجداد ما]
وقتی ز انفجار قلب "دیزنگف"
خون آجین شد آغوش خیابان

نقش تغذیه در ایجاد و پیشگیری و درمان بیماری دیابت

از: رویا رهبرپولدار (متخصص تغذیه)

چندین دفعه در عرض روز اندازه بگیرند. اندازه گرفتن قند خون نه تنها به پزشکان در کنترل قند خون مریض کمک می کند، بلکه خود بیمار هم می تواند کم کم بفهمد که چه غذاهایی قند خون او را به شدت بالا می برد و در نتیجه از مصرف این غذاها خودداری کند. برای تغذیه درست همه افراد، چه کسانی که دیابت دارند و چه افراد سالم می توانند از اطلاعاتی که در هرم راهنمای غذایی که به وسیله انجمن کشاورزی آمریکا (USDA) تهیه شده استفاده بکنند.

در هرم راهنمای غذایی تمام مواد غذایی به هفت گروه مختلف تقسیم شده اند:

گروه (۱) - نشاسته و قندی که شامل برنج، نان، پاستا، سیب زمینی و سریش است.

گروه (۲) - سبزیجات شامل گوجه فرنگی، هویج، کاهو و غیره

گروه (۳) - میوه ها شامل موز، سیب، پرتقال و غیره

گروه (۴) - شیری شامل شیر و ماست

گروه (۵) - پروتئین ها شامل گوشت قرمز، مرغ، بوقلمون، تخم مرغ و پنیر

گروه (۶) - چربی ها شامل روغن و کره

گروه (۷) - مواد شیرینی شامل شیرینی ها و شکلات

هرم اطلاعات زیادی را در دسترس همگان قرار می دهد و در طول این مقاله چندین دفعه به این نمودار اشاره خواهد شد.

غذاها حاوی مواد قندی و نشاسته ای یا کربوهیدرات، پروتئین، چربی، ویتامین ها و مواد معدنی و آب هستند. از همه این مواد، مواد نشاسته ای اثر بیشتری و چربی ها و پروتئین اثر کمتری روی قند خون دارند. تغذیه درست به این معنی است که یک تعادل از مواد نشاسته ای، پروتئینی و چربی در رژیم غذایی وجود داشته باشد.

یک راه بسیار ساده و آسان برای تغذیه درست استفاده از فرمول "پرکردن بشقاب سالم" است. برای تغذیه درست نصف بشقاب خود را با سبزیجات، ۱/۴ با مواد نشاسته ای و قندی، میوه و شیر و ۱/۴ با مواد پروتئینی و چربی های خوب مثل روغن زیتون پر کنید.

به افرادی که دیابت دارند توصیه می شود که وعده های غذا را از برنامه غذایی خود حذف نکنند. حذف یک وعده غذا ممکن است

در مرحله سوم بیماری ترکیبی از انواع مختلف داروها برای کنترل قند خون استفاده می شود. زیرا فقط یک نوع دوی ضد قند خون نمی تواند قند خون مریض را در حد طبیعی زیر کنترل نگه دارد.

در مرحله چهارم بیماری از تزریق انسولین و داروهای ضد قند خون برای کنترل آن استفاده می شود، و در مرحله پنجم بیماری تعداد دفعات تزریق انسولین و استفاده از داروهای ضد قند خون افزایش داده می شود. نکته قابل توجه این است که در تمام مراحل بیماری دیابت تغذیه درست و ورزش از اهمیت زیادی برخوردار است.

البته تغذیه درست برای همه افراد چه کسانی که به بیماری دیابت دچار هستند و چه افراد سالم اهمیت دارد. ولی افرادی که دیابت دارند باید توجه بیشتری به این دو مسئله داشته باشند.

بسیاری از اشخاص وقتی به بیماری دیابت دچار می شوند فکر می کنند که دیگر نمی توانند غذاهای مورد علاقه خود را بخورند. این حرف اصلاً درست نیست، بلکه مهم این است که شخص درست غذا خوردن را یاد بگیرد. یک برنامه ریزی رژیم غذایی درست برای افرادی که به بیماری دیابت دچار هستند از اهمیت زیادی برخوردار است. آنها باید یاد بگیرند چگونه غذاهای مختلف (نوع و مقدار غذا) بروی قند خون شخص اثر می گذارد. برای درست غذا خوردن نوع و مقدار غذا و همین طور زمان خوردن بسیار مهم است.

پزشکان و متخصصین تغذیه توصیه می کنند که بیماران دیابت قند خون خود را

مرکز کنترل بیماری های آمریکا (CDC) اخیراً گزارش داده است که در آمریکا ۲۵ میلیون نفر مبتلا به بیماری دیابت هستند. آنچه باعث نگرانی بیشتر است این است که تعداد ۵۷ میلیون نفر در آمریکا در مرحله "پیش از دیابت" می باشند. علائم این مرحله عبارتند از چاقی، بالا بودن فشار خون، بالا بودن چربی های خون و کلسترول و تریگلیسرید و مقاومت انسولین که سرانجام منجر به دیابت کامل می شوند.

تقریباً ۹۰ درصد بیماران دیابتی دارای دیابت نوع دوم (Type 2) هستند که به علت اضافه وزن بدن و زندگی بدون تحرک و ورزش می باشد. روش زندگی غیرسالم معمولاً از سن ۱۰ سالگی در این افراد شروع می شود و در حقیقت از این سن باید مواظب سلامتی فرزندان خود باشیم.

درمان بیماری دیابت یا مرض قند در افراد مختلف متفاوت است و بستگی به مرحله بیماری دارد. البته مراحل بیماری دیابت در هر شخص و در طول سال هائی که به این بیماری دچار است تغییر می کند.

در مرحله اول سعی می شود که با تغذیه درست و یک برنامه ورزشی متناسب قند خون مریض را در یک حد طبیعی زیر کنترل نگه داشت. با یک برنامه ریزی درست نه تنها قند خون را می توان زیر کنترل گرفت، بلکه می توان باعث کاهش وزن هم شد. در مرحله دوم تغذیه درست و برنامه ورزشی به تنهایی نمی تواند قند خون مریض را در حد طبیعی زیر کنترل بگیرد و پزشکان استفاده از داروهای ضد قند خون را برای بیماران خود تجویز می کنند.

باعث هیپرگلیسمیا یا پائین افتادن قند خون از حد طبیعی شود و در این صورت شخص دچار کمبود انرژی، گرسنگی شدید، تشنگی شدید، گیجی و عرق کردن می شود. سعی کنید که همیشه در یک ساعت معین روز غذا بخورید و طی روز بین ۶ تا ۸ لیوان آب بنوشید.

سعی کنید نه تنها مقدار غذائی را که در عرض روز می خورید یکسان نگهدارید بلکه مقدار غذا را در طول روزهای مختلف هفته هم یکسان نگه دارید. تعادل را در غذا خوردن رعایت کنید و در هر وعده غذا مواد نشاسته ای، پروتئینی، و مواد چربی خوب مصرف کنید.

به این صورت می توانید قند خون خود را بهتر تحت کنترل نگه دارید. بنابراین برای جلوگیری از نوسانات زیاد در قند خون می توان از شیوه "شمارش مواد نشاسته ای و قندی" استفاده کرد. اگرچه باید نوع غذاها را یکسان نگه داشت این به این معنی نیست که باید همیشه یک غذا مصرف بشود بلکه باید نوع یا گروه مواد غذائی و مقدار غذا را تقریباً یکسان نگه داشت.

متخصصین تغذیه توصیه می کنند که نصف کالری های روز باید از مواد نشاسته ای باشد. تعداد کالری های لازمه برای هر شخص بستگی به قد، وزن، سن، جنسیت و فعالیت بدنی شخص دارد.

یک متخصص تغذیه می تواند به طور دقیق تعداد کالری های لازمه هر شخص را تعیین کند. ولی به طور تقریبی می توان گفت که برای هر یک پوند وزن بدن شخص چاق یا غیرفعال به ۱۰ کالری در عرض روز احتیاج دارد. شخصی که وزن و فعالیتش در حد معمول است بین ۱۳ تا ۱۵ کالری برای هر پوند وزن بدن و شخص ورزشکار و خیلی فعال به ۲۰ کالری برای هر پوند وزن بدن احتیاج دارد.

همان طور که ذکر شد نصف این کالری ها باید از مواد نشاسته ای تعیین شود، بنابراین $900 = 1800/2$ کالری و چون هر گرم نشاسته ۴ کالری دارد این شخص به $225 = 900/4$ گرم نشاسته در عرض روز احتیاج دارد.

همان طور که در هرم راهنمای غذائی ذکر شده مصرف یک واحد نشاسته ای، یک

واحد گروه میوه ها و یک واحد شیرینیجات همگی حاوی ۱۵ گرم کربوهیدرات، یک واحد گروه شیری حاوی ۱۲ گرم و یک واحد از گروه سبزیجات ۵ گرم کربوهیدرات دارد. گروه چربی ها و پروتئین کربوهیدرات ندارد. به طور متوسط خانم ها می توانند بین ۳ تا ۴ واحد نشاسته ای و آقایان بین ۵ تا ۵ واحد نشاسته ای در هر وعده غذا مصرف کنند. هر واحد نشاسته ای ۱۵ گرم کربوهیدرات دارد در نتیجه خانم ها ۴۵ تا ۶۰ گرم و آقایان ۶۰ تا ۷۵ گرم کربوهیدرات در هر وعده غذا باید مصرف بکنند.

با خواندن برچسب "حقایق تغذیه ای" (که روی تمام مواد خوراکی موجود هستند) می توان به راحتی مقدار کربوهیدرات را در غذاها حساب کرد. در آمریکا کتاب های بیشمار در مورد "فهرست برابری غذاها" نوشته شده



است. این لیست شامل نشاسته ها و مواد پروتئینی، چربی ها، سبزیجات، میوجات و گروه شیر می باشد. برای هر ماده غذائی در این گروه ها مقدار غذائی که مساوی یک واحد نشاسته ای است ذکر شده. به عنوان مثال ۱/۳ لیوان برنج یا ۲/۴ لیوان سریال یک قطعه نان تست، یک سیب زمینی کوچک همگی یک واحد نشاسته ای حساب می شوند و ۱۵ گرم نشاسته دارند.

نقش ورزش در بیماری دیابت

ورزش و تغذیه درست در درمان بیماری دیابت نقش بسیار مهمی را بازی می کنند.

یک برنامه مرتب ورزشی می تواند نه تنها در کاهش وزن کمک بکند بلکه در کنترل قند خون هم بسیار موثر است. نکته ای که در درجه اول باید ذکر شود این است که قبل از شروع هرگونه برنامه ورزشی باید حتماً پزشک خود صحبت کنید و ایشان آمادگی شما را برای هرگونه فعالیت بدنی تصویب کند.

توصیه می شود که افرادی که دیابت دارند ۳ تا ۵ دفعه در عرض هفته به مدت ۳۰ دقیقه ورزش کنند. پیاده روی، دوچرخه سواری یا شنا از ورزش هایی هستند که این اشخاص می توانند در آن شرکت کنند. قبل از شروع ورزش حتماً نرمش بکنند. آهسته و با دقایق کم برنامه ورزشی خود را شروع کرده و شدت و زمان فعالیت خود را کم کم اضافه کنید. قبل از شروع به ورزش قند خون خود را اندازه بگیرید. اگر بیشتر از ۳۰۰ mg/dL بود از ورزش خودداری کنید و اگر پائین تر از ۱۰۰ mg/dL بود قبل از شروع به ورزش یک خوراکی کوچک که ماده نشاسته ای و پروتئینی داشته باشد بخورید. همیشه نیم ساعت بعد از غذا خوردن ورزش کنید و بعد از ورزش نیز قند خون خود را اندازه بگیرید. هنگام ورزش همیشه از کفش و جوراب تمیز استفاده کنید و اگر بعد از ورزش کردن متوجه کوچک ترین التهاب، قرمزی و یا زخمی در ناحیه پا و انگشتان پا شدید با دکتر خود تماس بگیرید.

مشروبات الکلی و دیابت

متخصصین تغذیه برای اشخاصی که به بیماری دیابت دچار هستند، خانم ها یک واحد الکل و آقایان دو واحد الکل در عرض روز توصیه می کنند.

همینطور توصیه می شود که با معده خالی هیچ وقت مشروب مصرف نشود و اگر مشروب خود را با شربت، آب میوه و یا سوداهای معمولی مخلوط می کنید باید تعداد واحد های نشاسته آن ها را هم در نظر داشته باشید. اگر مشروب می خورید قند خون خود را بیشتر از همیشه اندازه بگیرید و به اینکه نوشابه های الکلی چگونه روی بدن شما تأثیر می گذارند توجه کنید.

سرخ بود مسدود نمود تا مانع از عبور کشتی های حامل نفت و آذوقه به بندر ایلات شوند به این طریق راه حیاتی اسرائیل را ببندد.

دولت اسرائیل وزیر امور خارجه، آقای ابابین را به چند کشور منجمله فرانسه فرستاد تا شاید مصر را قانع کنند تا از راه مسالمت آمیز تنگه تیران را بگشاید. در ملاقات ابابین با جنرال دوگل رئیس جمهور فرانسه، دوگل تاکید نمود که اسرائیل نباید متوسل به اقدام نظامی شود. ولی عبدالناصر روز بروز بحران را شدید تر نمود و اسرائیل ناچار شد در ماه جون ۱۹۶۷ بار دیگر صحرای سینا را بتصرف درآورد و تنگه تیران را بگشاید. دوگل که از سرپیچی اسرائیل به پیشنهادش بسیار ناراحت شده بود دستور داد که ارسال تسلیحات جنگی به اسرائیل متوقف شود و در نتیجه روابط دو کشور به پائین ترین نقطه رسیدند.

میتوان گفت که دوران روابط اسرائیل و آمریکا از آن موقع رو به بهبود نهادند. این روابط که در دوران آیزنهاور، بواسطه تهدید به اقدام نظامی بر علیه اسرائیل در پائین ترین نقطه بودند، در دوران پرزیدنت جرج بوش در سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۸ به اوج رسیدند بحدی که میتوان آنرا دوران ماه عسل بین دو کشور نامید. این روابط خالی از فراز و نشیب نبودند و بحران های فراوانی گاه گاه آسمان را تیره میکردند ولی بطور کلی مسیر روابط روز بروز رو به بهبودی بودند.

در دوران پرزیدنت جیمی کارتر قرارداد صلح بین اسرائیل و مصر امضا شد و در دوران پرزیدنت بیل کلینتون قرارداد صلح بین اسرائیل و اردن بامضا رسید. ولی مسئله فلسطینیان همواره در رأس مشکلات خاور میانه و روابط اسرائیل و اعراب قرار داشته و دارد. رؤسای جمهور آمریکا برای نگهداری از منافع کشور خود در کشور های عرب و اسرائیل، اکثرا سیاست بیطرفی و میانجی گری را انجام میدادند. گاهی اسرائیل را تحت فشار قرار میدادند و گاهی فلسطینیان را. با روی کار آمدن پرزیدنت بوش روابط بسیار نزدیکی بین او و اریئل شارون نخست وزیر اسرائیل برقرار شد و او به اسرائیل آزادی عمل کامل در مقابله با فلسطینیان داد.

پایان ماه عسل امریکا و اسرائیل؟؟

از: مهرداد لوی صدق



نگاهی به گذشته:

دهکده های اسرائیلی صدمه های جانی و مالی میزدند و هدف فرانسه و انگلستان خنثی نمودن اقدام عبدالناصر در ملی کردن کانال سوئز بود. طبق توافق بین ۳ کشور، اسرائیل به مصر حمله نمود و صحرای سینا را بتصرف درآورد و فرانسه و انگلستان به این بهانه که وجود نیرو های اسرائیلی عبور کشتی ها را در کانال بخطر میاندازد چتر باز های خود را در طول کانال و شهر های اطراف مستقر نمودند.

دولت آمریکا تا آن زمان رابطه خاصی با اسرائیل نداشت و در آن موقع رئیس جمهور امریکا جنرال آیزنهاور به اسرائیل اخطار داد که صحرای سینا را تخلیه کند و گر نه آمریکا وارد صحنه خواهد شد و اسرائیل ناچار به عقب نشینی شد.

روابط بسیار گرم اسرائیل و فرانسه تا سال ۱۹۶۷ ادامه داشتند. در آن سال جمال عبدالناصر نیرو های سازمان ملل را که در مرز بین دو کشور گماشته شده بودند اخراج نمود و تنگه تیران را که دروازه ورود به دریای

در سال ۱۹۴۸ دو کشور روسیه و امریکا اولین کشور هائی بودند که اسرائیل را برسمیت شناختند با وجود اینکه وزیران خارجه و دفاع امریکا بسختی مخالفت آن بودند که امریکا اسرائیل را برسمیت بشناسد. ولی پرزیدنت ترومن در دقیقه آخر به سفیر امریکا در سازمان ملل دستور داد که امریکا رای مثبت بدهد.

بابرپائی کشور اسرائیل روسیه شوروی اولین کشوری بود که از اسرائیل حمایت نمود ولی پس از مدت کوتاهی فرانسه جایگزین روسیه شد و روابط بسیار نزدیکی با اسرائیل برقرار نمود. این روابط بحدی رسیده بودند که در سال ۱۹۵۶ پس از اینکه جمال عبدالناصر رئیس جمهور مصر کانال سوئز را ملی نمود، کشور های فرانسه، انگلستان و اسرائیل متحداً به مصر حمله نمودند. هدف اسرائیل در این عمل تارومار نمودن خرابکاران عرب بود که تا آن زمان بطور مدام هر شب از مرز مصر وارد اسرائیل می شدند و به ساکنان

انتخابات اخیر در امریکا

بطور سنتی اکثر یهودیان امریکا به کاندیدا های دموکرات رای میدهند. در هنگام مبارزات انتخاباتی بین خانم کلینتون و آقای اوپاما اکثر یهودیان از خانم کلینتون طرفداری نمودند ولی با پیروزی آقای اوپاما گروه زیادی از آنان از کاندیدای جمهوری خواهان آقای مک کین طرفداری نمودند. آنان سناتور مک کین را ادامه دهنده سیاست پرزیدنت بوش می پنداشتند در حالیکه سیاست اوپاما برای آنان یک معما بود و امکان داشت که به عنوان یک مسلمان زاده از فلسطینیان طرفداری کند. مشاوران اوپاما از این موضوع بسیار نگران بودند، چون یهودیان، بیشتر از هر اقلیت دیگر در امریکا در انتخابات شرکت میکنند (۹۲٪ در مقابل ۵۴٪ در جامعه) و بیشتر از هر اقلیت دیگر به کاندیدای خود کمک مالی میدهند. به این دلیل اوپاما در سخنرانی خود در گرد همائی ایپک که پر قدرت ترین گروه حامی اسرائیل است کوشش زیادی نمود که این نگرانی را برطرف کند.

در دوران انتخابات، سیاستمداران اسرائیل طبق معمول از هر گونه اظهار نظری در باره کاندیدا ها خودداری نمودند ولی اکثریت مردم اسرائیل طرفدار سناتور مک کین بودند. نشریه فوروارد یکی از مهمترین نشریات یهودیان امریکا آماری را منتشر نمود که طبق آن ۶۷٪ از فرانسوی ها و ۶۵٪ از آلمانی ها طرفدار اوپاما هستند در حالیکه میزان طرفداری از او در اسرائیل به ۲۷٪ میرسد که اکثرا از چپ گرایان هستند. بگفته این نشریه برای اسرائیلی ها مهمترین موضوع این بود که سیاست کدام کاندیدا در گفتگوها با فلسطینیان نزدیک تر به مواضع اسرائیل بود.

اوپاما برای آشنائی با سران جهان و جلب حمایت آنها به چندین کشور سفر نمود و مورد استقبال قرار گرفت. مایکل کالینز پایپر یکی از نویسندگان معروف امریکا در مقاله ای انتقادی در ماه اوگوست ۲۰۰۸ از وسائل ارتباط جمعی امریکا سوال میکند چرا شما فقط از استقبال گرم از اوپاما در سفر های او خبر میدید ولی از اینکه در اسرائیل که نزدیک ترین دوست امریکا محسوب میشود

و اکثریت مردم از مک کین طرفداری میکنند هیچ گزارشی نمیدیدید.

با نزدیک شدن موعد انتخابات گروهی از یهودیان آگهی هائی در روزنامه ها به طرفداری از اوپاما منتشر نمودند به این دلیل که برنامه های او برای بهبود وضع اقتصادی، بیمه بهداشتی و بیرون آوردن نظامیان از عراق بهتر از برنامه های مک کین هستند و روز بروز یهودیان بیشتری به جبهه اوپاما پیوستند تا اینکه در روز انتخابات ۷۷٪ از یهودیان به او رای دادند.

روابط امریکا و اسرائیل در یک سال اخیر:

یکی از پایه های سیاست اوپاما بهبود روابط امریکا با کشور های اسلامی بود. او در سخنرانی خود در قاهره سوره هائی از قرآن را ذکر نمود و حاضران را به هیجان در آورد. در اسرائیل قسمتی از سخنان او مورد استقبال قرار نگرفتند ولی از طرف دیگر تاکید او در مبارزه با فئاتیک های اسلامی را بسیار مثبت دیدند. آنان امید زیادی هم به موفقیت سناتور میچل نماینده مخصوص پرزیدنت اوپاما در گفتگو های صلح در خاور میانه نداشتند. فشار های امریکا برای توقف کامل ساختمان سازی در شهرک های اسرائیلی به نتیجه نرسیدند و حتی پس از اینکه اوپاما تهدید نمود که اگر در عرض ۶ روز شهرک های غیر قانونی تخلیه نشوند فشار های اقتصادی بر روی اسرائیل وارد خواهد آورد نتنهاو نخست وزیر اسرائیل حاضر به قبول تمام درخواست ها نشد و امریکا دیگر در این باره پافشاری نکرد. باید متذکر شد که اگر نتنهاو حاضر به گذشت های بیشتری میشد احزاب مذهبی و دست راستی ها دولت ائتلافی او را میانداختند و علت دیگر این است که نتنهاو فاقد قدرت کافی برای تخلیه مناطق فلسطینی و برپائی دو کشور است. موضوعی که اگر عملی نشود اسرائیل باید به بیش از دو میلیون عرب تابعیت اسرائیلی بدهد و در نتیجه در طول مدت کوتاهی اعراب اکثریت جمعیت کشور را تشکیل خواهند داد.

از نظر اسرائیلیان با روی کار آمدن اوپاما برای اولین مرتبه در ۵۰ سال اخیر اسرائیل با دولتی بسیار "سرد" و فاقد سانتیمت روبرو است. با این حال در داخل

اسرائیل قسمت بزرگی از مردم با سیاست های نتنهاو موافق نیستند. روزنامه "یدیعوت احرونوت" آماری منتشر نمود که در آن به سوال ها چنین جواب داده شده بود:

- آیا نتنهاو باید به درخواست های اوپاما پاسخ مثبت بدهد؟ ۵۶٪ جواب مثبت دادند و ۴۰٪ جواب منفی.

- آیا اسرائیل باید برپائی کشور فلسطین را بپذیرد؟ ۵۵٪ مثبت ۴۱٪ منفی.

- آیا سیاست اوپاما به نفع اسرائیل است؟ ۲۶٪ مثبت ۵۳٪ منفی.

- آیا شما از کاربرد نتنهاو در بحران امریکا و اسرائیل راضی هستید؟ ۲۴٪ مثبت ۴۷٪ منفی.

- چه کسی در ایجاد بحران بین دو کشور مقصر است؟ ۱۶٪ نتنهاو ۲۸٪ اوپاما و ۵۰٪ هر دو.

- آیا میبایست ساختمان سازی در شهرک های اسرائیلی را متوقف نمود؟ ۵۲٪ مثبت ۴۳٪ منفی.

- آیا باید شهرک هائی را که بطور غیر قانونی ساخته شده اند تخلیه نمود؟ ۷۰٪ مثبت ۲۵٪ منفی.

- آیا نتنهاو حاضر به برپائی کشور فلسطین خواهد شد؟ ۴۴٪ مثبت ۵۰٪ منفی

- آیا امنیت اسرائیل برای اوپاما مهمتر است یا حمایت از برپائی کشور فلسطین؟ فقط ۲۲٪ عقیده دارند که امنیت اسرائیل برای او مهم است و ۵۱٪ او را حامی فلسطینیان میبینند.

آماری که در ماه دسامبر اخیر منتشر شد نشان میدهد که طرفداری از اوپاما در بین مردم افزایش یافته در حالیکه مقامات دولتی نسبت به سیاست او مظنون هستند و به طور کلی طرفداری از او بسیار کم تر از خانم و آقای کلینتون است:

۴۲٪ او را طرفدار اسرائیل میدانند و ۵۵٪ عقیده دارند که او طرفدار اسرائیل نیست در حالیکه ۸۸٪ پرزیدنت بوش را طرفدار اسرائیل تلقی میکنند،

۵۰٪ او را ضعیف در مبارزه با تروریسم میبینند، و ۴۳٪ او را ساده لوح در مسائل بین المللی میبینند این آمار و آمار های مشابه نشان میدهند

که با وجود اینکه بسیاری از اسرائیلی ها اوپاما را دوست اسرائیل نمیبینند ولی برای این که اسرائیل تبدیل به یک کشور، با اکثریت عربی نشود با برخی از برنامه های پرزیدنت اوپاما موافق هستند.

LAW OFFICES OF
SHAHROKH MOKHTARZADEH

Serving the Iranian/American community since 1990

BUSINESS, REAL ESTATE, FAMILY LAW, LITIGATION

دفاتر حقوقی

دکتر شاهرخ مختارزاده

متخصص در

قراردادهای تجاری، املاک، امور خانواده، دعاوی قضایی

310.472.7800

**815 Moraga Drive,
Los Angeles, CA 90049**

FAX: 310.472.9977

E-MAIL: shahrokh@att.net

یاد بگیریم با هم زندگی کنیم

از: آرش آبائی

مدرس و محقق دین یهود

דו ויברא אלהים | אתהאדם בצלמו בצלם אלהים ברא אתו

« خداوند انسان را به شکل معنوی خود آفرید » (تورات، سفر پیدایش، فصل ۱، آیه ۲۷)

نوشته زیر متن سخنرانی مهندس آرش آبائی، در پنجمین نشست سالیانه هفته جهانی گفت و گوی ادیان در مؤسسه گفت و گوی ادیان در ایران در سپتامبر ۲۰۰۸ است.

این آیه تورات، بر الهی بودن ذات همه انسانها بدون هیچ تفاوتی اشاره دارد، ضمن آن که آفرینش همه را از یک تن واحد به نام «آدم اول» اعلام می دارد تا دلیلی برای برتری طلبی ذاتی انسانی بر دیگری موجود نباشد.

همزیستی جوامع مختلف قومی، نژادی و دینی از مهم ترین موضوع های مورد بحث جوامع بشری بوده است و البته همواره موانعی بر سر راه آن قرار داشته اند. «بی عدالتی» بزرگترین این موانع و «تبعیض دینی» جزئی از آن بوده است. ریشه های عمده تبعیض دینی عبارتند از:

۱- باور متعصبانه به حقانیت مطلق اعتقادات دینی و مذهبی خود، و به طور متقابل باور به ابطال سایر عقاید و ادیان،

۲- اعلام و اقدام برای طرد، هدایت و یا حداقل نادیده گرفتن معتقدان به دیگر ادیان یا فرق مذهبی،

۳- سوء استفاده سیاستمداران و استعمارگران از اختلاف میان ادیان و مذاهب.

گفتگوی بین دینی و تاکید بر مشترکات ادیان معمولاً از برجسته ترین راهکارهای پیشنهادی برای نزدیک کردن پیروان عقاید مختلف دینی به یکدیگر بوده است. اما آنچه که در این مسیر قابل توجه است، ماهیت این «مشترکات دینی»

اولاً به غیر از فرمان چهارم مبنی بر لزوم تقدس شنبه که خاص یهودیان است، ۹ فرمان دیگر عام بوده و نشان از دینی خاص ندارد. دوم آن که تنها ۴ فرمان اول آن (شامل روز شنبه) به رابطه انسان و خدا (بخش عبادی) اختصاص دارد و ۶ فرمان (یا به عبارتی ۶۰٪ فرمانها) به روابط دنیوی و اجتماعی اشاره دارد.

در متن تورات نیز بخش قابل توجهی از احکام بر نحوه رفتار با همنوعان (بدون ذکر دین یا اعتقادات آنها)، مجازات مجرمین، قوانین مربوط به خسارات و تجاوزات به حقوق مدنی، چگونگی کمک آبرومندان به فقرا و حتی اقدامات پیشگیرانه برای جلوگیری از وارد آمدن آسیب به دیگران ذکر شده است که مهمترین آنها، قانون طلایی است که در سفر لایوان (فصل ۱۹ آیه ۱۸) ذکر شده است: «همنوعت را مانند خود دوست مدار». نمونه هایی از این احکام در ادامه ذکر شده است:

عدل و انصاف (سفر شמות فصل ۲۳)

- خبر دروغ را منتشر نکن و با دادن شهادت دروغ با خطاکار همکاری منما.

- دنباله رو جماعت در انجام کار بد مشو. وقتی در دادگاه در مقام شهادت ایستاده ای تحت تاثیر نظر اکثریت، عدالت را پایمال نکن و از کسی صرفاً بخاطر اینکه فقیر است طرفداری منما.

- اگر به گاو یا الاغ گمشده دشمن خود برخوردی، آن را پیش صاحبش برگردان. اگر الاغ دشمنت را دیدی که در زیر بار افتاده است، بی اعتنا از کنارش رد نشو، بلکه به او کمک کن تا الاغ خود را از زمین بلند کند.

- در دادگاه، حق شخص فقیر را پایمال نکن. تهمت ناروا به کسی نزن و نگذار شخص بی گناه به مرگ محکوم شود. من کسی را که عدالت را زیر پا گذارد بی سزا نخواهم گذاشت. - رشوه نگیر، چون رشوه چشمان بینایان را کور می کند و گفتار عادلانه را به دروغ تبدیل می کند.

- به اشخاص غریب ظلم نکن، چون خود تو در مصر غریب بودی و از حال غریبان آگاهی.

(سفر لایوان فصل ۱۹)

است که عموماً از جنس «عبادی و اعتقادی» هستند، مانند ایمان به آفریدگار واحد، وحی و نبوت، نجات و رستگاری، رستاخیز و جهان پس از مرگ.

علیرغم قوت این نقاط اشتراک، ظاهراً بخشی مهم از مشترکات ادیان کمرنگ مانده و آن، ابعاد انسانی و اجتماعی و به تعبیری، «دنیوی» آنهاست. و همین بخش مربوط به رفتار دنیوی است که بیشترین تاثیر را در همزیستی گونه های متنوع اجتماعی دربر دارد.

اساس احکام دین یهود را «ده فرمان» معروف تورات تشکیل می دهد:

ده فرمان (سفر خروج فصل ۲۰)

۱. من خداوند، خدای تو هستم، همان خدایی که تو را از اسارت و بندگی مصر آزاد کرد.

۲. تو را خدایان دیگر غیر از من نباشد.

۳. از نام من که خداوند، خدای تو هستم سوء استفاده نکن. نام مرا بی احترامی به زبان مبریا به آن قسم دروغ مخور.

۴. روز شنبه را به یاد داشته باش و آن را مقدس مدار.

۵. پدر و مادرت را احترام نما.

۶. قتل نکن.

۷. زنا نکن.

۸. دزدی نکن.

۹. دروغ نگو.

۱۰. چشم طمع به مال و ناموس دیگران نداشته باش.

توجه به ۱۰ بند فوق نشان می دهد که

مستندترین و اسفبارترین آنهاست-، شاهد نمونه های متعدد همزیستی جوامع اقلیت یهودی با پیروان دیگر ادیان هستیم. حضور یهودیان در ایران از حدود ۲۵۰۰ سال پیش (و به تعبیری ۲۷۰۰ سال پیش و قبل از تشکیل ایران و در زمان حضور دو قوم ماد و پارس- به استناد عهد عتیق، کتاب پادشاهان ۲، فصل ۱۷) نشان از امکان این همزیستی طولانی مدت و تاریخی با ایرانیانی دارد که تغییر دین اکثریت نیز نتوانست مانعی بر کلیت حضور این اقلیت دینی در نقاط مختلف ایران شود.

به گواه تاریخ، یهودیان در حدود ۱۵۰۰ سال پیش در دوران ساسانیان در منطقه بابل (ایران باستان) صاحب دو دانشگاه الهیات یهودی به نامهای «سورا» و «بومبدیتا» بودند که با ظهور اسلام در ایران نیز تا مدتها همچنان پابرجا بودند. عنوان «تلمود بابلی» نشانی است بر تدوین آن در ایران آن زمان.

«موسی بن میمون» فقیه و فیلسوف یهودی معروف به هارامیام و موسای دوم یهود در قرن ۱۲ میلادی پزشک و مشاور دو حاکم مسلمان در اسپانیا و مصر بود و نیز «حسدای بن شپروت» یهودی پزشک و مشاور ویژه حاکم مسلمان اسپانیا در قرن ۱۱ میلادی بود.

در جلد دوم «شولحان عاروخ» که شرح آن پیش از این رفت در یکی از احکام مربوط به ذبح شرعی به بلا مانع بودن ذبح چهار پا به سمت «القبله» اشاره شده است، و در توضیح آن چنین آمده است که در زمان تدوین آن حکم (حدود ۵۰۰ ۶۰۰ سال پیش)، در یکی از سرزمین های اسلامی، کشتارگاه یهودیان و مسلمانان مشترک بوده و گاه یهودیان برای مسلمانان نیز ذبح شرعی انجام می داده اند و یکی از شروط آن، جهت گیری رو به قبله مسلمانان بوده است.

در تاریخ معاصر ایران نیز این نمونه های همزیستی دور از تعصب کم نبوده اند. «سلیمان حییم» یکی از معروفترین چهره های خدمتگزار یهودی این کشور است که تدوین فرهنگ انگلیسی به فارسی (و بالعکس) را بر تدوین فرهنگ عبری به فارسی و فارسی به



او فقیر است و چشم امیدش به آن مزد است . اگر چنین نکنید، ممکن است نزد خداوند از دست شما ناله کند و این برای شما گناه محسوب شود.

xxx

همانند متن مقدس تورات، مجموعه مباحث و احکام فقهی یهود که در تلمود مندرج است نیز شامل بخش های گسترده ای از احکام اجتماعی و انسانی است. در مجموعه ۴ جلدی «شولحان عاروخ» - که چکیده احکام فقهی جاری یهود یا اصطلاحا رساله عملی یهود است-، جلد یکم آن عمدتاً به احکام عبادی و آیینی اختصاص یافته و حدود نیمی از دومین جلد نیز شامل احکام ذبح شرعی است. اما نیم دیگر جلد دوم به روابط اخلاقی و رفتاری میان انسانها اختصاص دارد، جلد سوم کاملاً دربرگیرنده روابط خانوادگی و احکام زن و مرد است و چهارمین جلد نیز به قوانین مدنی و جزائی جامعه پرداخته است. بدین ترتیب مشاهده می شود که در فقه یهود نیز جامعه و رفتار میان انسانها، حجم غالب را به خود اختصاص داده است.

xxx

در تاریخ مذهبی یهود نیز علیرغم وقوع مکرر فجایع انسانی در نقاط مختلف عالم علیه یهودیان که هولوکاست سیستماتیک ترین،

- از ثروتمند ترسی نداشته باشید، بلکه همیشه قضاوتتان منصفانه باشد.

- سخن چینی نکنید و با پخش خبر دروغ باعث نشوید کسی به مرگ محکوم شود.

- از کسی کینه به دل نگیرید، بلکه اختلاف خود را با او حل کنید مبدا باخاطر او مرتکب گناه شوید.

- (آیه ۱۸) از همسایه خود انتقام نگیرید و از وی نفرت نداشته باشید، بلکه او را چون جان خویش دوست بدارید زیرا من خداوند، خدای شما هستم.

مرزهای ملک همسایه (سفر تثنیه فصل ۱۹)
- (آیه ۱۴) هنگامی که وارد سرزمینی شدید که خداوند، خدایتان به شما می دهد، مواظب باشید مرزهای ملک همسایه تان را که از قدیم تعیین شده است به نفع خود تغییر ندهید.

(سفر تثنیه فصل ۲۲) (آیه ۴)

- اگر کسی را دیدید که سعی می کند گاو یا الاغی را که زیر بار خوابیده است روی پاهایش بلند کند، رویتان را برنگردانید، بلکه به کمکش بشتابید.

(سفر تثنیه فصل ۲۴) (آیه ۱۵)

- هرگز به یک کارگر روزمزد فقیر و محتاج ظلم نکنید، چه یهودی باشد و چه غریبی که در شهر شما زندگی می کند. مزدش را هر روز قبل از غروب آفتاب به وی پرداخت کنید، چون

عبری مقدم دانست و خدمت به کل هموطنان ایرانی را بررفع نیاز خاص فرهنگی همکیشان کلیمی خود ارجحیت داد.

xxx

نکاتی که مورد اشاره قرار گرفتند، نشان می دهند که همزیستی میان پیروان ادیان مختلف امری است واقعی و عملی که طی تاریخ به کرات تحقق یافته و البته، همواره مورد تهدید و تزلزل بوده است. همین نکات نیز نشانگر آن هستند که، آموزه های دینی بخصوص بخشهای اجتماعی آنها، ظرفیت لازم را برای ایجاد فضای بدون تنش و تبعیض دربر دارند، هر چند که نقش برخی نکات خاص تبعیض آمیز و اختلاف برانگیز در همین آموزه ها و اصرار متولیان دینی بر برجسته کردن آنها را نمی توان انکار نمود.

در اینجا، نکاتی چند به عنوان راهکارهایی جهت دستیابی به زندگی مطلوب در کنار معتقدان به دیگر ادیان قابل ذکر هستند:

۱- توجه به جنبه های اخلاقی، انسانی و اجتماعی آموزه های دینی به مثابه نتیجه و ادامه احکام عبادی و آیینی هر دین

۲- کمرنگ نمودن نقاط افتراق و اختلاف برانگیز احکام دینی و وقایع تاریخ دینی
۳- توجه به این که گفتگو و فضای مباحث درون دینی نیز همانند فضای بین دینی باید عاری از کینه ها و تعصبات بوده و تكثر دینی و محق بودن سایر عقاید دینی در آموزه های هر دین و باورهای متولیان آن، نهادینه گردد. موسی بن میمون به عنوان تنظیم کننده بزرگ ساختار فقه و ایمان یهودی- چنین می گوید:

«ارزیابی طرح خداوند (در تشکیل ادیان متعدد) فراتر از توان فکری بشر است، زیرا نه راه های فکری او چون ما است، و نه روشها و طریقت های وی. تمام این ادیان که منسوب به (حضرت) عیسی ناصری و (حضرت) محمد (از نسل) اسماعیل هستند، همگی در جهت هموارسازی راه (ظهور) پادشاه ماسیح (منجی موعود جهان) هستند، که در نهایت به عبادت یکسان خداوند توسط تمام جهانیان منجر خواهد شد.»

۴- پیش رو قرار دادن غایت و هدف نهایی ادیان که همان سعادت بشریت است، ضمن آن که مسیر دستیابی به این هدف همانند خود

هدف، مهم و مقدس است. آنچه که همزیستی عقاید مختلف را در کنار هم با مشکل مواجه می سازد، نه فقط نادیده انگاشتن هدف مشترک ادیان، بلکه موجه دانستن هر مسیری برای دستیابی به آن است. در احکام یهودیت این نکته مورد تاکید قرار دارد که «انجام یک صواب دینی، از طریق یک یا چند گناه، غیر ممکن است و موجه نیست». یهودیان در نمازهای سه گانه شان هر روز جمله ای از زکریای نبی (فصل ۱۴ آیه ۹) به این مضمون می خوانند:

«روزی خواهد رسید که خداوند حاکم کل زمین خواهد شد و در آن روز خداوند یکتا شناخته می شود و نامش نیز یکتا خواهد بود.»

مطمئناً رسیدن به این روز آرمانی و متعالی، با حق کشی و تبعیض ممکن نخواهد شد و تنها کلید طلایی دستیابی به این سعادت عظیم، «دوست داشتن همونوع، مانند خود» خواهد بود.

به امید آن روز هستیم.

Roya Rahbar Pouldar MS, RD

رویا رهبر پولدار

Registered Dietician &
Part-Time Faculty, Department of Nutrition
California State University, Northridge
متخصص در تغذیه

کاهش وزن
بیماری های گوارشی
دیابت



Rahbar Medical Group
2080 Century Park East | Suite 1804 | Los Angeles, CA 90067
(310) 553-4400

نانو تکنولوژی - هوش مصنوعی و روباتیک در اسرائیل

نوشته ایرج فرنوش

های خیال پرداز و فیلم های علمی و تخیلی به واقعیت نزدیک شده اند.

در حال حاضر ردپائی از هوش مصنوعی را می توان در علوم مختلفی از قبیل پزشکی، ژنتیک، زیست شناسی، علوم فضایی و هوائی، تسلیحات نظامی و غیره مشاهده کرد.

بسیاری از اندیشمندان از فناوری نانو به عنوان رنسانس فناوری یاد می کنند. اینان بر این باورند که- ورود محصولات متکی بر این فناوری جهشی بس عظیم در رفاه و کیفیت زندگی و توانایی های دفاعی و زیست محیطی به همراه خواهد داشت و موجب بروز تحولات بزرگ اقتصادی خواهد شد.

در این راستا کشور اسرائیل جزو معدود کشورهایی است که در رشته نانو تکنولوژی فعالیت داشته و پیشرفت های زیادی هم در این زمینه به دست آورده و نتایج شگفتی هم کسب کرده است. در رشته پزشکی دانشمندان اسرائیلی از طریق نانو تکنولوژی موفق به ساختن یک میکرو روبات کپسول مانند شده اند که از راه دهان با نوشیدن آب به درون بدن انسان فرستاده می شود تا پزشک معالج قادر باشد به کاوش داخل بدن بپردازد. علاوه بر این وسائل پزشکی باهوش ساخت شرکت های اسرائیلی در بسیاری از مراکز درمانی در کشورهای مختلف مورد استفاده قرار دارند.

از طرفی دیگر، استفاده از روبات ها و هوش مصنوعی در کاربردهای نظامی همیشه مدنظر کارشناسان نظامی اسرائیل بوده. بطور قاطع می توان گفت که نوآوری کمپانیهای فناوری نانو اسرائیلی در طرح و ساختن بسیاری از وسائل هوشمند، آنان را در بسیاری از زمینه ها پیشرو و پیشتان ساخته و دانشمندان اسرائیلی در این حوزه

مدت زمان کوتاهی از عمر خود توانسته است از حد توسعه به سوی دنیایی از مسائل شگفت آور گام بردارد. هوش مصنوعی مطالعه روش هایی برای تبدیل کامپیوتر به ماشینی است که بتواند عملیات انجام شده توسط انسان را انجام دهد. با توجه به تعریف فوق، منظور از موجود هوشمند، موجودی شبیه انسان یا ابزار و یا ماشینی است که می تواند به انسان شبیه باشد و توانایی انسان مانند سخن گفتن، شنیدن، و سایر وظایف انسانی و عقلانی بودن را دارا باشد.

در حال حاضر ردپائی از هوش مصنوعی را می توان در علوم مختلفی از قبیل پزشکی، ژنتیک، زیست شناسی، علوم فضایی و هوائی، تسلیحات نظامی و غیره مشاهده کرد.

هوش مصنوعی شاخه ای از علوم کامپیوتر است که تلفیقی از سه فناوری است:

- شبکه های عصبی
- سیستم های استدلالی
- آلاگاریتم های تکاملی

شبکه های عصبی تقلیدی از سیستم های فیزیکی و عصبی انسان است. سیستم های استدلالی الگویی از تفکرات انسانی است و آلاگاریتم های تکاملی برداشتی از بقاء و انطباق موجودات با طبیعت است. بطور کلی هدف نهایی هوش مصنوعی ساخت نوع انسان مصنوعی است که همانند انسان فکر کند و تصمیم بگیرد. امروزه با استفاده از هوش مصنوعی روبات ها طوری برنامه ریزی می شوند که قادر به انجام اعمالی هوشمندانه- چون توانایی دیدن، شنیدن و نشان دادن عکس العمل به محرک های محیطی هستند. با تکامل روبات ها، داستان

در آینده نزدیک روبات های (ROBOTS) کنترل از راه دور در جبهه های جنگ در زمین، هوا و دریا با دشمن می جنگند بدون اینکه سربازی پا در جبهه جنگ بگذارد- روبات های جنگی مدت هاست در ارتش اسرائیل مورد استفاده قرار گرفته اند- تنها هزینه بالا مانع استفاده بیشتر از آنان بصورت گسترده تری بوده است. ولی اینک با توسعه علوم "نانو تکنولوژی" (Nano Technology) و استفاده بیشتر از هوش مصنوعی کارشناسان نظامی و تسلیحاتی ارتش اسرائیل در برنامه ریزی های خود استفاده از روبات های جنگی را در سطح وسیع گنجانیده و امیدوارند که تا سال ۲۰۲۰ بتوانند ارتش اسرائیل را با فناوری های نو و روبات های جنگی بیشتری تجهیز سازند تا نیاز به نیروهای انسانی را تقلیل دهند. برای روشن شدن ذهن خوانندگان توضیح مختصری درباره نانو تکنولوژی و هوش مصنوعی به طور ساده شرح داده می شود.

دیر زمانی نیست که نانو تکنولوژی به عرصه علوم وارد شده، اما با سرعت قابل ملاحظه ای گسترش یافته. نانو تکنولوژی مطالعه ذرات در سطح مولکولی و اتمی و دستکاری و آرایش دادن آنان به فرم جدید و ایجاد تغییراتی در ابعاد نانومتری آنان می باشد. چون مولکول ها ابعاد بسیار کوچکی دارند برای اندازه گیری آنان از واحد "نانو" استفاده می گردد. نانو (Nano) کلمه یونانی به معنی کوچک می باشد و برای تعیین مقدار یک میلیاردم یک کمیت استفاده می شود. برای مثال یک متر معادل یک میلیارد نانومتر می باشد. اندازه یک مولکول ۱۵ نانومتر و ضخامت یک برگ کاغذ ۱۰۰۰۰۰ نانومتر می باشد.

نانو تکنولوژی زمینه ساز ظهور دانشی نوین با عنوان هوش مصنوعی است که در

ها حرف اول را می زنند. مثلاً کمپانی رافائل که یک شرکت فناوری بالایی تسلیحاتی است موفق به ساختن نوعی بمب هوشمند شده که نه تنها هدف را بطور بسیار دقیق مورد اصابت قرار می دهد، بلکه بمب هوشمند تصمیم می گیرد که در چه لحظه ای منفجر شود که حداکثر نتیجه را داشته باشد.

پیشرفت های اسرائیل در حوزه روبات ها و تسلیحات هوشمند مدیون دو عامل است:

اول - حالت جنگی که این کشور از بدو تاسیس تاکنون با آن روبرو بوده و برای دفاع و حفظ موجودیت خود مجبور بوده که از تجهیزات مدرن نظامی برخوردار باشد تا بتواند برتری نظامی خود را در منطقه حفظ کند.

دوم- بافت اجتماعی اسرائیل به گونه ای است که کشته شدن هر سربازی برای کلیه اسرائیلیان ناگوار و تحمل ناپذیر می باشد. از این رو مقامات نظامی همیشه در صدد طرح و توسعه یک ارتش مدرن و پیشرفته با تسلیحات هوشمند بوده تا از این راه نقش نفرات را در میدان جنگ کم رنگ تر سازند.

در طرح و ساختن وسائل هوشمند دو عامل مهم در نظر گرفته می شود. یکی دارا بودن دقت کامل (Accuracy) و دیگری اندازه مینیاتوری (miniturization) منظور از دقیق بودن اینکه وسیله مورد نظر عاری از خطای فاحش بوده و هدف را با اختلاف بسیار کمی مورد اصابت قرار دهد. منظور از مینیاتوری بودن اینکه وسیله مورد نظر تا حد امکان کوچک تر و سبک تر باشد. البته خصوصیات دیگر مانند هوشمندتر، دوربرد تر، ارزانتر و نامرئی بودن در مقابل رادارها نیز در طرح و ساختن وسائل هوشمند در نظر گرفته می شوند.

در حال حاضر روبات ها جهت شناسائی مواد منفجره، تخریب و پاکسازی مناطق جنگی، عملیات تجسسی خطرناک که حضور در آن برای انسان ها خطرناک می باشند به طور وسیعی در ارتش اسرائیل مورد استفاده قرار می گیرند.

هم اکنون نیروی زمینی ارتش اسرائیل از روبات های ماشینی که در طول مرزها راندگی می کنند برای محافظت و جلوگیری

از نفوذ تروریست ها به داخل اسرائیل استفاده می کنند. نیروی دریایی، از قایق های جنگی بدون سرنشین برای محافظت از سواحل خود و جلوگیری از نفوذ تروریست ها به داخل مملکت و جلوگیری از حمل اسلحه قاچاق به نوار غزه استفاده می کنند. نیروی

بطور قاطع می توان گفت که نوآوری

کمپانیهای فناوری نانو اسرائیلی در طرح

و ساختن بسیاری از وسائل هوشمند آنان

را در بسیاری از زمینه ها پیشرو و پیشتاز

ساخته و دانشمندان اسرائیلی در این

حوزه ها حرف اول را می زنند.

هوایی از هواپیماهای بی سرنشین یا خلبان اتوماتیک برای عملیات شناسایی و بمباران مواضع تروریست ها و سایر مقاصد امنیتی استفاده می کنند.

در طول دهه گذشته بسیاری از شرکت های نانو فناوری اسرائیلی چنان پیشرفتی در عرصه های کشاورزی، پزشکی، فضائی، هوائی و تسلیحاتی داشته اند که به جرات می توان ادعا کرد که آنان هم اکنون چشم اندازی برای آینده نانو فناوری ترسیم می کنند. سه شرکت عمده: صنایع هوائی-فضائی اسرائیل (Israel Aerospace Industries-IAI)، البیت (Elbit) و رافائل (Raphael) در راس آنان می باشند - این شرکت ها با سازمان فضایی آمریکا (ناسا) و پنتاگون - وزارت دفاع آمریکا و همچنین سازمان فضایی اتحادیه اروپا و شرکت های هواپیماسازی بوئینگ و ایرباس همکاری می کنند و در بسیاری از برنامه های آنان شرکت دارند.

به طور مثال هواپیما های بی سرنشین هانتز (Hunter)، ایگل (Eagle) هرون (Herron) و هرمس (Hemes) که از فرآورده های شرکت های اسرائیلی می باشند در بسیاری از کشورها برای عملیات جنگی و ایمنی مورد استفاده قرار دارند. این کشورها شامل آمریکا، کشورهای اتحادیه اروپا، چین، روسیه، هندوستان، ترکیه، کره جنوبی و چند کشور آمریکای لاتین می باشند. شرکت های IAI و ELBIT طراح و سازنده ماهواره

های مینیاتوری می باشند که این ماهواره ها از نظر قابلیت و تجهیزات با ماهواره های مشابه کشورهای دیگر برابری می کنند، با این تفاوت که این ها با هزینه بسیار کمتری ساخته می شوند و از نظر پرتاب به فضا هم هزینه کمتری نیاز دارند. در حال حاضر چند ماهواره مینیاتوری اسرائیل در مدار زمین برای عملیات گردآوری اطلاعات در حال گردش هستند.

چندی پیش شرکت های

IAI و Elbit قراردادی با سازمان

فضایی اتحادیه اروپا برای ساختن

دوربین های دیجیتالی و سایر وسایل

الکترونیکی برای نصب در ماهواره

گالیله امضاء کردند. این ماهواره

که قرار است در سال ۲۰۱۴ به فضا

پرتاب شده جانشین سیستم GPS آمریکا شود، در آن سوی اقیانوس اطلس برای مکان یابی استفاده خواهد شد.

در همین راستا سازمان فضایی آمریکا

نیز از این دوربین ها برای نصب در ماهواره ای که قرار است به سوی سیاره ونوس که فضایی غبار آلود دارد بفرستد استفاده خواهد کرد. این دوربین ها قادر خواهند بود هر نوع تصویری در مقیاس ها و سیستم های مختلف در شب، هوای ابری و سایر شرایط نامساعد جوی را با وضوح بالا گرفته و به زمین مخابره کنند.

نسل جدید ماهواره های مینیاتوری که در حال توسعه هستند، به اندازه های کوچک و کم وزن می باشند که پرتاب آنان به فضا توسط هواپیما های جنگی در ارتفاعات بالا امکان پذیر خواهد بود. که در این صورت در هزینه پرتاب صرفه جویی قابل ملاحظه ای خواهد شد.

مطالب بالا تنها شمه ای کوتاه از پیشرفت های اسرائیل در این زمینه ها می باشند و مطلب در این موارد بسیار زیاد است، ولی به علت محدودیت صفحه ای باید نوشتار را در اینجا خاتمه داد.

ایرج فرنوش - فوق لیسانس در رشته مهندسی صنایع و سیستم از دانشگاه ایالتی کالیفرنیا، در سازمان هوایی فدرال (FAA) به کار اشتغال دارد.

آثار زیادی در زبان فارسی موجود نیست. آنچه را هم که از آثار فارسیهود در این زمینه یافته شده است، بجز چند ظرف و سنگ قبر و یا کتیبه و اسناد ناقص بیشتر نیستند. از جمله آن آثار میتوان به همان نامه تجاری دندان اولیلق یافته شده در ختن ترکستان چین بسال ۷۵۰ میلادی، کتیبه های تنگه آزرودر افغانستان، متعلق به حدوداً سال ۷۵۲ میلادی وهمچنین اسناد اهواز متعلق به قرن دهم میلادی که در کنیسای بن عزرا یافت شده اند را نام برد. پیدا شدن این آثار در نقاط پراکنده جهان اسلامی آن دوران نمودار وجود یهودیان ایرانی در این اماکن است. آثار یافته شده در این دوران و فقط از نظر تاریخی و زبانشناسی مورد توجه میباشند و دارای ارزش ادبی اجتماعی و یا مذهبی نمی باشند.

دوران دوم، آثار متعلق به قرون ۱۲ تا ۱۴ میلادی:

اغلب این آثار مربوط به دوران ترجمه و

مقاله نهم:

سیر تاریخی شکوفائی آثار فارسیهود

از دکتر ناهید پیرنظر

فرهنگی در دامنه کارهای سیاسی ایران هم گهگاهی سربلند کرده و کسانی مانند ابو عیسی اصفهانی (۶۷۰-۶۵۸) را در دامان خود پرورانده اند. کسی که هم بر علیه سلطه دستگاه خلفای اموی بر ایران و هم بر علیه ربانان یهودی بغداد قیام کرد و بنیان گزار مکتب قرائی در یهودیت گردید، مکتبی که جز تورات هیچ تفسیر دیگری را در یهودیت نمی شناسد.

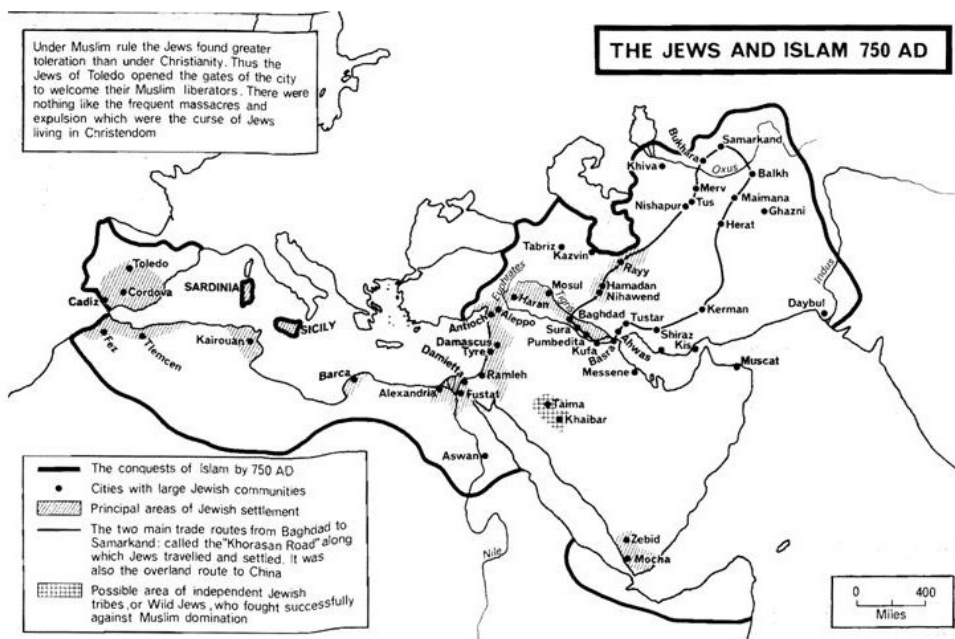
از این دوران اولیه تسلط اسلام بر ایران، سوای نوشته های عبری بدست ایرانیان،

آثار فارسیهود را به انواع و از دیدگاههای مختلف تقسیم و طبقه بندی کرده اند. آزمون نتصر این آثار را از نظر زمانی بدو دوره قبل و بعد از مغول و از نظر سبک شناسی به دو گروه نظم و نثر و از نظر متن به مطالب مذهبی و غیر مذهبی تقسیم کرده است. همین آثار را ژیلبر لازار ایرانشناس فرانسوی بچهار دوره تقسیم کرده است. این آثار را با در نظر گرفتن این دوروش مرور میکنیم.

دوران اول، از قرن ۸ تا ۱۱ میلادی:

این دوره از تاریخ ایران از دیدگاه برخی بدوران رکود ادب و فرهنگ ایرانی شناخته شده است زیرا که دانشمندان و ادبای ایرانی در خدمت درگاه خلفای اسلامی در آمده فرهنگ جهان را از زبانهای پارسی، هندی، سانسکریت و یونانی بزبان عربی گردانده و فرهنگ اسلامی دادند. در این دوران که دوره درخشش فرهنگ عرب است، مسیر رشد فرهنگ و ادب ایرانیان را بصورت پراکنده در آثار و نوشته های زرتشتیان و یا یهودیان ایرانی مشاهده می کنیم.

یهودیان علاوه بر زمینه های



یهودیان بهنگام آغاز اسلام در سراسر امپراطوری اسلامی میزیستند و در این هنگام است که دانشمندان یهودی نیز از مرزهای سیاسی گذشته فرهنگ یهود از آسیای مرکزی تا اسپانیا گسترش یافت.

The Atlas of Jewish History



قدیمی ترین نسخه خطی موجود فارسیهود، ترجمه و تفسیر کتاب استر می باشد که حدوداً تاریخ سال ۱۲۸۰ میلادی بر آن گذاشته شده است در کتابخانه ملی پاریس نگاهداری میشود.

(Courtesy of National Gallery of Victoria, Melbourne, 1878)

تفاسیر کتاب مقدس از زبان عبری و آرامی به فارسی نو بوده که بصورت نثر نوشته شده اند. این آثار اکثراً در کتابخانه ها و موزه های بین المللی در پاریس، لندن، سن پترزبورگ و اورشلیم قرار دارند. اما در کنار این آثار مذهبی همچنین لغت نامه سفر هملیسا (Sefer Ha Melisah) قرار دارد. این لغت نامه که به گویش خوارزمی نوشته شده است، هم اکنون در کتابخانه Ben Zvi در شهر اورشلیم نگاهداری میشود.

دوران سوم، آثار متعلق به قرون ۱۴ تا ۱۸ میلادی:

نوشته های فارسیهود این دوران برابر با دوران بعد از مغول تقسیم بندی آمنون نتصر هستند. دورانی که سر آغاز کارهای ادبی و غیرمذهبی یهودیان ایرانی بوده شکوفائی فرهنگی یهودیان ایرانی را در قرون وسطی در بر دارد. این دوران بعثت شکست بغداد از سوی هلاکو خان مغول بسال ۱۲۵۸ میلادی، باعث تغییر سرنوشت جهان از جمله یهودیان ایران گردید، زیرا عدم تعلق ایلیخانان به اسلام در فاصله سالهای ۱۲۵۸ تا ۱۲۹۱ میلادی، همانا باعث آزادی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی غیر مسلمانان از جمله یهودیان در این دوران است.

بزرگترین شعرای فارسیهود، شاهین، عمرانی و بابائی بن لطف متعلق باین دوران هستند. باید در نظر داشت که در این دوران همزمان با پیدایش نظم و نثر ادبی، هنوز تراجم و تفاسیر کتب مقدس و سایر نوشته های غیر مذهبی ادامه داشت.

دوران چهارم، آثار متعلق به قرون ۱۷ تا آخر ۱۹ میلادی:

این آثار اکثراً متعلق به خراسان بزرگ و مناطق دور از دسترس پادشاهان صفویه است. زیرا در این دوران تاریک فرهنگی به علت شیوع

در قرن بیستم، بعثت شرکت جوانان یهودی در مدارس آلیانس و پس از انقلاب مشروطه در مدارس ملی، آموزش زبان فارسی با حروف پارسی نو نوشته های فارسیهود را کم کم از رونق انداخت.

مطالعه و پژوهش علمی آثار فارسیهود بوسیله زبان شناسان اروپائی بمنظور مطالعه زبان پارسی بعنوان پلی میان پارسی میانه (زبان پهلوی) و پارسی نو، از نیمه دوم قرن ۱۸ میلادی مورد توجه قرار گرفته است. این تحقیقات تا اواسط قرن بیستم اکثراً بر

تشیع، نه تنها یهودیان ایرانی بلکه سایر اقلیت ها برای پیشگیری از فشارهای مذهبی تن به جلائی وطن دادند. اکثر یهودیان ایران در ناحیه بخارا و نواحی اطراف توانستند به زندگی خود ادامه دهند و آثار ادبی آنان در قالب زبان فارسی و یا تاجیک برای ما باقی مانده است. در اواخر قرن ۱۸ و قرن ۱۹ میلادی برگردان شاهکارهای ادب فارسی، بفارسیهود از جمله آثار سعدی و حافظ و جامی گوشه ای از آثار فارسیهود را در بر میگیرند.



تصویری خیالی از حمله هلاکو خان مغول به بغداد در سال ۱۲۵۸ میلادی

روی ارزش های زبان شناسی و یا مذهبی است. این گروه بعلت آشنائی بیشتر خود با زبان و ادبیات کلاسیک فارسی سعی دارند که علاوه بر جنبه های مذهبی و زبانشناسی، این آثار را از نقطه نظر ادبی، بخصوص بعنوان شاخه ای از آثار ادبی ایرانی مورد مطالعه قرار دهند. بمنظور درک ارزش ادبی این آثار

روى ارزش های زبان شناسی و یا مذهبی آن و بوسیله زبان شناسان غیر ایرانی و غیر پارس زبان انجام گرفته است. تنها در این چند دهه اخیر است که آثار فارسیهود بوسیله متخصصین فارسی زبان که زبان پارسی، زبان مادری آنهاست مورد تحقیق قرار گرفته

در ادبیات فارسی، ابتدا باید نظری به رشد ادبیات فارسی کلاسیک و سبک های نظم و نثر آن بیفکنیم.

ادامه دارد.....

Shahrokh Sapir
شاهرخ سپیر
 عکاسی و دی جی
 Photography and DJ
 "Creative and Innovative"
 [310] 926-7978

تسلیت



معتبر و آبرومند به نام سرای سالمندان را بنیاد نهاد. سازمان بهزیستی کشور با شناخت ارزش و اهمیت تجارب و فعالیت های او، در سال ۱۳۷۹ وی را به عنوان مدیر هماهنگ کننده آسایشگاه های اقلیت ها منصوب نمود. گاد نعیم طی ۲۸ سال خدمت بارها موفق به دریافت تقدیرنامه و لوح سپاس از نهادهای بهداشتی گردید.

سرای سالمندان امروز تحت توجهات و سرپرستی بیوقفه او یکی از ممتازترین مراکز توان بخشی در سطح تهران است. فقدان این رادمرد خیراندیش را به خانواده محترم گاد نعیم تسلیت می گوئیم. روانش شاد و یادش گرامی باد.

سالن نعمان

در فدراسیون یهودیان ایرانی
با گنجایش ۴۵۰ نفر
مکانی استثنائی و باشکوه
برای برگزاری مراسم و جشنهای شما



برای کسب اطلاعات بیشتر
با خانم ایرما اسمیت
با تلفن ۰۲۱۴۲۰۶۵۶ (۳۲۳)
تماس حاصل فرمائید.

کوروش و هدف به پایان رسانید. ابتدا در مؤسسه داروئی خانواده به کار پرداخت و سپس برای ادامه تحصیل در مدیریت بازرگانی عازم فرانسه شد. ولی قبل از خاتمه تحصیلات به وطن بازگشت و مستقلاً در تجارت دارو به کار مشغول گردید. گاد نعیم از ابتدای جوانی علاقمند به امور خیریه و کمک به آموزش جوانان بود. در دهه ۱۳۴۰ با همکاری یک هیأت ۱۲ نفره مشکلات مدارس کورش را رفع نموده و مسئولیت آن را به انجمن کلیمیان واگذار نمودند.

پس از انقلاب، مرحوم گاد نعیم با عضویت در جامعه روشنفکران یهود، فعالیت های اجتماعی و سیاسی خود را آغاز نمود، به عضویت هیأت مدیره کانون خیرخواه در آمده و همچنین سمت خزانه داری بیمارستان دکتر سپیر را پذیرفت. طولی نکشید که به خاطر شایستگی و لیاقت به مقام مدیرعامل بیمارستان منصوب گردید.

وی در سال ۱۳۶۰ به عضویت انجمن کلیمیان درآمد و مسئولیت امور املاک را به عهده گرفت و در رأس هیأتی ۹ نفره به اصلاح وضع اسفناک و غیربهداشتی خانه پیران همت گماشت. او با تلاشی پیگیر سازمانی

با کمال تأسف به اطلاع می رسانیم که جامعه یهودیان ایران، آقای گاد نعیم، یکی از خدمتگزاران فرهیخته، صدیق، دلسوز و از خودگذشته خود را که قسمت اعظم عمر خود را وقف خدمت به مردم کرده بود، در تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۸۸ در ۷۴ سالگی از دست داد. روز چهارشنبه دهم مارچ، یهودیان لس آنجلس در مجلس یادبودی در کنار خانواده آن مرحوم، زحماتش را قدر نهادند و از خصلت های انسانی و خدمات بیدریغش به نیکی یاد کردند.

در این جلسه گروهی از دوستان مرحوم گاد نعیم، آقای دکتر بروخیم رئیس هیأت امناء فدراسیون، آقای دکتر رفیع ریاست انجمن کلیمیان ایران و خانم ایشان، خانم الهام یعقوبیان، آقای افشین تاجیان و ربای زادمهر درباره شخصیت والای او و خدمات برجسته اش صحبت کردند.

مرحوم گاد نعیم فرزند هارا و عزیزالله نعیم در سال ۱۳۱۴ خورشیدی در خانواده ای متدین در تهران به دنیا آمد. او در یازده سالگی پدرش را از دست داد و مادر و برادر بزرگتر اداره خانواده را به عهده گرفتند. وی تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در مدارس

یهودیان دستور دادند که در کنیسا اجتماع کنند. پدر بزرگم با همان صیصیت به همراه خانواده پیشاپیش جماعت حرکت می کرد سپس درهای کنیسا را از بیرون قفل کردند و کنیسا را به آتش کشیدند. از آنها جز خاکستر هیچ باقی نماند.

حضار محترم،

هالوکاست سوالات دردناکی را مطرح می کند که اعماق روح بشر را لمس می کند. عمق شرارت بشر تا چه حد؟ سکوت مردم با فرهنگ و عقل، در برابر ظلم و کشتار تا کجا؟ چقدر می توان وحشیانه عمل کرد، معنویت و اخلاق را زیر پا گذاشت و چطور ملتی می تواند خود را قوم برتر و بقیه را پست تر بداند؟ و سوآلی که هنوز باقیست این که آلمانی ها چه خطر عظیم و فوری را در وجود یهودیان دیدند تا با عزمی راسخ در این ماشین کشتار چنین سرمایه گذاری کنند. مگر جوامع یهودی چه قدرت و ساز و برگ جنگی در اختیار داشتند؟

خانم ها، آقایان،

کلمه یهودی ستیزی تعریف کافی برای تنفر خصمانه نازی ها، کشش سوزنده آنان به کشتار حیوان صفتانه انسان های دیگر و عزم راسخ آنها برای نابودی یهودیان نیست. هدف جنگ تسخیر اروپا بود و نه تصفیه حساب با یهودیان. ما یک تهدید معنوی بودیم. این تهدید، احترام ما به برابری انسان ها، اعتقاد ما به خدا و اجرای ده فرمان بود. از روز تأسیس ملت یهود به ما فرمان دادند که "قتل مکن"، "همسایه ات را مانند خودت دوست مدار" و "به دنبال صلح برو". نازیها سعی کردند از یهودیان پاک و شریف، شیطانی بسازند، جسم آنها را سوزاندند ولی نه روح آنها را. در تبلیغات وسیع آنها را به صورت انگل، موش فاضلاب و ناقلان بیماری ها به نمایش درآوردند. عدالت و ترحم را فراموش کردند.

من یهودی، درد خواهران و برادرانم را با خود حمل می کنم. متأسفم که در تأسیس کشور اسرائیل، پناهگاه امن یهودیان، تأخیر شد. من به عنوان یک پدر بزرگ هرگز نمی توانم کشتار ۱.۵ میلیون کودک را که می توانستند سرنوشت کشور اسرائیل را تغییر دهند، باور کنم.

به خود می بالم که ما دشمن کبیر

“دیگر هرگز”

مترجم: ویولت ساسونی

آفتاب بعد از ۶ سال شوم، وسعت دامنه نابودی را برملا کرد. کشتارگاه آشویتس-بیرکنو در زیر خاکستر کوره ها و لکه های خون آرامشی فریب دهنده داشت ولی از اعماق زمین یخ زده شیونی برمی خواست که قلب انسان را می درید و سر به آسمان می کشید.

امروز نه فقط روز یادبود قربانیان است، بلکه یادآور تراژدی نادیده گرفتن شعله های کوره های آدمسوزی و ماشین کشتاری که بی وقفه انسان ها را نابود می کرد و به تعویق انداختن تصمیمات جدی در مقابل آنها می باشد.

از ۲ سال جلوتر، در ۲۰ ژانویه ۱۹۴۲، گروهی از افسران ارشد و مامورین دولتی برای طرح “راه حل نهائی برای مشکل یهودیان” تشکیل جلسه دادند. آدولف آیشمن نقشه دقیقی طرح کرد که تمام یهودیان اروپا را در بر می گرفت. ۱۱ میلیون یهودی برای مردن انتخاب شدند و همه راه ها به آشویتس، اطاق های گاز و کوره های آدمسوزی ختم می شدند.

من امروز در مقابل شما رهبران و نمایندگان برجسته یک آلمان دموکراتیک و متفاوت، در این مقام والا احساس فروتنی می کنم. هم اکنون تصویر پدر بزرگ محترم ربای زوی ملزر را در شهرمان “ویش نی بو” در بلاروس می بینم که مرا در صیصیت خود جای داده و دعای کل نیده را در شب کیپور می خواند. شبی که خدا تصمیم مرگ و زندگی بندگان را میگیرد. سپس او را در ۱۱ سالگی ام در ایستگاه قطار به مقصد اسرائیل به یاد می آورم که در زمان خداحافظی غمگین از من خواست که همیشه یک یهودی بمانم.

وقتی نازیها به شهر من رسیدند، به تمام

کزیده ای از متن خطابه شیمون پرز رئیس جمهور اسرائیل در مجلس ملی آلمان روز بین المللی یادبود هالوکاست، ۲۷ ژانویه ۲۰۱۰

حضار محترم،

من به عنوان رئیس جمهور اسرائیل یا وطن ملت یهود با شما صحبت می کنم در حالیکه قلب من از یادآوری خاطرات گذشته در هم می شکند، با اطمینان آینده ای روشن را در دنیائی جوان، رها از نفرت، جنگ و یهودی ستیزی می بینم.

در سنت های چند هزار ساله یهودی، دعائی به زبان آرامی برای زمان عزاداری، به نام قدیش موجود است. مایلم به یاد ۶ میلیون یهودی که به خاکستر تبدیل شدند، خانواده هائی که شاهد رانده شدن جگرگوشگان خود به درون اتاق های گاز و کوره های آدمسوزی بودند، این دعا را بخوانم. و با کلمات آخر این دعا که تبدیل به سمبلی از رویای یهودیان شده است از پروردگار مهربان بخواهم که برای همه ما و ملت اسرائیل صلح به ارمغان بیاورد.

دوستان من، رهبران و نمایندگان مردم آلمان،

در حالیکه به تدریج از تعداد بازماندگان هالوکاست کاسته می شود، عاملین سببانه ترین اعمال یعنی نسل کشی، هنوز در خاک آلمان، اروپا و سایر نقاط دنیا زندگی می کنند. تقاضای من از شما اجرای عدالت است اما نه برای انتقام، بلکه به خاطر آموزش درسی آموزنده به نسل جوان تا بدون هیچ تردید، تنها مسیر صلح، آشتی و عشق را برگزینند.

۶۵ سال پیش در چنین روزی، نور

هیولای نازیسم هستیم و با نژادپرستی به شدت مخالفیم. شکرگزارم که بالاخره ملت هایی به پا خواستند و دیوانگی، شرارت و ظلم را درهم شکستند.

هالوکاست باید همیشه در افکار و وجدان بشریت زنده بماند. هشدار دهنده تقدس زندگی، مساوات، صلح و آزادی باشد. صدای مشترک یهودیان اروپا ما را ندا می دهد که زندگی قبل از هالوکاست را هم به یاد بیاوریم، آنچه را آنها از دست دادند دوباره خلق کنیم و آن باشیم که آنها می خواستند و نتوانستند.

یهودیان آلمانی با وجود تعداد کم سهم گسترده ای در پیشبرد علم، اقتصاد و پایداری آلمان داشتند. یهودیان اروپا نیز از دوران طلائی اسپانیا تا آلمان، گردونه علم، تکنولوژی، اقتصاد، ادبیات و هنرها را به پیش بردند.

من از تعداد کثیر متفکرین، مخترعین، نویسندگان، دانشمندان و هنرمندان یهودی سرشار از غرورم. آنها هر یک به نحوی منحصر به فرد به پیشبرد تفکر بشر در اروپا و جهان خدمتی عظیم کردند.

اکنون درسی که باقی می ماند، "دیگر هرگز" است. نژادپرستی، اقتدارگرایی، کشتار، احساس برتری، تهدید به نابودی در سایه سلاح های کشتار همگانی، انکار خدا و قانون و نادیده انگاشتن دیکتاتورهای تشنه به خون از پشت نقاب های عوام فریبانه دیگر هرگز نباید اتفاق بیفتد.

برای جلوگیری از وقوع هالوکاست دیگر، باید به فرزندان خود بیاموزیم تا به جان انسان ها و روابط بر مبنای صلح آنها احترام بگذارند و ده فرمان را از یاد نبرند. با مشعل های روشن تحقیق، میکروسکوپ و تلسکوپ پرده از اسرار علوم برداریم تا به درمان های جدید جسم و روان، غذا برای گرسنگان، آب برای تشنگان، هوا برای تنفس و دانش برای نوع بشر دست یابیم.

در پایان قیمومت بریتانیا، داوید بن گوریون تأسیس کشور اسرائیل را اعلام کرد. ۷ کشور عربی چند ساعت بعد به اسرائیل حمله کردند. در جنگی که شکست در آن نقطه پایان ملت ما می بود، نیروهای ارتش

دفاعی اسرائیل تنها و بدون متحدی، با از جان گذشتگی پیروز شدند. گروهی از بازماندگان هالوکاست هم حین انجام وظیفه در این جنگ کشته شدند. اما اسرائیل کوچک دروازه هایش را به روی بقیه بازماندگان هالوکاست، پناهندگان کشورهای عربی و همه یهودیان دنیا گشود.

در ۲۷ سپتامبر ۱۹۵۱، صدراعظم کنراد آدنائر، با قبول مسئولیت جنایات رایش سوم، پیشنهاد پرداخت غرامت و کمک به احیای اسرائیل نمود. توافق مذاکرات بن گوریون و آدنائر، پس از عکس العمل های شدید، با تأیید مجلس بحران زده اسرائیل روبرو شد. من در آن زمان، افتخار دستیاری بن گوریون و بعد ها در وزارت دفاع سمت معاونت او را داشتم. اسرائیل همزمان به ساختن وطنی برای یهودیان و دفاع از فرزندان خود پرداخت. روابطی بی سابقه بین آلمان و اسرائیل به وجود آمد. این دوستی نه به قیمت فراموشی هالوکاست، بلکه با تصمیم قاطع دو جانبه برای به پیش نگرستن با امید خوشبختی و ترمیم و بهسازی دنیا به وجود آمد همچون پلی که بر شانه های دردناک از وزنه خاطرات تلخ متکی بود. آلمان قول داد که دیگر اسرائیل را برای دفاع از خود تنها نگذارد.

در اینجا از بن گوریون متشکرم که آلمان نوینی را پیش بینی کرد. از آدنائر متشکرم که با بن گوریون زبان مشترکی یافت. از تک تک شما رهبران آلمان که این روابط را توسعه دادید متشکرم. از شما رئیس جمهور کهلر که در مجلس اسرائیل مسئولیت هالوکاست را قسمتی از هویت آلمانی به حساب آوردید متشکرم. از خانم مرکل متشکرم که در جلسه مشترک مجلسین آمریکا گفتید که حمله به اسرائیل برابر حمله به آلمان است. شما با مهر و صمیمیت قلوب ملت ما را فتح کرده اید.

خانم ها و آقایان بسیار محترم، در ۶۰ سال از تأسیس کشور اسرائیل، ما ۹ جنگ را تاب آورده ایم. به صلح با اردن و مصر دست یافته و زمین هایشان را برگردانده ایم. ما کمی وسعت و فقر مواد طبیعی سرزمین خشک خود را، با پیشرفت های علمی، تکنولوژی و کشاورزی نمونه جبران کرده

ایم. قسمت اعظم یهودیان دنیا در اسرائیل زندگی می کنند. ما زبان خود یعنی زبان عبری و زبان تورات را که ۴۰۰۰ سال پیش استفاده می کردیم، بازیافته ایم- ما در دو مسیر به پیش می رویم: مسیر معنویت که در ده فرمان خلاصه می شود و تاکنون به هیچ تغییری هم نیاز نداشته است و مسیر علمی که با کشف قوانین وراثت و سایر اسرار نهفته به دنیا خدمت می نمایم.

اسرائیل، کشور یهودی دموکراتیک، ۱.۵ میلیون شهروند عرب برخوردار از حقوق مساوی دارد. هیچ تبعیضی را به خاطر مذهب یا ملیت جایز نمی داند.

ما با غلبه به بحران اقتصادی جهانی به رشد بازگشته ایم و فرهنگ مدرن و سنتی را با هم ادغام نموده ایم. پیروزی های ما خطرات را از بین نبرده است- ما خواهان رهبری ملل دیگر نیستیم. خواسته ما صلح با همسایگان است. هزینه های جنگ و صلح را تقبل کرده ایم و هنوز هم آمادگی آن را داریم.

ما اعتراض ایرانیان را بر علیه ظلم، خشونت و دیکتاتوری درک می کنیم. رژیمی که با تکیه بر پایگاه های اتمی تهدید به نابودی نموده و در دنیا ایجاد وحشت و نا امنی می نماید.

آرزوی خاورمیانه ای را داریم که در آن والدین، اختلافات خود را به خاطر صلح برای فرزندان شان کنار بگذارند و در سایه اقتصاد مدرن به جنگ گرسنگی، بیماری و وحشت بروند و خدای مشترک همه خدای صلح باشد و نه جنگ.

امروز روز همدلی و تفکر است و زمان آموزش و امید. ما می توانیم با هم تاریخ جدیدی را بنیان گزاریم.

سخنانم را با قدیش شروع کردم و با هتیکوا خاتمه می دهم.

"عودلو آودا تیکواتنو هتیکوا شنوت الپیم"
"در قلب یهودی هنوز یک روح یهودی می خواند و چشمان، به شرق، به سوی صیون می نگرد امید ما از دست نرفته است- امید دوهزار ساله مان که ملتی آزاد در سرزمین خود باشیم در سرزمین صیون و اورشلیم"
بیائید تا با هم رویاهایمان را به حقیقت بپیوندیم.

KINGSTON DESIGN & CONSTRUCTION INC.

به مدیریت

مهندس هوشنگ تجاریه

LIC. # 910538

Led by Houshang Tojarieh, our experienced staff will attend to all your building and remodeling needs from the start of your project to the very end.

با سال ها سابقه در طرح و اجرای ساختمان های تجاری و مسکونی

این شرکت آماده انجام موارد زیر است:

کلیه طرح های ساختمانی

طرح های داخلی

طرح های محوطه سازی

طرح های ریمادلینگ

و اجرای کلیه موارد بالا و تمام امور مربوط به

شهرداری تا اخذ پروانه ساختمان و بعد از آن

کلیه امور ساختمانی شما تحت یک قرارداد از ابتدا تا انتها بدون نیاز به خدمات دیگری انجام خواهد شد



11628 SANTA MONICA BOULEVARD, SUITE 209, LOS ANGELES, CALIFORNIA 90025

TEL: (310) 386-4555
WWW.KDCINCORPORATED.COM

FAX: (310) 553-5536
HTOJARIEH@KDCINCORPORATED.COM

تمام یهودیان دوست یکدیگرند

از: دکتر فیروز بنونی

در اواخر دسامبر سال گذشته به مناسبت سال نو میلادی کارت تبریکی از طرف "مادام برمیمون"، مدیر سابق مدرسه اتحاد تهران، به دستم رسید. ایشان پس از ترک ایران همراه با خانواده شان به شهر "سانت مور" در فرانسه مهاجرت کردند و در آنجا زندگی می کنند. در میان مطالبی که در این کارت نوشته بودند جمله ای بیش از هر گفته دیگر ایشان توجه مرا جلب کرد و به تفکر واداشت و به همین دلیل تصمیم گرفتم که در آستانه صد و پنجاهمین سالگرد تأسیس سازمان "آلیانس ایزرائیلت" احساسات خودم را در مورد این سازمان و افرادی که برای آن کار می کردند به روی کاغذ بیاورم.

خانم برمیمون نوشته بود: "من خاطرات ۱۸ سال زندگیم را در ایران هرگز فراموش نخواهم کرد و آن را گرامی می دارم. برای من شگفت انگیز است که آن پسر بچه ای را که من او را در کلاس خودم بیاد می آورم امروز یک پزشک موفق در آمریکا است."

این گفته ایشان مرا نیز به نوبه خود به فکر انداخت که اگر "آلیانس" به ایران نیامده بود، این پسر بچه و میلیون ها نفر مثل او و نواده های آنها در قرن گذشته و سالهای آینده چه سرگذشت متفاوتی می توانستند داشته باشند. با توجه به اینکه آلیانس نه تنها در ایران به جامعه یهود و غیر یهود کمک کرد، بلکه در تمام کشورهای خاورمیانه نیز فعالیت داشت.

هسته اصلی "آلیانس ایزرائیلت یونورسل" در اواسط قرن نوزدهم به دنبال وقایعی که در کشور سوریه اتفاق افتاد به

وجود آمد. گروهی از یهودیان این کشور محکوم به جرائم وحیمی شده بودند که بی اساس بود. این خبر به گوش مردی خیرخواه در فرانسه به نام "موسز مونفیورته" رسید و او تصمیم گرفت که گروهی از یهودیان فرانسه را گردهم آورد و یک کمیته دفاع قانونی به سوریه بفرستد تا از یک فاجعه بین المللی جلوگیری شود.

آقای "مونفیورته" عقیده داشت که ملت یهود باید "دفاع از خود" را بیاموزد و هدف آموزش و پرورش یهودیان به همین مبنا بر هدف اصلی او که جلوگیری از تبعیض بود اضافه شد، تا در آینده ملت یهود بتواند برخورد متکی شود. جمله معروف "Kol Israel Haverim" یا "تمام یهودیان دوستان یکدیگرند" از آنجا قوت گرفت.

در سال ۱۸۶۵ میلادی سازمان آلیانس مطلع شد که گروه بی شماری از یهودیان در کشور ایران به خصوص در شهر همدان، که محل تولد این نویسنده است، مجبور به تعویض مذهب خود و گرایش به دین اسلام شده اند. برخی از آنها زندگی را در شرایط آن زمان به عنوان یک یهودی غیرقابل تحمل می دیدند. بدون شک پدران همه ما و عده زیادی از کسانی که در اوایل قرن بیستم در این شهر و دیگر شهرهای ایران زندگی می کردند از وقایع وحشتناک آن زمان نسبت به یهودیان داستان ها دارند. در سال ۱۸۷۰ مصادف با یک قحطی شدید در شهر همدان تعدادی از ساکنان یهودی شهر در جلوی بازار به ۳۰۰ ضربه شلاق محکوم شدند و بسیاری از آنها از عوارض این عمل فجیع جان خود را از

دست دادند.

در سال ۱۸۷۳ طی سفر ناصرالدین شاه به پاریس، تعدادی از سران آلیانس، از جمله "آقای آدولف کریمو" و "آقای بارون روچیلد" با او ملاقات کردند و به ایشان پیشنهاد تأسیس مدرسه ای را در ایران دادند. هنگام همین سفر رهبران آلیانس در هر کشوری که ناصرالدین شاه در آن پای گذاشت، از جمله در شهرهای برلین، آمستردام، بروکسل، و لندن با او ملاقات کردند تا بالاخره از او قول همکاری گرفتند. ولی متأسفانه این قول نتیجه ای سریع با خود همراه نداشت. پس از مراجعت از اروپا ناصرالدین شاه در دفتر خاطرات خود می نویسد: "من در لندن با یک نفر یهودی به نام "روچیلد" ملاقات کردم که بینهایت ثروتمند بود. او از وضع کلیمیان ایران صحبت به میان آورد، به او گفتم ای برادر، تو هزار کرور ثروت داری اگر فقط ده درصد آن را به یک کشور بدهی، یک قسمت از آن را به تو بدهند، می توانی کلیمیان را از سراسر جهان جمع آوری کنی و خودت سرکرده ایشان شوی و در صلح و صفا زندگی کنی."

با توجه به تمام این فعالیت ها و مذاکرات و موافقت نهایی ناصرالدین شاه با این کار، مدت ۲۵ سال طول کشید تا سرانجام در ۱۵ آوریل ۱۸۹۸ مظفرالدین شاه مبلغ ۲۰۰ تومان برای احداث اولین مدرسه آلیانس در تهران هدیه کرد. پس از آن از سال ۱۹۰۰ به بعد مدارس آلیانس به ترتیب در همدان، اصفهان، شیراز، سنندج، نهاوند، کرمانشاه، بیجار، بروجرد، و بالاخره در سال ۱۹۲۹ در شهر کاشان درهای خود را به روی کودکان یهودی و غیر یهودی گشودند. در عرض ۳۱ سال یازده مدرسه در سراسر کشور ایران ساخته و تأسیس شد. این فعالیت ها باعث شد که در مدت کمتر از یک قرن فقیرترین و سرکوفته ترین مردم ایران و خاورمیانه به تحصیلات عالی و مقامات مهم، و زندگی مرفه دست یابند و این بیشتر به یک معجزه شباهت داشت تا حقیقت.

طولی نکشید تا نابغه هایی مانند دکتر پرویز رهبر، مشفق همدانی، ناصر لاله زاری،

و دکتر موسی بروخیم و صدها امثال ایشان در صحنه تاریخ یهودیان ایران ظاهر شدند. درهای مدارس آلیانس به روی غیرکلیمیان نیز باز بود و نتیجه اش این بود که تعداد زیادی از این افراد برای ادامه تحصیلات به اروپا، بخصوص کشور فرانسه رفتند. و پس از بازگشت به ایران نه تنها بنیانگذاران مدارس، و دانشکده‌ها شدند بلکه با نفوذشان در ادارات توانستند تا اندازه ای از شدت

تبعیضات مذهبی

در جامعه بکاهند.

در مقام یک

پزشک، افتخار

داشتم که در

سال ۲۰۰۵ جایزه

“maimonides”

را از طرف سازمان

“ایزرائل باند” و

انجمن پزشکان

یهودی میشیگان

دریافت‌کنم.

در مراسمی که

به این مناسبت

برپا شده بود

در پیام کوتاهی

برای حاضرین

توضیح دادم که،

همکاری و پشتیبانی

از مؤسسات خیریه و وظیفه هر فرد یهودی است. در هر گوشه و کنار دنیا یهودیانی به موفقیت‌ها و به ثمر رساندن اهداف عظیمی نائل آمده‌اند که بدون کمک‌های همکیشانانشان امکان پذیر نبود. این افراد یا در کودکی از بین می‌رفتند و یا اگر به بلوغ می‌رسیدند افرادی بیسواد، ناآشنا با فنون و صنایع مدرن می‌بودند و مجدداً یادآور شدم که حضور من در آن گردهم‌آیی و اینکه لایق چنین افتخاری باشم نمونه‌ای از آن است.

آنچه که شاید امروز برای تمام ما که از وجود مدارس آلیانس منفعت برده ایم تا حدی شگفت‌انگیز است پشتکار و وفاداری معلمین غیرایرانی است که زندگی خود را وقف خدمت و پیشبرد جامعه یهودی ایرانی

کردند. از میان این مدیران و معلمین که تا سال‌های اخیر هنوز اسم و شخصیتشان در ذهن همگان است می‌توان “مادام کوئنکا” و “مادام برمیمون” را نام برد. بسیاری از این استادان به عنوان محصلین و دانشجویان “آلیانس” توسط بورس تحصیلی این سازمان تحصیلات عالی خود را در فرانسه ادامه می‌دادند و در عوض به نقاط مختلف برای تدریس در مدارس آلیانس اعزام می‌شدند.



دکتر فیروز بنونی و بانو همراه با موسیو کوئنکا و فوفو القانیان در کن

کوئنکا” بود. به گفته “موسیو کوئنکا”: “او آنقدر خود را با ایرانی‌ها یکی می‌دانست که بیشتر مردم در برخورد اول فکر می‌کردند که او ایرانی است.”

“مادام برمیمون” توضیح می‌دهد که: “رضایت از اینکه کاری که انجام می‌دهی باعث پیشرفت و کمک به جامعه‌ای است دلیل این بود که بسیاری از ما این کار را انتخاب کردیم و ادامه دادیم. من زندگی در ایران را دوست داشتم

و به کارم علاقه

داشتم و باور

دارم که بزرگ

کردن بچه‌ها در

آن زمان در ایران

خیلی بهتر و بی

خطرتر از بزرگ

کردن فرزندی

در پاریس امروز

است.”

“موسیو

و مادام کوئنکا”

پس از ترک ایران

به فرانسه رفتند

و در شهر “کن”

اقامت گزیدند.

با وجود اینکه

شاید هیچیک از

آنها خود را ایرانی نمی‌دانستند، به این کشور و مردمانش علاقه بسیار داشتند و فرزندان آنها تا حد زیادی با دو فرهنگ ایرانی و اروپایی بزرگ شدند. فرزندان “مادام برمیمون” در سنین پایین ایران را ترک کردند ولی از سه دختر “مادام و موسیو کوئنکا” یکی از آنها با یک یهودی ایرانی ازدواج کرد. درود بر شخصیت و شجاعت تمام این معلمینی که با فداکاری بسیار به پیشرفت جامعه‌ای که در بدترین شرایط قرار داشت این چنین کمک کردند و مردان و زنانی که با هدف گسترش علم و تساوی حقوق، وقت و ثروت خود را با کمال میل به جامعه اهداء کردند.

برای مثال “موسیو کوئنکا” خود متولد کشور یونان بود و پس از پایان تحصیلاتش در فرانسه برای تدریس به ایران فرستاده شده بود. “مادام برمیمون” متولد کشور عراق بود و پس از پایان تحصیلاتش به ایران آمده بود. بسیاری از آنها خوشحال بودند که سازمان آلیانس آنها را به کشور ایران که فرهنگی زیبا و مردمانی مهمان‌نواز داشت فرستاده است. بیشتر آنها هنگام زندگی در این کشور‌ها تعلق خاطر پیدا می‌کردند و ترجیح می‌دادند که زندگی را در آنجا ادامه دهند.

“مادام کوئنکا” دختر یک سیاستمدار فرانسوی در سفارت فرانسه در ایران بود و دلیل اینکه در ایران ماندگار شد علاقه اش به این کشور و مردم آن و ازدواجش با “موسیو

روزنه ای به دیار روشنایی

A WINDOW TO ENLIGHTENMENT

کتابی بدیع و آموزنده بنام روزنه ای به دیار روشنایی آفریدگار حقایق و هستی در ۳۵۰ صفحه بقلم آقای سلیمان مصاچی تهیه و تنظیم شده و هم اکنون زیر چاپ می باشد و بزودی بدست اهل دانش و علاقمندان کتاب و روشنگران خواهد رسید. این کتاب حاوی مقالاتی انقلابی و سؤال برانگیز و انتقاداتی متعهدانه است که کهنه پرستان (فناطیک) را بزیر سؤال خواهد برد - در عین حال مطالبی دینی و عرفانی را از (تنخ) توراہ نوئیم و کتوبیم و کتاب کتابها (تورات مقدسی) مطرح و مورد بحث قرار میدهد.

جای سپاس و قدردانی است که بسیاری از دانشمندان جامعه مانند جناب آقای ربای ازراخیان، سرکار خانم پروانه صراف، آقای منوچهر امیدوار سر دبیر مجله پیام، آقای دکتر موسی کرمانی، آقای دکتر خسرو الیشمرنی، آقای داود ادهمی و شخصیت های دیگر ادبی و اجتماعی نظرات خود را در مورد این کتاب ابراز داشته اند و غالباً مطالب آنرا ستوده اند. شهامت آقای مصاچی را در ارائه مطالبی که در این روزگار مطرح نمودن آنها نیاز به شهامت و شجاعت و از خود گذشتگی دارد مورد تحسین قرار داده اند.

مطالعه این گنجینه ارزشمند بعنوان روزنه ای به دیار روشنایی

به عموم دوستان و یهودیان جهان توصیه میشود

هر دم از این باغ بری میرسد

تازه تر از تازه تری میرسد

با احترام

ژاک هارونیان - نیویورک



بر سر برادر کوچک که جوان جنگجو و دلیری بود گذاشت و خود به احراز مقام کهانت معبد اکتفا نمود. بدین طریق برادر بزرگ تر پس از سه ماه سلطنت از تخت بزیار آمد. برای تحکیم پیمان صلح، آریستوبول با دختر هورکانوس ازدواج کرد.

لیکن این پیمان هم پایداری نداشت زیرا یکی از محترمین ادومی که در دوره یوحنا هورکانوس مجبور به اطاعت کیش یهود شده و در اثر نفوذ و ثروتش به حکومت سرزمین خود ادوم گماشته شده بود، تدریجاً بر هورکانوس که مردی بی اراده و جبان بود نفوذ یافت و آنقدر نزد وی وسوسه کرد تا بالاخره او وادار به شکستن پیمان با برادر گردید. این مرد آنتی پاتر نام داشت و می خواست با روشن کردن نائره جنگ میان دوبرادر شکست سرزمین خود را تلافی کند. بنابراین شبانه با هورکانوس از اورشلیم گریخت و نزد آرتاس پادشاه عربستان رفت، و با آرتاس وعده پس گرفتن دوازده شهری که حشموئائی ها از عربستان گرفته بودند، قشون پنجاه هزار نفری به کمک هورکانوس روانه اورشلیم نمود. قشون هورکانوس اورشلیم را محاصره نمود و آریستوبول دچار سختی و کمی خواربار گردید. در این محاصره دو واقعه قابل ذکر است:

کمی خواربار بجائی کشید که برای قربانی های لازم عید فصح گوسفند وجود نداشت و آریستوبول تصمیم گرفت از محاصره کنندگان گوسفند و گاو برای قربانی خریداری نماید. در وهله اول هورکانوس، یا در اصل آنتی پاتر، از فروش خودداری نمود، لیکن بالاخره حاضر شد به قیمت گزاف قربانی های لازم را به شهر بفروشد. بدین طریق مردم شهر از بالای یکی از برج های حصار شهر دلو را بریسمان بسته و مبلغ لازم را در آن می گذاشتند و دلو را از دیوار پائین برده قربانی را بالا می بردند. در این بین چندین بار به شهر پیشنهاد تسلیم نمودند و چون آریستوبول حاضر به تسلیم نشد، یک روز که دلو بزیر آمد بجای قربانی پاک، خوکی گذارده

کتاب تاریخ یهود

از: پرویز رهبر

هورکانوس و آریستوبول

متأسفانه این آسایش با مرگ آلكساندرا پایان یافت زیرا نزاع های پسرانش بر سر تاج و تخت پادشاهی موجب جنگ های داخلی و سلب آسایش و امنیت کشور گردید.

آریستوبول پسر کوچک آلكساندرا که جوانی جاه طلب ولی بسیار شجاع بود میدانست که پس از مادرش تاج سلطنت به هورکانوس برادر بزرگتر خواهد رسید. بنابراین پنهانی از اورشلیم گریخت و کمی دور از شهر با دشمنان برادرش که همان صدوقیان بودند بساخت و لشکر انبوهی گرد آورد و در اندک زمانی بسیاری از قلاع اطراف شهر را متصرف شد.

چون مادرش در سال ۷۰ ق.م. بمرد سلطنت به هورکانوس رسید. طرفداران هورکانوس عبارت از فریسیان بودند و در قشون وی عده ای هم از سربازان چریک که در دوره پدر و مادرش خدمت می کردند وجود داشت. آریستوبول چون جای مادر را خالی دید بسوی اورشلیم آمد تا برادر خود را از تخت به زیر آورده خود زمام امور را به دست گیرد. قشون دو برادر در یریحو همدیگر را ملاقات کردند و پس از جنگ مختصری هورکانوس مجبور شد به اورشلیم گریخته در دژ معبد پناهنده شود، زیرا بسیاری از قشون وی به طرف برادر کوچک تر رفتند. آریستوبول وی را دنبال کرده به اورشلیم آمد و دژ معبد را محاصره کرد. بالاخره برادرها از در صلح درآمدند و هورکانوس تاج سلطنت را

در سال ۱۹۴۶ پرویز رهبر، فیزیکدان و محقق، استاد دانشگاه و یکی از نویسندگان کتاب های فیزیک و شیمی برای تدریس در دبیرستان های ایران، کتاب "تاریخ یهود" را نوشته و منتشر کرد. پرویز رهبر با تسلط کاملی که به زبان های فرانسه، انگلیسی، عبری و فارسی داشت جدا از کار های پژوهشی در رشته فیزیک و شیمی و دست یافتن به افتخارات بزرگی در این زمینه، به ترجمه نوشته های بسیاری از نویسندگان غربی به زبان فارسی نیز پرداخت. نام و کار او برای بسیاری از ایرانیان آشنا است.

کتاب "تاریخ یهود" به گفته دست اندرکاران یکی از جامع ترین و بهترین نوشته ها در رابطه با تاریخ یهود و یهودیان ایرانی است که به طور خلاصه گذشته یهودیان دنیا را بررسی کرده است. کتاب دیگر نوشته او به نام "دریفوس و امیل زولا" نیز در زمان چاپ با استقبال فراوان روبرو شد.

مجله "شوفار" با اجازه از فرزندان آن شادروان کتاب "تاریخ یهود" را در قسمت های مختلف این نشریه چاپ خواهد کرد. به امید این که دانش گذشته در تصمیم گیری صحیحی برای آینده، ما را رهنمون شود.

با سپاس از شادروان پرویز رهبر و فرزندان او.

"شوفار"



Pompey in the Temple of Jerusalem, by Jean Fouquet

بالا فرستادند. این امر که اهانت بزرگی نسبت به آئین قربانی و عقاید یهود بود موجب خشم و نفرت مردم نسبت به هورکانوس گردید.

زشتی عمل دومی که از آنها سرزد کمتر از اولی نبود. در میان آنهایی که از شهر خارج شده بودند مرد بسیار مقدس و خداپرستی به نام حونی (همگال) وجود داشت که معروف بود، وقتی در اثر ادعیه و نمازهای او، در موقع خشکسال باران شدیدی بر زمین بارید. محاصره کنندگان حونی را جبراً به اردوگاه خود آورده و به او فرمان دادند که از خداوند پیروزی آنها را مسئلت نماید. حونی قهرآبه زانو درافتاده سر بر آسمان بر افراشت و گفت: "خدای ما؛ تو خود می دانی که محاصره کنندگان و محصورشدگان برادران هم و همه بندگان تو هستند، اینک تقاضا دارم که خواهش هیچیک برای آزار و انهدام دیگری بحضرت مقبول نیفتد" چون پیرمرد دعای خود را به پایان رسانید مردم بروی افتاده او را سنگسار کردند و مرد.

اینگونه رفتار و جنگ های داخلی کشور را به پرتگاه موحشی نزدیک کرد. بلاخره ساعتی فرارسید که عقاب تیز پرروم با سرعتی هرچه تمام تر به میهن مقدس و موروثی اسرائیل رسید و بدور ملت ستمدیده یهود که از رنج هزاران جریحه سوزناک مینالید، به پرواز درآمد و آنقدر کالبد نیمه جان این محتضر را زیر چنگال خود بفشرد تا جسمی سرد و بی جان از آن بر جای ماند.

دولت روم و یهود

در همان مواقعی که شاهزادگان یهود بر سر تاج و تخت و مقام کهنانت می جنگیدند پمپه یکی از سرداران ثلاثه روم دولت سلوکی را شکست داده و آسیای غربی را تهدید می کرد.

سکوروس یکی از افسران پمپه برای جلب نظر سردار روم می خواست مبالغی از سوریه به چنگ آورده بوی هدیه نماید. لیکن آنجا چیزی نیافت. پیش از او دیگران آنجا را غارت کرده بودند. بنابراین متوجه کشور

یهود شد. شاهزادگان یهود او را فرشته نجات تصور کرده هر یک با تقدیم هدایای گرانبها می خواست او را به طرف خود متمایل کند. آریستوبول که بر خزائن شهر دست داشت مبلغ بیشتری برای سکوروس فرستاد و این سردار به آرتاس پادشاه عربستان دستور داد که لشکر خود را عقب کشیده از محاصره صرفنظر کند وگرنه دولت روم رسماً دخالت خواهد کرد. آرتاس، که از اشتها روم آگاه بود، چاره ای جز اطاعت نداشت و راه کشور خویش گرفت. آریستوبول وقت را غنیمت شمرده به دنبال او تاخت و قشونش را منهدم نمود. و خود را از آن پس شاه بی مدعی کشور یهود دانست و در نظر داشت او هم مانند پدرش دست به کشور گشائی بگذارد لیکن در این مدت آنتی پاتر آرام نبود و همواره هورکانوس را برای ادعای سلطنت

تحریک می کرد تا بوسیله او خود زمام امور را در دست گیرد. بنابراین کوشید که توجه سردار روم را به طرف هورکانوس که بازیچه دستش شده بود جلب نماید و حتی پمپه را نیز در این مورد ملاقات کرد. پمپه نزاع دو برادر را وسیله ای برای تسخیر کشور یهود دانست و با آنکه آریستوبول هدیه گرانبها و زیبایی که عبارت از تاکی از طلا با خوشه هائی از زرناب بود، بوی تقدیم کرد، نتوانست سردار روم را از قصد شوم خود منصرف نماید.

سردار روم به بهانه حمایت از دول ضعیف می خواست کشور یهود را به آسانی زیر چنگ درآورد. بنابراین به نمایندگان آریستوبول و هورکانوس گفت برادران شخصاً در دمشق به ملاقات او بروند تا حضوراً درباره آنها واریسی کند و هر که مستحق است به سلطنت یهود گماشته شود.

شاهزادگان گرچه از امر سردار روم بسیار هراسان و منفعل بودند، ناگزیر هردو اطاعت کرده در دمشق نزد پمپه رفتند و هر یک با بیان دلایل خود می خواست حق خود را نسبت به مقام سلطنت اثبات کند. نماینده دیگری که از طرف مردم نزد پمپه آمده بود گفت اصولاً مردم با سلطنت هیچیک موافقت ندارند و بهتر است حکومت به دست خود مردم سپرده شود تا کشور مطابق دستورات تورات اداره شود.

از این مذاکرات نتیجه ای گرفته نشد و چون پمپه در نظر داشت اول عربستان را بتصرف درآورد بدانسوی رفت و چون از آنجا بازگشت با قشون خود به سوی اورشلیم آمده آن را محاصره نمود. هورکانوس و طرفدارانش دروازه ها را به روی او باز کرده سردار روم را با آغوش باز پذیرفتند لیکن طرفداران آریستوبول حاضر به تسلیم ننگ آوری در مقابل قشون روم نشده و آماده دفاع شدند. بنابراین به قلعه معبد رفته و تمام راه ها و پله هائی را که شهر را بدانجا وصل می کرد خراب کردند.

پمپه آن قلعه را محاصره نمود و بالاخره پس از سه ماه جانفشانی و استعمال آلات

مخرب جنگی و بخصوص استفاده از روزهای شنبه، که یهودیان حتی المقدور اسلحه در دست نمی گرفتند، موفق شد حصار قلعه را شکافته وارد آن گردد.

مقاومت دلیرانه یهود و تلفاتی که رومیان در این مدت داده بودند پمپه را به خشم آورده بود و چون وارد شهر گردید بسیاری از مدافعین و مردم بیگناه را بقتل رسانید. قریب دوازده هزار نفر از یهودیان در آن روز کشته شدند. بسیاری خود را از دیوارهای مرتفع به زیر انداخته جان سپردند. سربازان روم از انجام هیچ شقاوتی خودداری نمی نمودند از این جهت عده ای خانه و هستی خود را طعمه حریق کرده و خود را در آتش آن هلاک کردند. در این گیر و دار وحشت انگیز و صحنه های رقت بار کاهنان از انجام وظائف مذهبی خویش غفلت نکرده و در حال تقدیم قربانی ها بی هراس منتظر مرگ بودند.

رومیان بر اینها نیز رحم نکرده همه را به قتل رسانیدند. پمپه خود در قدس الاقداس، همان جائی که هیچ کس حق ورود به آن را نداشت و کاهن بزرگ فقط یک بار در سال بدانجا می رفت، داخل شد تا شکل خدای یهود را که آنهمه توصیف از او شنیده بود و

یهودیان با آنهمه تعصب نسبت بدو وفادار بودند بچشم ببیند. لیکن چقدر در شگفت شد که آنجا را خالی از هرگونه تصویر و مظهری از خدا دید، زیرا منتظر بود آنجا هم سر گاو و یا مجسمه حیوان دیگری را در نهایت احترام پنهان کرده باشند. همین امر نظر اعجاب و احترامی نسبت به آئین و معتقدات یهود در وی ایجاد نمود و به هیچیک از خزائن معبد که سرمایه های هنگفتی در آن نهفته بود دست نبرد. در نتیجه این جنگ کشور یهود بسیار ضعیف، و حصارهایش ویران و خراجگزار دولت روم شد (۶۳ ق.م.).

پمپه سلطنت را از هر دو برادر گرفت و هورکانوس را فقط به کهنات معبد منصوب کرد و آریستوبول را با پسرانش به روم فرستاد. بدین طریق استقلالی که حشمونائیان به قیمت جان خود به دست آورده بودند و مدت یک قرن دوام داشت باز در نتیجه اختلافات داخلی از دست رفت و کشور یهود باختیار دولت روم درآمد. زیرا اگرچه از کهنات اسمی باقی مانده بود، لیکن در حقیقت هم کاهن که مردی بی اراده بود و هم مشاورش آنتی پاتر هردو دست نشانده روم و زیر نفوذ آن دولت بودند.

تسلیت

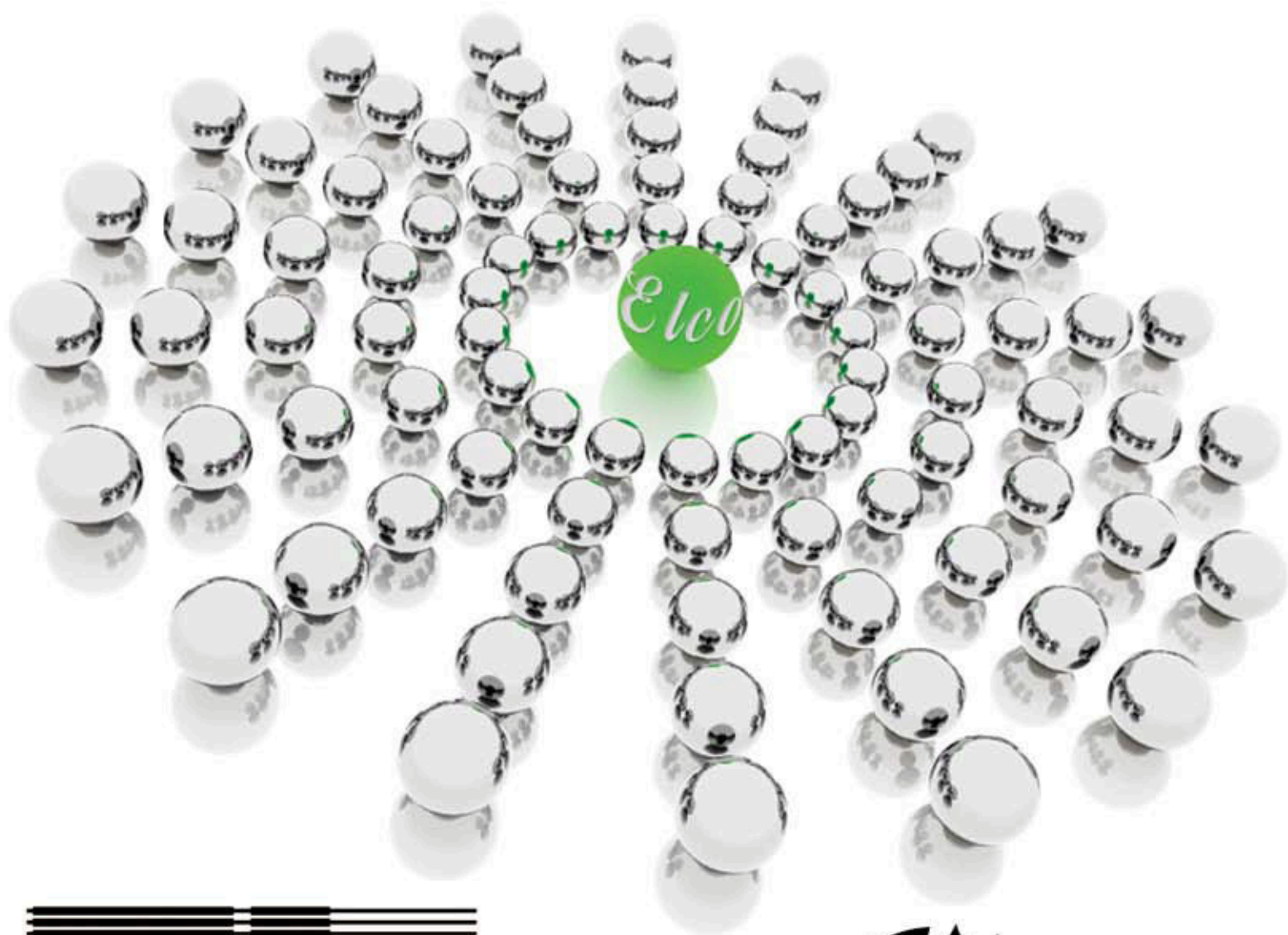
غیر از خدا نیست به جسم تو جان مرده چرا؟ خواب و را برده است رفتن ما اول برگشتن است
از محمود سراجی (شاهد)

قدر خود ای بی خبر از خود بدان
کی گل این باغ و چمن مرده است
گرچه به ظاهر سخن از رفتن است

با تأسف و تألم درگذشت روانشاد مهندس کامیار پزشک را به والدین آن عزیز از دست رفته، خانواده پزشک و کلیه خانواده های وابسته، بخصوص خواهر ایشان خانم مهری طاهری، رئیس سازمان بانوان یهود ایران، تسلیت می گوئیم. به این امید که یاد او همواره نور وجودش را در دل و ذهن وابستگانش روشن نگه دارد.

با احترام:
مجله شوفاژ
رئیس و اعضاء هیأت اجرائی فدراسیون یهودیان ایرانی
رئیس و اعضاء هیأت امناء فدراسیون یهودیان ایرانی

ELCO *Lighting*



الكو

نامی معتبر، شناخته شده
و پیشگام
در صنعت نور و روشنایی



امنیت و آرامش دو عامل اصلی در زندگی انسانهاست

این دو عامل مهم طی بیست و چهار سال گذشته بعنوان ارکان اصلی کانون سالمندان یهودی ایرانی همواره مد نظر بوده است.

مدیریت با تجربه کانون سالمندان با همکاری کادری متخصص با روش های موثر، می کوشند تا والدین محترم شما سالم و فعال سالیان سال خودکفا و مستقل زندگی کنند. نیکوکارانی که به رایگان وقت خود را وقف خدمت به این کانون کرده اند، با عشق و علاقه و پشتکاری باور نکردنی این مرکز را به زیباترین وجه ممکن چنان بازسازی کرده اند که از نظر کیفیت در سطح هتل های پنج ستاره میباشد.

بخشی از خدماتی که در کانون سالمندان ارائه میشود به شرح زیر است:

- نظارت و مراقبت ویژه بیست و چهار ساعته
- تدارک و شستشوی البسه و ملافه ها
- کمک به حمام کردن سالمندان که توان این کار را بقتنهایی ندارند
- آرایش گیسوان و مانیکور
- ویزیت پزشکان متخصص
- سرگرمی های متفاوت و ورزشهای روزانه
- سه وعده غذای کاشر ایرانی با رعایت کامل موازین بهداشتی طبق رژیم پیشنهادی پزشکان
- توزیع دارو طبق تجویز پزشک

Sanders West INSURANCE SERVICES

Providing the **lowest** prices on automobile and homeowners insurance in town!

Combine your home and auto and get up to **15% more savings!**



Fred Golbar
(818) 445-4284
fred@sanderswest.com

agents@sanderswest.com

www.sanderswest.com

CA License# OE67771



Serving the community since 1981.

*Specializing in Commercial Property,
Business Owners & Workers Compensation.*

Fred & Pari Golbar
(818) 789-0722
15231 Burbank Blvd.
Sherman Oaks, CA 91411

Proudly Agents of:



info@guardins.net

www.guardins.net

CA License# B45302

Eden Memorial Park ایدن مموریال پارک

818-326-4040



علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد

همکیشان عزیز،

هنگامیکه عزیزی از دست می رود، بازماندگان همراه با اندوه دست بگریبان مسائل پیچیده بسیاری می شوند. چرا برای آرامش خاطر بازماندگان خود از هم اکنون چاره اندیشی نمی کنید؟ برای اطلاعات بیشتر با آقای شان صداقتی مشاور صدیق و آگاه در ایدن مموریال پارک تماس بگیرید و با انتخاب خود با قیمت ارزانتر و شرایط اقساط خیلی آسان این زمین ها را خریداری کنید.

تلفن: ۴۰۴۰-۳۲۶ (۸۱۸)

کمیته بانوان فدراسیون یهودیان ایرانی امریکائی با همکاری دکتر دوریت هلاوی میلر (روانشناس کلینیکی و تهیه کننده این پرسشنامه) این پروژه را در کوشش برای کمک به جامعه ایرانیان تهیه نموده است.

ما مایل هستیم افکار و احساسات شما را در مورد فرهنگ و جامعه مان مورد بررسی قرار دهیم و از مشکلاتی که توجه شما را بخود جلب کرده اند از جمله فشارهای اجتماعی، اقتصادی و عاطفی که هر روزه با آن روبرو هستیم آگاه شویم.

هیچ نوع اطلاعاتی که باعث شناسائی جواب دهندگان باشد در اختیار کسی قرار نخواهد گرفت و گذاشتن نام اختیاری است تا اطلاعاتی که میدهید کاملا ناشناس بماند. اگر مایل به گذاشتن نام خود هستید، هویت شما بطور کاملا محرمانه در اختیار تهیه کننده پرسشنامه خواهد ماند.

* ۱ موافقت

من موافق به شرکت در این تحقیق هستم و میدانم که آزادم در هر زمان از ادامه آن دست بکشم. من میدانم که اطلاعاتی که میدهم کاملا محرمانه توسط محقق این پرسشنامه در محدوده ذکر شده مورد استفاده قرار خواهد گرفت و از هویت من در انتشار نتایج محافظت خواهد شد. من ۱۸ سال یا بیشتر دارم.

* ۲ اطلاعات شخصی (اختیاری - اما لطفا کد پستی، شهر و ایالت محل اقامت خود را ذکر نمایید)

نام			
شهر	ایالت	کد پستی	آدرس
ای میل	تلفن		

* ۳ لطفا یکی را انتخاب کنید

آقا خانم

* ۴ مذهب

یهودی مسلمان مسیحی بهائی پیرو مذهبی نیستم

غیره - لطفا توضیح بدهید

* ۵ لطفا یکی را انتخاب کنید

سن ۱۸ تا ۳۰ سال	سن ۳۱ تا ۴۰ سال	سن ۴۱ تا ۶۰ سال	سن ۶۱ تا ۷۵ سال	سن ۷۵ به بالا	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	مجرد
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	متاهل
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	مطلقه
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	بیوه

* ۲ سنوالات

۱ لطفا سه خصیصه فرهنگ خودمان را که برای آنها ارزش و احترام بسیار قائل هستید نام ببرید

۲ لطفا فقط پنج مورد از مشکلات فرهنگی مان که بنظر شما از بیشترین اهمیت برخوردارند را انتخاب کنید.

- | | | | |
|--------------------------|---|--------------------------|---|
| <input type="checkbox"/> | عدم تحمل اختلافات مذهبی | <input type="checkbox"/> | مشکلات در انتخاب همسر |
| <input type="checkbox"/> | استفاده از مواد مخدر | <input type="checkbox"/> | افراد جامعه در مورد همه قضاوت می کنند |
| <input type="checkbox"/> | اعتیاد به الکل | <input type="checkbox"/> | همه چیز بیش از اندازه لازم در اختیار بچه هاست |
| <input type="checkbox"/> | بد رفتاری با کودکان | <input type="checkbox"/> | فقدان مسئولیت های جنسی |
| <input type="checkbox"/> | اعتیاد ها بطور کلی | <input type="checkbox"/> | افزایش روابط با افرادی بجز همسر |
| <input type="checkbox"/> | دخالت های پدر و مادر همسر | <input type="checkbox"/> | بد رفتاری همسر - خشونت در خانواده |
| <input type="checkbox"/> | کاهش ارزشهای اخلاقی و اجتماعی | <input type="checkbox"/> | روابط جنسی بدون تبعیض |
| <input type="checkbox"/> | مردم سطحی و ظاهر بین هستند | <input type="checkbox"/> | جوانان بالغ هیچ مسیر مشخصی در زندگی ندارند |
| <input type="checkbox"/> | اهمیت بیش از اندازه به مادیات | <input type="checkbox"/> | گرفتاری فرزندان بخاطر دخالت بیش از اندازه خانواده |
| <input type="checkbox"/> | مشکلات انتقال فرهنگی | <input type="checkbox"/> | احتیاج به تعلق به گروه یا شبیه دیگران بودن |
| <input type="checkbox"/> | فقدان حد و مرز و دخالت در زندگی دیگران | <input type="checkbox"/> | فشارهای مالی یا نیاز به موفقیت |
| <input type="checkbox"/> | سختگیری وسنتی بودن اولیا نسبت بدوستیهای فرزندان | <input type="checkbox"/> | برخوردهای مالی قبل از ازدواج |
| <input type="checkbox"/> | بروز اختلاف بین همسران بخاطر ملاحظات مذهبی | <input type="checkbox"/> | داشتن تمایل به هم جنس در جامعه ندیده گرفته میشود |
| <input type="checkbox"/> | بی اطلاعی اولیا از سلامت عاطفی فرزندان | <input type="checkbox"/> | دخالت بیش از اندازه اولیا در تصمیم و انتخاب همسر |

و غیره - لطفا توضیح دهید

۳ بعقیده شما چرا ما با این مشکلات روبرو هستیم؟

۱	
۲	
۳	
۴	
۵	

۴ دوست دارید چه تغییراتی را در جامعه ببینید؟

--

۵ بنظر شما فدراسیون یهودیان ایرانی امریکائی برای کمک به حل مشکلات فوق چه میتواند بکند

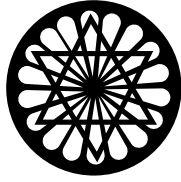
--

۶ شما بعنوان یک فرد جامعه و یا سازمان شما چه کمکی میتوانید برای روبرویی با مشکلات فوق و حل آنها انجام دهید؟

--

۷ هر نظر دیگری که مایلید با ما در میان بگذارید

--



Shofar

A Publication of

Iranian - American Jewish Federation

Spring 2010

Editor in chief

Mojgan Moghadam Rahbar

www.IAJF.org

info@IAJF.org

1317 N. Crescent Height Blvd.

West Hollywood, CA 90046

Tel: (323) 654-4700

Fax: (323) 654-1791

Contributing Writers

Arash Abaie, Farnoush Abrishami, Dr. Firouz Banooni, Nicole Behnam, Eman Esmailzadeh, Ira Farnoush, Shirin Gabay, Dorit Halavi Miller, Farnaz Halavi Galdji, Aalaleh Kamran, Mehrdad Levysedgh, Soraya Pastor, Delila Pouldar, Roya Rahbar Pouldar, Dr. Nahid Pirnazar Oberman, Shireen Oberman, Shirin Raban, Tannaz Kamran Rahbar, Nicole Sadighi, Violet Sassooni, Shahrzad Sayari, Jahangir Sefaghatfar, Farbod Tojarieh, Arta Wildeboer, Michael Yadegaran, Sam Yebri.

Cover Painting by:

Mitra Forouzan

The views and opinions expressed in the published articles, are those of the writer and do not in anyway represent the views of "Shofar" or the Iranian-American Jewish Federation.

Typesetting, Layout, and Design by

Shilla Shakoori
(310) 601-0770

English Section

Editorial /2

Iranian-American Jewish Federation News /3

Our Legacy Project /10

Our Turn /11

The Magic Of Music For The Youth /12

Tips for California Bar examinees /13

"Passover" A Short Film About Holocaust/15

W.O.W.: The Women Of The Wall /16

The Religious Identity of Iranian Jews in the United States /18

Surgical Friends Foundation Extending A Helping Hand/21

Hot, Juicy, Steamy . . . Gossip /22

Man Kiss! /23

Philharmonic Iran/25

Facebook and Foozolee /26

Am I Fat?/27

Dear Sisters /29

For A Moment of Freedom /32

"The Help" By Kathryn Stockett /33

Editorial

A Helping Hand

By: Mojgan Moghadam Rahbar (Editor-in-Chief)

As a volunteer for “Yaran: Iranian Peer Counselors and Advocates,” (a program of Jewish Family Service of Los Angeles), I recently got the opportunity to assist with the implementation of some Norooz related programs at two Los Angeles based homeless shelters. The arrival of spring and the Persian new-year gave us an excuse to share our culture with the shelter residents through arts and crafts, food, presentation of gifts and discussions about the beautiful Persian tradition of renewal and spring.

Unfortunately, with all the turmoil in today’s economy the number of those in need of a helping hand has dramatically increased. Many individuals who regularly help different charitable organization find themselves looking to those same organizations for assistance. Weather giving or receiving help, charitable organizations give us the opportunity to open our eyes to the reality of the world we live in and expand our spiritual and emotional capacity. Without a doubt, our outlook on life as Yaran volunteers drastically changed after attending the programs in the shelters. I am sure that this experience gave a new perspective to our priorities. It proved that all of us will go up and down in the roller coaster of life, and that our whole existence can change

in a matter of seconds without any warning. One day you may be helping the people in a shelter and the next day you may find yourself in one.

During my visit at one of the homeless shelters, I came across a dedication wall where the names of the individuals and organizations who established the shelter were written. These are the humanitarians whose sense of responsibility for their fellow human beings motivated them to go the extra mile and place their time, energy, and financial resources towards such a grand endeavor. Standing next to that wall, I felt humbled and filled with gratitude as I read each of their names. The actions of these individuals reminded me of a short essay written by the contemporary-popular, Iranian-Jewish writer, Nourollah Kharrazi. In his essay called “The Virtuous 36,” from the book “Tears of G-d”, Kharrazi writes: “You may already know about the Judaic belief that informs us of the existence of the 36 Virtuous (Sadiq) individuals on earth. Supposedly, these 36 are the sole reason why G-d does not destroy the entire human race. I do not want to argue the validity of this belief, but what I would like to write about is the conditions and characteristics of it, which have always fascinated me. For starters, these 36 pious

individuals are unknown to us and each other, and they don’t even know that they are part of this chosen club or brotherhood. These 36 don’t belong to a particular community, religion, social class, or belief system. Even more interesting is the fact that the chosen 36 may be rich or poor, learned or illiterate, working or unemployed, famous or nameless; their status in life has nothing to do with their acceptance in this exclusive club. Their membership card is not in their wallet but stamped on each of their foreheads with invisible ink. So, you and I may encounter them any day of the week in a variety of settings and never realize their existence. The 36 are G-d’s favorites and they don’t even know it. These anonymous and pious men and women, the chosen 36, do not wear a medal of distinction, nor have they discovered or invented anything of great importance. Their names do not appear in history books, and no visible light or halo surrounds their person. Of course, some of them maybe famous, rich, well educated or influential, but membership in this particular club does not have any of these requirements. Anytime one of the 36 passes away, the hope is that another virtuous individual will take their place and harmony is preserved. Whenever brutality, corruption and cruelty are too prevalent in the world, it means that the total number of the chosen 36 has decreased to 7 or 8 individuals. As the number of these individuals diminishes the closer we come to the destruction of the world. However, as long as even one of the 36 is alive the All Mighty will keep his promise and will not destroy the world and all of the sinners are saved.”

If we follow the philosophy of “The 36 Virtuous” as Kharrazi explains it, we must recognize

that the chosen individuals are as likely to be among those residing inside the homeless shelters, as they are to be one of those names on the dedication wall or even one of the Yaran volunteers. I must confess that my belief of “The 36 Virtuous” is a bit different than that of Kharrazi. I believe that a sense of piety and virtue exists within each of us and we only need to tap into it, awaken it, and nurture it. Perhaps today more than any other time in the history of mankind, we need to activate the “Virtuous” within us. To know that there are those among us, who extend a helping hand without the desire for power or fame but only for the sake of assisting others, gives me hope. Fortunately, within the Iranian community (despite all of our flaws), there are those whose

pious characteristics are conscious and active. Living a life in service to others is often taxing on ones emotional, financial, and personal life. And more often than not, the work you do goes unacknowledged and under-appreciated. So what motivates the faceless and nameless “Virtuous” to continue on their path? I suppose anytime the flame of compassion is ignited within us we no longer have a choice. Like it or not, we become one of the “chosen” with our “membership cards stamped on our foreheads with invisible ink.” More than anything else, the “Virtuous” recognize the virtues that exist within each human being and that awareness allows them to continuously expand their own hearts and live more fulfilling lives.

In conclusion I would like to extend my appreciation and best wishes to two such individuals within our community. Manouchehr Nazarian, whose efforts as the President of IAJF’s Executive Board during the past four years, has had significant positive impact within the organization as well as the community. And Shahla Javdan, a true humanitarian and the first woman elected to the position of the President of the Executive Board, who will start her term in April of 2010.

With the arrival of spring and the re-awakening of nature, I hope that all of us will be able to awaken the “Virtuous” within us and make this a world worth saving.

Correction & Clarification

In the last issue of Shofar (Fall, Winter 2009, #164) an article was written about the IAJF’s Health and Wellness Committee’s Diabetes Seminar titled “Diabetes Today”. The article addressed the new advances made on the disease by different groups as well as new research done at the City of Hope by Professor Samuel Rahbar. In the section referring to the LR compounds, the name and significant research done on the subject by Professor Iraj Lalezari, the renowned Iranian organic chemist was omitted. Shofar would like to correct this omission by emphasizing that the “LR Drugs were synthesized by Professor Iraj Lalezari and investigated by Professor Rahbar for prevention of diabetic complications.” The editor and staff of Shofar magazine would like to extend their apologies to Professor Lalezari and Professor Rahbar for this oversight.

Volunteers Needed

The Iranian American Jewish Federation is looking for volunteers willing to share their time, creativity, and specialty in order to serve out community.

For more information please call Farnoush Abrishami at 323-654-4700

IAJF News:

Rekindling Of Faith Women Division's "Adult Bat Mitzvah Celebration"

Pictures: Shahrokh Sappir



Ladies who participated in the Adult Bat Mitzvah Ceremony and Women's comm. Members

The warm feeling shared with all the ladies; mothers and grandmothers, sisters, and friends; who had the pleasure of becoming Bat Mitzvah on Feb 20 at Iranian American Jewish Center's synagogue, was indescribable. Over 350 people gathered to celebrate this ceremony with the participants.

The participants took advantage of condensed classes, provided by Dr. Nourmahmoudi and assisted by Farzaneh Farnoush. Some of the participants included: Mrs. Mary Paykar, Mohtaram Kohan Sina, Ms. Jantil Bakhordar, Mrs. Zohreh Lalehzari and her mother Mrs. Akhavan, Ms. Jilla Melamed, Ms. Delaram Ramin, Mrs. Marcelle Kohanim Shirazi, Mrs. Soraya Melamed, Mrs. Mitra Yaghoubieh, Mrs. Giti Ebrahimi and Mrs. Vicki Darvish.

Mrs. Zohreh Lalehzari the event's MC as well as a participant, along with her Mother, and her beautiful speech about the role of women in Judaism added charm and knowledge to this spiritual and emotional event. Other speakers included Dr. Nourmahmoudi, the synagogue's coordinator, who spoke about the value of women in Judaism; Jantile Bakhordar, one of the participants, who spoke about the meaning of Bat Mitzvah; and Mrs. Shahla Javdan, IAJF's Women Division's chair, who after thanking the committee, spoke about the significance of becoming Bat Mitzvah as an adult and reconfirming our own choosing of our faith as a mature person. .

Sharlene Natan, granddaughter of the late Ebrahim Shamouilia, did a magnificent job of reading the

"Haftorah", and Debbie and Nicole Farnoush's mesmerizing reading received much applaud. Amongst the guests present were some of the participants of Federation's "The Dream trip to Israel" who became Bar/Bat Mitzvah in front of the Kotel and on top of the Massadah Mountain.

Four books were presented to each participant which included: "The generations of the Jewish Nation" By Gaddy(Bahram) Aghalarpour, " The prosecution of Adolph Ishman" By Mr. Moussa Sabi, "The guide to happiness" poems of prayer written by Jamshid Kashfi, "Translation of the Torah in Simple Persian" arranged by the late Azizolah Berjis donated by the Moghadam family. A beautiful and elegant reception followed the ceremony.

For those who are interested the date of the next Group Bat Mitzvah celebration will be announced in Shofar and via the internet. Those interested can get more information by contacting the Federation's office at 323-654-4700 and ask to be put on the list of ladies wishing to take the lessons and become Bat Mitzvah.

The Committee members who assisted us in this event were: Vicki Darvish, Lida Ebrahimian, Shahla Ebrami, Farzaneh Farnoush, Haideh Herbert aynehchi, Shahnaz Kerandian, Sima Kohanzadeh, Violet Sassoni, Nadereh Soliemani jam, and Jilla Yousefi.

One of the younger ladies who participated in this event said: "I feel this experience has granted me a new beginning in life." Our 91 years young Bat Mitzvah lady with tears in her eyes commented: "This joyful event was a long awaited opportunity that I had dreamed about for a long time. I love the Federation and Women Division for including me in this celebration."

IAJF News: Women's Health Day 2010

Pictures: Shahrokh Sappir

On Sunday January 24, 2010, IAJF's Health and Wellness committee presented its second annual Women's Health Day Fair. The focus of the event was living in a Green and environmentally friendly house and featured the Healthy Home Expo. Over 2000 people participated in the program throughout the day, which was free and open to the public.

Over 50 vendors presented their environmentally friendly and Green products, healthy food booths, wellness information booths, and

gift and jewelry boutique. Free on site mammograms were offered to qualifying individuals, and six health seminars for women were scheduled and presented in one of the rooms at the IAJF Center. In order to encourage the use of recycling, free re-useable eco friendly bags were handed out to the visitors by the committee members.

The fair opened at 10 AM and continued until six PM. The seminars started at 10:30 AM and included: An over view of women's health, "What Every Woman

Should Know about Her Health" by Bahar Sedaratin Oliaie M.D., Board Certified Internist and medical school faculty member; "Eating Disorders" by Erin Naimi, registered dietitian; "Healthy Homes, Healthy Families" by Salar Niku ph.D; "Spirituality and Physical Health", by Flora Zomorodi psy.D; "Healthy Planet, Healthy People", by Shawn Fazeli; "Cancer Awareness, Breast Health" by Sylvana Martino M.D.; "Colon and Lung Cancers" by Nader Javadi M.D.; "Reproductive Tract Cancers" by Sanaz Memarzadeh M.D. ph.D.; "Menopause, Understanding the Inevitable change", by Peyman Banooni M.D.; "Menopause and Female Sexual Dysfunction" by Kamran Broukhim M.D.; "Psychology of Sexual Dysfunction", by Parvaneh Zia ph.D.

On April 18, the Health and Wellness committee will be presenting "Mutual Respect", a seminar on mental health with the participation of experts in the field of mental health.



*Booths at
Healthy and
Green Expo*

IAJF News: The Health and Wellness Committee 2008-2010

By: Shabnam Kimia (IAJF's Health and Wellness Committee Chair)

Pictures: Shahrokh Sappir



Standing from right to left: Mojgan Moghadam, Joseph Yahid, Roxana Rastegar, Dr. Manouchehr Yashari (committee advisor), Gazelle Rastegar

Sitting from right to left: Doctor Marjan Banooni, Elahe Broukhim, Shabnam Kimiabakhsh, Shahla Javdan, Rosa Navie, Doctor Shadee Toomari

IAJF Health and Wellness Committee was established in June of 2008 with the mission of contributing to the wellness of our community. The committee has sought to achieve its goal mainly through educating the public on various issues that impact the health and wellness of individuals and families.

The very first event held by the Health & Wellness Committee was "Women's Health Day", a fair with six seminars, information booths, free mammograms, an art exhibit and shopping and it attracted a large crowd of visitors from all over Los Angeles. The success of the first "Women's Health Day" and the public's demand led to the second "Women's Health Day" held on January 24, 2010. This event in addition to offering health seminars and on-site free mammograms included a "Healthy Home Expo"

with over 50 booths of Green and Healthy products and services.

"Planning a Healthy Family", a conference on topics of contraception, pre and post natal care, advanced treatments of infertility and genetic testing was co-sponsored and held at Sephardic Temple in April of 2009. One of the strategies of the Health and Wellness Committee has been to build strong relationships with other non-profit organizations to better serve the health needs of our community.

In July of 2009, the committee sponsored a half day conference on various medical issues of importance to men's health followed by a collaborative effort with Jewish Family Service of Los Angeles for "Active and Healthy", a resource fair for senior adults and people who care for them. "Diabetes

Today" was a very informative seminar about type two and one diabetes, diagnosis, prevention and medical advancements in dealing with the disease, that was held in December of 2009, over 400 people enjoyed the lectures and question and answer segment with prominent experts in the medical field relating to diabetes.

"Awareness and Acceptance", a bridge to a better life, held in October of 2009, was a conference by mental health experts on the impact of life circumstances on the emotional well being of individuals, families and the society. Based on the feedback from the audience that attended "Awareness and Acceptance" conference the committee will hold its last seminar of the current executive board on the topic of "Mutual Respect", healthy relationship between parents and their adult children on Sunday, April 18, 2010. Co-sponsored by 30 Years After, a non-profit organization with members from the younger generation, his seminar will address two, possibly three generations of Iranian-Americans and will be presented in Persian and English with a segment dedicated to the delicate and complex mother-daughter in-law relationship.

IAJF Health and Wellness Committee is comprised of a dedicated team of volunteers and advisors. All of the committee's programs are free and open to anyone who would benefit from them. All the presenters and speakers of the events held by this committee have generously donated their time and knowledge for the benefit of our community. The budget for the programs of the Health and Wellness Committee comes from direct contribution of sponsors and donors for which the Health and Wellness Committee and the Iranian-American Jewish Federation are extremely grateful.

IAJF News:

IAJF's Emergency Fund

By: Iraj Shamoulian (Emergency Fund's Committee Chair)

The Iranian American Jewish Federation's Emergency Fund, was established in 1993 by to act as a last line of support for those in need. Since its inception the Emergency Fund has raised significant amounts of donations and has virtually distributed all of that money with very little administrative overhead. Some situations where The Emergency Fund has helped those in need are:

- Aid with rent payments
- Assistance with Medical Bills
- Assistance with food, and shopping, with a major focus on high holidays and Pass Over
- Legal aid to help stop evictions
- Help in many other aspects of the law
- Providing burial lots at low cost & at no cost for the needy
- College and in some special cases

school tuition

An example of what Emergency Fund has done: We were told of a homeless, young mother who lived on the streets of down town Los Angeles with her two children. Immediately an apartment was rented for this family and they moved into the new home, the Fund paid for the first six months of her rent and with the help of other charitable organizations she is receiving training to find a job. Also, a number of burial lots have been purchased in Eden Memorial Cemetery at different locations which can be purchased at reduced rates for those who need help with the standard cost of burial services.

The Emergency Fund plants trees in Israel with a donation made in honor of any individual. For instance, as a gift for the person who

has everything, rather than sending flowers which only last a couple of days, one can plant some trees in their name and provide them with a beautiful plaque in their honor by making a donation through the Emergency Fund. All the members of the Emergency Fund are volunteers, our team welcomes you to attend the meetings, and call or write us about how we can improve our services to the community.

Unfortunately the Emergency Fund receives multiple requests for financial aid on a daily basis. Today, due the breakdown in our economy, many families who used support our services are reaching out to us for help. As a result supporting the Fund is more important than ever. This year the Emergency Fund has been inundated with requests for help. As such, your assistance is vital in allowing the Emergency Fund continue its work. We are asking you to help us by giving a tax-deductible donation to the Emergency Fund in whatever amount you can afford to pay. Any donation amount is truly welcomed. For more information or suggestions please contact 323-654-4700 or you can directly mail your donation to: The Emergency Fund
Iranian American Jewish Federation
1317 N. Crescent Heights Blvd.
Los Angeles, CA 90046

IAJF News:

IAJF's New Leadership

April 2010 marks the end of Manouchehr Nazarian's second term as the elected President of the Iranian American Jewish Federation's board of directors. As

a result an election was held in the meeting of IAJF's board of directors on Wednesday March 19 to elect the new president of the organization. In an overwhelming show of support

from the members of the board of directors, Shahla Javdan, the chair of IAJF's women's division during Nazarian's presidency, was elected as the next president of the

organization's executive board. This is the first time in IAJF's thirty year history that a woman has been elected to this position.

Manouchehr Nazarian was elected as the president of the executive board four years ago, and was re-elected by the members of the board of directors for a second term. According to the bylaws of the organization each individual can serve only a maximum of two terms as the president of the executive board. Under Nazarian's leadership in the past four years, the Federation has undergone many changes and improvements. The inside structure of the organization has been greatly improved to match the advancements of the 21st century, and the Iranian American Jewish Center has undergone many improvements as well. Together with the members of his executive board, Nazarian has brought the Federation forward in many ways and has helped the advancement of the community at large.

Shahla Javdan has an impressive track record of working with and leading different non-profit and social organizations in New York as well as California. Her efforts as the chair of IAJF's women's division have had a great impact on the advancement of the organization as well as the community. In her acceptance speech for the said position, Javdan, identified some of her goals for the upcoming term. A short summary of the goals and vision of Shahla Javdan, as the new president of the executive board, are printed below.

A Community United to Serve, My Vision for IAJF

An excerpt from Shahla Javdan's acceptance speech at the meeting of the Federation's board of directors:

1. To create more unity between all Iranian Jewish organizations in order to have a united voice for Iranian American Jewish Community.
2. To identify the most pressing social issues facing our community, especially those problems threatening the welfare of our families and our youth.
3. To expand our public Relation to a cutting edge committee with the goal of separating the myths about the Federation from the reality, and familiarizing our community with the numerous services the Federation offers.
4. Parking: Finalizing the efforts of the executive board in obtaining the permit and building of a new parking structure.
5. Improving the finances of the Federation.
6. Gathering community support for the informative and valuable Shofar Magazine, so it would be financially self sufficient.
7. Youth: Our youth are our future! Therefore we must have our younger generation become heavily involved with the leadership, running of the Federation and decision makings about our future. The legacy we leave behind for the next generation must be the unequivocal unity amongst us.

8. Continuation of our Health and Wellness Committee efforts, in addition to creating a need assessment committee.

9. Setting up a Community Calendar on the Jewish Federation's Web site, informing all organizations of each other's scheduled events. This will eliminate the booking of events on the same date with a click of mouse.

10. Making sure that the Federation's office is familiar with every and all services available to the community acting as an Encyclopedia of services offered by all our organizations as well as governmental services.

11. To create a volunteer force with specialty in all professions.

12. Our Federation must become empowered to be the first and last resource for all Iranians. The social influence of our Federation must increase and we must become well recognized by all governmental offices, so when one member of our community is in need, we can immediately contact the related authorities and obtain the needed information about their whereabouts.

This power of unity will enable our Federation to be serving as our address and our voice and to serve as the defender of the rights of every one in our community here, and all around the world.

IAJF News:

A Community United to Serve Women Division's 2008-2010

By: Shahla Javdan (IAJF's Women Division's Chair)

The main goals of the IAJF, Women's Division has been to identify the most pressing social issues facing the Iranian Jewish women in our community, especially those threatening the welfare of our families and our youth; to create unity between all Iranian Jewish women organizations and to join each other toward implementing corrective steps for the above identified issues; and to create a united voice for Iranian American Jewish Women

Our other activities included circulating petitions in support of expanding the Federation's Parking lot. Over one thousand signatures were gathered. Legislative bills affecting some preventive issues were supported: such as ignition interlock; and a petition regarding general usage of Automated External Defibrillators in all high schools and public buildings are in the works.

Some of the programs and activities of the Women's Division in the past two years have included:

Questionnaire: With the help of Dr. Dorit Miller we have created an in depth community wide survey "to get to know ourselves better". Our hope is that comprehending the result of this survey would enable us to create better harmony between our treasured past and the brilliant promise of the future. Most importantly, to recognize what is hurting our community and how we can better our world. With the

Electronic -survey (E-mails) and the hard copy, we are aiming to reach around 5000 people.

Honoring Mr. and Mrs.

Elias Eshaghian: In a gala in June 2008, shortly before his passing, the life and distinguished services of a leader of our community, Mr. Elias Eshaghian was recognized and celebrated.

Gathering the Leaders of Organizations: On Sept 23rd 2008, in a warm and memorable gathering, Women Division brought together more than 150 women leaders of varied Jewish organizations affiliated with the Federation. We applauded each organization's achievements, became more familiar with their services, and created a bond that enabled us to form a united voice for Iranian American Jewish Women. Two other such gatherings followed this one. In each of these events we invited panels of experts to address our guests and analyze the issues facing our community.

A Night with Alireza Maybodi: On February 26, 2009, about 1000 people attended an unforgettable evening of poetry and informative discussion, free of charge, with the popular poet, news analyst, writer and radio personality Mr. Alireza Maybodi. He spoke about "The Future of Middle East."

A Family Mission Trip to Israel: A family trip to Israel planned by the Women's Division, from October 8th to 20th 2009, became the true Dream Come true

trip for most of us, rekindling our love for our spiritual home land. The gentlemen in the group had a unique opportunity to become Bar Mitzvah in front of the KOTEL, and the ladies had the dream experience of becoming Bat Mitzvah on top of the Massadah, where we could feel the incredible history of our spiritual homeland.

Visiting Our Senior Citizens: Members of Women's Division visited Sharon's Health Care Center, and spent a festive day with its residents. Entertainment was provided, free of charge, by the popular singer Anayat.

Disaster Relief for Haiti: Women's Division was able to raise a considerable amount of funds for the victims of Haiti. These funds will be channeled through Magen David Adom. Along with receiving a beautiful plaque of appreciation from MDA, we were assured that one hundred per cent of this money will be given to the victims.

Group Bat Mitzvah Celebration. An adult Bat Mitzvah celebration was planned for those Iranian Jewish Women who did not have the opportunity to have the ceremony as a youngster. The ceremony took place on Feb 20, 2010 at The Iranian American Jewish Center's Temple. Our candidates were so excited and eager to learn more about Judaism that they have requested Dr. Nourmahmoodi, our teacher and coordinator of the temple, to continue these classes even after the Bat Mitzvah ceremony.

All the members and volunteers of the Women's Division would like to sincerely thank Manouchehr Nazarian, IAJF's President, and Dr. Kamran Broukhim, Chairman of the Board, all the members of the IAJF Executive Board and the staff for their unconditional support helping hand. We dared to dream the dream and you allowed it to become reality.

Our Legacy Project

By: Eman Esmailzadeh and Sam Yebri



This past December, 30 Years After launched “Our Legacy Project,” an unprecedented community-wide endeavor to commemorate and preserve Iranian Jewish history by connecting the future of the Jewish people with the legacy of their past.

Each of our families has compelling stories about the Jewish experience in Iran. We have heard them at our Shabbat tables. Some saw loved ones arrested and imprisoned as political prisoners. Others fled across borders like nomads on the backs of donkeys or camels. More escaped the Islamic Republic as political refugees in search of safety and opportunity. Yet, these stories of sacrifice and courage that sustained our community have never been fully told in a public fashion.

30 Years After strives to document these historical stories before they disappear from our community’s collective memory. Our Legacy Project is a unique venture to tell an entire Jewish community’s history through

videotaped stories and interviews conducted, collected and organized by the community’s youth and young leaders.

In just two months, the project has collected over 100 videos in categories ranging from the “Exodus from Iran”, “Life During the Revolution”, “Relations with Non-Jews”, and “Traditional Jewish Life in Iran”. The stories have been captured in both English and Farsi in order to cross generational boundaries. Videos are available for all to view at www.OurLegacyProject.org. This YouTube-like website enables the community to easily upload brief (five minutes or less) videotaped stories directly on the website.

Our first videotaping day at Nessah Synagogue in December 2009, at which dozens of individuals shared their stories, will be repeated at synagogues and senior centers throughout Los Angeles. In the upcoming year, we also plan to expand the project to other major Iranian Jewish population centers, including New York and Israel.

This will help the Project develop a comprehensive picture of Jewish Life in Iran.

One end goal of Our Legacy Project is to share our community’s most vivid and interesting stories as part of a video documentary that can be seen in homes across the globe. In the process, we hope all Iranian Jews – young and old – will develop a better understanding of the Jewish experience in Iran and an appreciation for how our Jewish values and identity sustained our community.

If you are interested in helping 30 Years After with this new and exciting endeavor, please e-mail us at ourlegacyproject@30yearsafter.org. To view the interviews please visit www.OurLegacyProject.org for more information.

READ SHOFAR ONLINE

You can now read
all issues of
Shofar Magazine
On line
at

www.IAJF.org

By clicking on
Shofar Magazine

30 Years After: Our Turn

By: Michael Yadegaran*

“Well-established and longstanding Iranian Jewish organizations are, and continue to be, highly motivated and effective in the fields of immigrant support, philanthropy, and social services. The one sector that they have never successfully tackled is politics.”

Growing up, I listened in utter disbelief as different members of my family recalled the hardships they endured as political refugees fleeing a country so deeply entwined with our history as Iranian Jews. It seemed to me that nothing I ever did could match the sacrifices my family, and thousands of others made, in order to plant the roots for myself and my fellow first-generation Iranian Jews in America. Our families instilled in us values that emanated from a traditionalist society, some of which serve as a collective annoyance to us youngsters, but in hindsight provided us with a head start in life. Arguably the most important advantage we have been given is our community's emphasis on leadership and success.

The countless hours studying, the expectations of a degree from no less than UCLA, and the necessity to maintain a positive name for our families levy a burden on us college-aged members of the community. With the outburst of creativity and leadership from my generation in recent years, these societal pressures have fostered a thirst

and ambition among young Iranian Jews that many of my American contemporaries lack.

One such bright spot has been the establishment and sustained impact of an organization that I am proud to be a part of: 30 Years After. Over the years, Iranian Jews have established themselves as philanthropists in America. However, our political activism rarely reached beyond the occasional campaign contribution. The establishment of 30 Years After brought to our community a highly organized and determined grassroots Iranian Jewish activist organization, unprecedented in our thirty years in America. A leading factor that has led to 30 Years After's ability to galvanize the community and stir up interest in civic action has been the infusion of young blood into our community organizing work.

Well-established and longstanding Iranian Jewish organizations are, and continue to be, highly motivated and effective in the fields of immigrant support, philanthropy, and social services. The one sector that they have never successfully

tackled is politics. Much of the previous generation, disenchanted with the state of political affairs and fearful of being politically active in Iran, did not have the desire or motivation to enter the political arena.

With the entrance of an Iranian Jewish organization in the United States whose narrow focus is political participation and civic action on a community-wide level, we are in the midst of a movement that has the potential to extend its influence over local and national politics in the near future. Members of 30 Years After's Board of Directors, have testified at local and state hearings in favor of state legislation that would divest California and Los Angeles pension funds from companies doing business in Iran's energy sector. Leading Jewish organizations consistently partner with us on events and programs. We have registered hundreds of new voters and educated our community on different political and social issues.

Starting from mixers and transitioning to substantive, activism-based events, 30 Years After is striving to be the necessary vehicle to give Iranian American Jews the political clout we deserve. It is now up to our community to stand behind us and give meaning to the work we do.

*Michael Yadegaran is a Junior at the University of California, San Diego pursuing a B.A. in History with an emphasis on Near East Studies, he is currently at Tel Aviv University in Ramat Aviv, Israel. To learn more about 30 Years After please visit www.30YearsAfter.org.

The Magic Of Music For The Youth

By: Shirin Raban



Los Angeles Youth Orchestra performing and Disney Hall

February 28 has been declared “Youth Orchestra Day” by Bill Bogaard, the Mayor of Pasadena, and the L.A. City Council. On this day and throughout the Spring Season young boys and girls who are members of the “Los Angeles Youth Orchestra” perform concerts in different venues. Two years ago these children had the honor of performing at the Disney Concert Hall alongside three other orchestras chosen to perform. As a Board Member of the Los Angeles Youth Orchestra and an Orchestra Mom I was thrilled to be a part of this wonderful event and have my children participate in it. This orchestra was started at the Stephen S. Wise Temple and is now considered to be one of L.A.’s

finest youth orchestras reaching out to over 60 schools citywide.

Music has always had a very special place in my heart. I remember back in Elementary school in Iran, music was my favorite class. Our teacher was Mr. Pourtorab, a member of the Talar Roudaki, he would come in with his accordion and a big grin on his face. We loved to sing with him and forget about all the academic subjects we had to study so hard for. I still use his name as my favorite teacher in online questionnaires!

Those days seem to be worlds away, but being involved with the Youth Orchestra has brought the same friendly environment back to my life. The vitality and energy these concerts bring to our lives

are invaluable. My kids have been playing string and wind instruments for several years. Playing alongside professional musicians, following the conductor’s every move, and paying attention to their peers as they read and perform the music has turned them into mature, compassionate, and responsible individuals. They also get to premiere new music since Dr. Russell Steinberg, the conductor and founder of the orchestra is a classical composer. The consistency of attending weekly rehearsals and having their coaches and the conductor as incredible role models has given them a unique opportunity to attain perseverance, hard work, strong character, and team-work as well as community leadership.

Being an Orchestra member has played a significant role in the university acceptance of those students who have been a member of this or other music groups, both for music and non-music majors. Our orchestra participants are attending such fine schools as Julliard, Johns Hopkins and Cornell. It is an added benefit that University of California accepts The L.A. Youth Orchestra as an approved high school visual and performing arts course. The four youth orchestras that played Disney Hall two years ago came together at Pasadena City College on February 28 of this year. The program included individual concerts and the very first combined concert with all 350 musicians on stage for a World Premiere of “The Net of Indra”, composed by Dr. Steinberg for this special event.

I urge you to come to our spring concerts and witness the magic for yourselves. For more information please contact (310) 571-LAYO or www.LosAngelesYouthOrchestra.org.

TIPS FOR CALIFORNIA BAR EXAMINEES

By: Joseph F. Tojarieh*

“The Bar examiners will try to rattle you. You are likely to encounter questions to which you will not know the answers. But through it all, maintain your cool, give your best shot, and fight through.”

The California Bar: it’s nasty, brutish, and long. The entire exam is approximately 18 hours and spans over the course of three consecutive days. It consists of 200 multiple-choice questions, six essay questions, and two performance exams (which are designed to test your native intelligence and real-world lawyering skills in a closed universe of fictional law and facts). On average, no more than 60% of examinees pass the July Bar, and

stages of the Bar and, ultimately, conquer it.

1. Initial Considerations

The first thing you will need to do is submit your moral character application, since it takes months to process, and you cannot be admitted to the practice of law in California without a determination of your good moral character, even if you successfully pass the Bar. Ideally, you should submit your application



the pass rate for the February Bar is even lower.

With that said, you should know that the Bar is, in fact, very “do-able.” Below are a few tips to help you navigate your way through all

in fall of your last year of law school.

Next, you will need to select your testing center. Be sure to select your testing center the very first day registration opens. Even some of the

testing centers that accommodate thousands of examinees reach capacity within the first day or two that registration opens. Don’t make the mistake of waiting too long.

2. Choosing a Bar Prep Course

Select your Bar prep course wisely. There is no magical formula for determining which course will work best for you. However, there are a couple things that every Bar prep course should offer to be effective. First, keeping in mind that the Bar is a closed-book exam and encompasses over a dozen subjects, the course you choose should offer sufficient time—at least three weeks—between the completion of the course and the Bar for you to review all the information you have learned. In the few weeks before the Bar, it is far too late to have an instructor bury you with more law. By this time, you should simply be reviewing.

Second, make sure the course offers enough practice questions for all three components of the Bar. A serious mistake some courses make is not giving students sufficient practice with the performance exams, which amount to 26% of your overall score. If you are stuck with a course that doesn’t offer help with performance exams, print some sample performance exams from the State Bar Web site and do them on your own.

3. Studying For the Bar

After you have decided which course to take, it is important to develop an effective study routine, while balancing your friends, family, and health. For the most part, you will have to suspend your social life, though you should take occasional weekend outings with friends and family in the first month of studying for the Bar. You should, however, exercise daily to help you stay focused and alert.

It is also important to keep a positive and confident attitude. This crucial tip is often underemphasized. While studying for the Bar, you will surely feel overwhelmed with your studies and wonder why you ever decided to go to law school in the first place. But stay upbeat.



<http://trendsupdates.com>

Remember that everyone feels the same way you do, even if they don't admit it. I remember when my sister was studying for the Bar, she put smiley faces on her books to keep her spirits high.

4. Taking the Bar

If there's one piece of advice you take away from this article, it should be this: no matter what happens during the Bar, stay calm and in control. The Bar examiners will try to rattle you. You are likely to encounter questions to which

you will not know the answers. But through it all, maintain your cool, give your best shot, and fight through.

Also, you should pack your lunch. Break time is precious during the Bar and many testing areas have

thousands of examinees, which can cause an influx of people into the local restaurants. Plan ahead and avoid the hassle.

Finally, I highly recommend against handwriting your exam, though some encourage it. I used the cut-and-paste tool countless times while taking the Bar, so I would have been at a huge disadvantage had I handwritten my exam. Every person is different, but those are my two cents.

5. After the Bar

After the last day of the exam, you will feel exhausted yet profoundly relieved. It will be about four months before the results of the exam are released, and there is practically nothing you can do to change what happened during the exam.

Clear your mind, treat yourself well, and enjoy what's left of your summer. I look forward to congratulating you on becoming a member of the prestigious California Bar.

* Joseph F. Tojarieh is an attorney in Los Angeles. He may be reached via e-mail at jft@tojariehlaw.com.

Writers & Reporters Wanted

Shofar Magazine is looking for energetic enthusiastic individuals who would be interested in submitting feature articles, short stories and attending different social events within the community and reporting them for publication. A press pass will be issued to those who qualify.

For more information please contact:
MMRAHBAR@AOL.COM

view Shofar online at : www.IJAF.org, click on Shofar Magazine

“Passover” A Short Film About Holocaust

“This short film demonstrates the exceptional professional capabilities of students at the U.S.C. School of Cinematic Arts.”



Film maker Jasmine Daghighian



An actor in the short film Passover

“Passover” is a short film produced, written and directed by Jasmine Daghighian, an undergraduate film student at the prestigious University of Southern California School of Cinematic Arts. The film tells the story of Johnn, a Jewish man disguised as an Aryan during World War II, who struggles with his identity as a Jew until he finds hope in the most unlikely of places. This glimmer of hope leads him to discover another Jew in hiding, who he had previously disregarded throughout the film. The film premiered this past fall to a packed audience in the Norris Theater at the University of Southern California.

Daghighian, a senior at USC, explained: “I knew going into the semester that I wanted to do a personal film that touched on issues of Jewish faith during the Holocaust. After months of research into stories and testimonies told by Holocaust survivors, I knew that I had to do a film set in that time.” Daghighian, whose parents immigrated to the United States from Iran, was raised in Los Angeles and maintains strong ties to the Jewish community. She is currently employed as a film editor at the U.S.C. Shoah Foundation Institute for Visual History and Education, a nonprofit organization established by Steven Spielberg in 1994, in order to document and record the testimony of holocaust survivors.

“Passover” demonstrates the exceptional professional capabilities of students at the U.S.C. School of Cinematic Arts. The short film comprised an ambitious project; being a period piece, depicting World War II Germany while tackling a sensitive subject matter. The film introduces, up and coming actors Chris Roessner and Lauren Miller. It was shot in 16 millimeter film and edited digitally at the School’s editing facilities. Daghighian is currently producing her final work at the U.S.C. School of Cinematic Arts called “Silence is Golden”, which premieres May 14th.

Point of View:

W.O.W.

The Women Of The Wall

By: Tannaz Kamran Rahbar



“At the world famous Wailing Wall, women are required to pray quietly in a corner, so their voices are not heard”

The women of the Wall have been violently attacked, hit with chairs, spat on, hit, and even had feces thrown at them. Many have been arrested and may face up to seven years in prison. Who are these women? What crimes have they committed? Where is this all happening? You may find it hard to believe that this is all taking place in the city of Jerusalem.

These women are actually devout Jews ‘praying’ at the wall. They are persecuted for ‘Davening’”. Tragically, their crime is that they sing and pray “out loud”, wear

a “Tallit” while praying, and according to the Orthodox leadership in Israel, both these acts are against the Jewish Halakhah. Some call these women ‘prophetesses’, as they are challenging the times. This movement started in 1989, during the Intifada. W.O.W. is a group of Women who want to daven and sing their prayers out loud, at the Wall, in order to establish their own relationship to G-d in their own way. However, there are a few extraneous issues around this movement that have created a legal and humanitarian nightmare for all

involved.

At the world famous Wailing Wall, women are required to pray quietly in a corner, so their voices are not heard. They are also expected to be modest in dress. I find it hard to believe that in a democratic, egalitarian country like Israel, women are being treated this way. Did not the women stand side by side with the men to build this country from some 50 years ago? Do women not risk their lives in the army fighting side by side their male counterparts defending their people, their country, their beliefs, and their religion?

In the words of Yael Katzir, director of “Praying in her own voice” a documentary on this subject, “(Today) it is impossible to accept women as doctors, attorneys, judges, politicians, and have the same women banned to sit at the back of the bus. This is a disgrace to the future of Judaism. Women were present when Moses gave the Torah and they should be together with men to continue to be the carriers of it. Women are 50% of the population in Israel. No one should forget that women were also present at Mount Sinai when the whole people of Israel were given the task to carry the Torah.”

Anat Hoffman, Founder of W.O.W. explains: “A parliament bill that passed preliminary reading says: No Ceremony shall be held in the Wall’s women’s section that includes reading from a Torah scroll, blowing the ram’s horn, wearing prayer shawls or phylacteries. Violators will be imprisoned for 7 years. What the Women of the Wall

want is to have equal civil rights at the western wall, the freedom to let their voices be heard. Israel markets the wall as a place of national unity. How can there be unity when half of the population is silenced, and bullies control the wall?"

W.O.W. has embarked on a historical quest "to challenge the constraints imposed on women by

Hell."

Ovadhiah Yosef, The Sephardic chief Rabbi in Israel, discounts the sincerity of women's prayers at the wall: "These are deviants who serve equality, not Heaven. They must be condemned and warned off." According to him, the movement is made up of "stupid" women who do not act "for

Critics of the Women of the Wall say that their practices, like holding organized prayers, singing out loud, carrying a Torah scroll and wearing prayer shawls, offend the more traditional worshipers at the site. "Women are exempt from carrying out certain commandments, but not forbidden," said Ms. Frenkel, an Israeli medical student who was



arrested for wearing a Tallit while praying at the wall on December 22, 2009. Perhaps Katzir summed it up best: "The Kotel belongs to all the Jewish people and not to one group. Even in the days of the Second Temple the Jews were not a solid state unit, and the temple was shared by all. So I think that all the Jews especially the majority of them should not be excluded. The ultra orthodox are a minority,

and they should be tolerant of other Jews. When Hitler sent people to the Gas chambers he didn't ask them which synagogue they went to and many of those burned were not going to schull at all."

traditional Jewish Orthodoxy and a ruling by the Israeli Supreme Court." When interviewed, Orthodox Jews, including women, have responded by saying: "God made a human being a human being, and a donkey a donkey. He made men and women. Women have their job to do, and men have theirs. You can't mix them. Women must teach the children, take care of the house, and raise the children to observe the Torah and its commandments. Men must go and learn Torah. The Torah gives you no right. Those who violate the Torah's rules go to

Heaven's sake," but merely because "they want equality."

It is this writer's humble opinion that the reason behind this outrageous oppression is insecurity. It is the Male Chauvinistic insecurity of the religious leadership, whose job it is to "pray out loud" that motivates this fury and the ensuing legal rulings. If women do the praying, then the men will be out of a job! They do not work in the house, they do not raise the kids, they do not go to the army, and they get paid by the government to "pray out loud", at The Wall.

Excerpts from this article were directly taken from the following:

<http://forward.com/articles/122754/>
<http://www.nytimes.com/2009/12/22/world/middleeast/22jerusalem.html>

The Religious Identity of Iranian Jews in the United States

By: Nahid Pirnazar PH.D.

Presented at Association for Jewish Studies Conference
December 22, 2010



Historically, Jews settled in Iran, and other areas later considered part of the Iranian Empire, at four significant times: first, after the Fall of Israel in B.C. 722 as part of the Ten Lost Tribes; second, after the Edict of Cyrus in B.C. 538, when Jews were set free but had the option of staying in Babylonia; third, during the Talmudic period after the destruction of the Second Temple, and finally after the Spanish expulsion, mainly through the Ottoman Empire. Ethnically, Iranian Jews, at present, consider themselves Mizrahi, those who combine the Sephardic Halakhic rules of Shulkhan Arukh with ancient Iranian-Judaic traditions. Iranian Jews, as a minority in an Islamic country, were humiliated for centuries. As a result, their

pride in Judaism was all but extinguished. However, the Jewish emancipation of the 20th century, a result of the Iranian constitution of 1906, provided Iranian Jews with a national identity in place of a religious identity. As the century progressed, especially in Tehran, Jews were allowed to move out of the Ghetto and to gradually enjoy a better life, with its apogee coming during the reign of Mohammad Reza Shah Pahlavi, when a non-religious attitude prevailed. This new atmosphere allowed for the acculturation, and in some cases, the assimilation of Iranian Jews with the greater Iranian community. Multiplicity of various Jewish denominations, modern features of practice, such as temple membership, mixed sanctuaries, and musical choirs, were unknown

to them. No matter what the level of their religiosity, they lived under biblical laws and traditions, some of them from the Talmudic period. Even as observant as they were, they did not benefit from any of the amendments made to Jewish laws by the European Jewry, such as Rabbi Gershom's Decree with banning polygamy, the necessity of obtaining the consent of both parties to a divorce in the early 11th century, nor the adjustment of the inheritance law for women which was revised in the State of Israel as late as the 20th century. In fact, Iranian Jewish women, living in an Islamic country, were persecuted in two respects: both as a Jew and as a woman. In response to the constant requests made by the Jewish Ladies Organization of Iran and under the leadership of some progressive Jewish male leaders, it was not until the mid 1970's that women became entitled to a modest portion of inheritance from their spouses and fathers. While Iranian Jewish families were under the protection of the new civil family laws in the country, often, halakhic laws would prevail, especially with respect to Jewish divorce and communal rituals.

Most Iranian Jews with this background, both before and after the Islamic Revolution, left their homeland and chose the United States as their second home. Among them, those who migrated before the Revolution were mostly students, young professionals, and select affluent families who came here by choice for business purposes. These immigrants lived mostly in the East Coast, and later, in California. In fact, had it not been for the large wave of immigrants after the Revolution, the early Iranian Jewish immigrants most likely would have assimilated into the American Jewish community by now.

Following the Islamic Revolution of 1979, the wave of immigrants was originally comprised mostly of the more culturally sophisticated and affluent members of the community. Subsequently, by the early 1980's, members of the middle and lower socio-economic classes migrated as well. However, between the two waves of immigrants, regardless of differences in their level of sophistication in terms of social and economic backgrounds, one could not trace much discrepancy in the level of their religious practice and affiliation. In their native land, especially during the past century, while the majority observed the holidays and Kashrut, Jewish education and observance of Sabbath was limited to a smaller section of the community due to the impact of living in an Islamic surrounding.

Life in the United States gave Iranian Jews a different atmosphere to observe their Jewish rituals and identity. After living in the new country for over thirty years, most of them, as U.S. citizens, have adjusted themselves and have excelled both socio-economically and culturally within their new homeland, yet are still striving to cross-political pathways. One of the most significant areas of adjustment has been the chance to re-assess their religious attachments and their manner of observance. As a minority that had not tasted the privilege of celebrating their religion in the past to its fullest extent, each has cherished this privilege differently, depending on their socio-economic background and demographic location.

Many of those living in New York have moved towards more religious observance, creating their own secluded community with minimal integration with non

Jewish Iranians, or non-Iranian Jews. As a small minority in other states, Iranian Jews have been mixing with local American Jewish centers and synagogues of their choice, mostly Ashkenazi, ranging from Orthodox to Reform. The process of acculturation, for the most diversified group of Iranian Jews, those of Southern California, especially Los Angeles, has had mixed results as different options were available. For those Iranian Jews, who had for centuries been faced with one form of Jewish practice and celebration, the choices became vast and varied. As a Jewish community steeped in tradition rather than religious knowledge, they were poorly equipped to deal with the variety of opportunities for Jewish practice.

The coinciding worldwide swing towards right wing religiosity, post 1979, for some, and the promotion of secularism for others, caused deeper confusion. While the older generation kept the traditions brought in from Iran, some Jews of the middle aged generation were fascinated by the glory, adaptability, and the musical instruments played at some American Conservative and Reform temples. Depending on their economic and social sophistication, some parents chose to send their children to Orthodox Jewish schools with no knowledge of the approach or level of orthodoxy of those schools, while they themselves were enjoying the modernized rituals of other temples. As time went on, the graduates of those Orthodox Jewish schools started to question the religious dedication and observance of their families, thus widening familial, generational, and cultural gaps.

In some cases, the emigrants had to stay in Europe for a long time to obtain a visa, specifically in Vienna. These Jews

were approached and assisted by local Orthodox Jewish Agencies who extended to them moral and financial support. As a result, some of them entered the United States with a higher level of religiosity than their family members who had directly come to the United States a few years earlier; creating a larger departure from the original family traditions and background.

At present, the Iranian Jewish community has developed into a mixture of followers of Iranian traditional as well as Orthodox, Conservative and Reform Ashkenazi or Sephardic observance and rituals. Also, to a small extent some secular anti religious groups that, observe certain aspect of religion just for social purposes have emerged.

The diversity in the level of their religious affiliation is even noticeable in their appearance and their attire. The practices of Orthodox women wearing wigs and more covered clothing, and the practice of men not shaving and wearing the Yarmulke outside of the temple, are new phenomenon, something rarely practiced in modern Iran, except for the clerics and their family members. In the meantime, while the Reform and Conservative Ashkenazi and Sephardic temples are enjoying big donations and contributions from their affluent Iranian members, some small Iranian synagogues of mostly traditional Iranian or Ashkenazi Orthodox, have sprang up, in a modest form, even operating out of store-fronts or storage locations in Los Angeles.

Nevertheless, assimilation with American Jewry at least at the older and middle-aged levels has not been easy, those at Orthodox Ashkenazi temples and mainly those at Conservative or Reform temples. The language barrier, different cultural values

and traditions, and in some cases high membership fees, still all pose barriers for assimilation. Since big American synagogues enjoy a large congregation of Iranian Jews for weekly ceremonies, and provide Hebrew school for many Iranian-American Bar and Bat Mitzvahs, Iranian-Jewish synagogues and schools are rare. Even after some Iranian-Jewish organizations built or bought out older synagogues, they still are not able to accommodate the entire community for the High Holy Days. Thus, the majority needs to attend temporarily services at rented hotels or school auditoriums. As for Jewish schools, except for some Iranian Orthodox schools the option is very limited.

But even among established Iranian Jewish temples, there is no uniform manner of Jewish practice. While some try to keep a mixture of the traditional Iranian and Orthodox Ashkenazi rituals, others try to be more progressive, following some of the Western Conservative and Reform.

Beyond the superficial religious celebrations in the Iranian Jewish Community, certain halakhic and gender issues are also dividing the community. While one group competes by throwing fancy Bar and Bat Mitzvahs, ornately decorating their wedding Khupas, or serving lavish brunches during the month of Elul for Selikhot, some still have to debate over other issues. The choice of having mixed congregations, the use of a microphone on the Sabbath, as well as women's rights, whether or not girls can read from the Torah on their Bat Mitzvahs, recite aliyahs, or obtain Jewish divorces are among debated issues.

At a time when even the Ashkenazi Orthodoxy is trying to find some halakhically acceptable pre-nuptial agreements for the protection of women against Aguna,

we see little participation and few preventative measures taken by Iranian Rabbis.

The Iranian Jewish community, in general, is deeply in need of a reformation in Jewish awareness. Having lived in exile and being cut off from the progressive centers of Judaism, except for a marginal group of clerics, their Jewish identity does not go much beyond rituals and prayers. Fortunately, the younger generation, that attends different universities with courses on Jewish Studies, is given a chance to be exposed to the historical and philosophical values of Judaism through a modern approach and perspective. As a justification, one can read the note by an Iranian student at UCLA who once wrote that his Bar Mitzvah was his exit out of Judaism and his college course on Jewish Studies was a new entrance.

In conclusion, Iranian Jews must be fully educated about the various portraits and approaches to Judaism at the threshold of the third millennium. They should be aware that at this time and age Jewish identity and its survival needs a deeper and stronger root than the observance of certain rituals and diets. Having been exposed to all options and aspects of Judaism, they may choose the approach they feel most suits their life-style and spiritual needs. Whether, this means becoming Orthodox, its new variations, Conservative, Reform, or Reconstructive Jews, fundamentally, no one should be criticized for his religiosity or Zionist aspirations, as long as the individual has truly chosen that path with full knowledge, awareness and commitment.

Omar Khayyam's Quatrains

Translated by: Edward Fitzgerald

Now the New Year reviving
old desires,
The thoughtful soul to
solitude retires,
Where the white hand of
Moses on the bough
Puts out , and Jesus from the
ground suspires.

Alas, that spring should
vanish with the Rose!
That youth's sweet-scented
manuscript should close
The nightingale that in the
branches sang
Ah, whence, and whither
flown again, who knows!

And, strange to tell, among
that Earthen lot
Some could articulate, while
others not;
And suddenly one more
impatient cried-
"Who is the Potter, pray, and
who the pot?"

And this I know; whether the
one True Light,
Kindle to Love, or Wrath
consume me quite,
One glimpse of it within the
Tavern caught
Better than in the Temple
lost outright.

The worldly hope men set
their hears upon
Turns ashes-or it prospers;
and anon,
Like snow upon the desert's
dusty face
Lighting a little hour or two-
is gone.

Surgical Friends Foundation Extending A Helping Hand

By: Delila Pouldar*

“The Surgical Friends Foundation is an organization that brings surgeons, nurses and anesthesiologists to patients suffering from physical deformities who otherwise could not receive treatment because of lack of access to the procedures or lack of funding.”

I recently sat down with Dr. Kami Parsa, a Los Angeles based oculoplastic reconstructive surgeon specializing on reconstructive, revisional and cosmetic surgery of the eyes and surrounding tissue. Dr. Parsa founded the nonprofit organization called “Surgical Friends Foundation” over a year ago. His idea for the foundation developed while completing his fellowship at the University of Miami where he was involved with the “International Kids Fund”. Through the organization, Dr. Parsa was introduced to Marli Caseus, a Haitian teenager who suffered from Fibrous Dysplasia. Marli had a 17 lb tumor on her face and consequently could not speak, eat, or hold her head up and was confined to a wheelchair. As the lesion expanded, it compressed her optic nerve, causing her to go blind. Dr. Parsa operated on Marli by decompressing her optic nerve and rebuilding the floor of her orbital with titanium plates, relieving the pressure on the nerve. After 6 years and 3 surgeries, Dr. Parsa recalls her uttering her first words, a simple “Thank You” that changed his life. “It is a privilege to change someone’s life. If I could quit my day job and do this for my

whole life, I would do it.” Parsa emotionally stated.

This awe-inspiring experience not only enlightened Dr. Parsa about the number of people suffering from physical deformities, but also the extensive number of surgeons and physicians that would like to help but are not given the opportunity. “It is humbling to see how many people are willing to give; we wanted to create a foundation that gave the surgeons the means to do so”. It was this vision that prompted Dr. Parsa to seek the support of Dr. Andrew Ordon and Dr. Jay Calvert and create the “Surgical Friends Foundation”, an organization that brings surgeons, nurses and anesthesiologists to patients suffering from physical deformities who otherwise could not receive treatment because of lack of access to the procedures or lack of funding. What makes this foundation truly unique and special is its sustainability. Not only do these physicians perform these procedures in what can be considered third world countries, but they also teach the local physicians these life altering techniques. In turn, these knowledgeable surgeons will now be able to perform different

procedures and the foundation can “affect an exponential number of people,” Dr. Parsa explained. Keeping with the goal of education, the foundation also plans to enact web-based educational videos where surgeons can become familiar with new, cutting-edge techniques.

In addition to their domestic philanthropic surgeries, the foundation recently took their first trip to Cambodia, one of the poorest countries in the world. Half of the population in Cambodia is less than 15 years old and the median wage is only \$2 per day. Dr. Parsa and his team of physicians spent 10 days in Cambodia from January first to the eleventh and operated on over 20 kids, mostly orphans, at Anchor’s Children Hospital. The surgeries included fixing droopy eye lids, cleft lips and cleft eyelids. From there, the foundation’s surgeons also taught the local surgeons their techniques in performing such procedures and the patients post-operation follow up was performed by the Cambodian surgeons. The foundation has planned to extend their services to St. Vincent Island, in the Caribbean, in April, and a trip to Haiti is in planning process.

The efforts of the “Surgical Friends Foundation” clearly illustrate that by doing good you never know what miracle is wrought in your life or the life of another. There is nothing more admirable than the ability to help: Help your family: they are your blood; Help your friends: they help you get by everyday; but Help strangers because, as bad as you think you have it, there’s always someone that’s worse off than you.

*Delila Pouldar is a sophomore at the University of Southern California majoring in Biological Sciences and minor in Business Administration.

Hot, Juicy, Steamy . . . Gossip

By: Shireen Oberman, LCSW*

“The ability to gossip not only provides us a way of feeling socially “accepted,” it is incredibly seductive and easy to get caught up in.”

It almost seems cliché to discuss the prevalence of gossip within the Persian Jewish Community. The evils of lashon harah has been the subject of many a Shabbat sermon and community seminar. We condemn the act of spreading malicious rumors yet we relish hearing about the very public downfalls and heartaches of our fellow community members. While some people actually do care about the ebbs and flows of success, either personal or professional, of those we gossip about, how much does this behavior stem from elsewhere within our psyche?

Typical gossip is idle and relaxing. It helps normalize and reinforce moral boundaries, create a sense of community and intimacy with shared interests, it reinforces social accountability, and it is a way of disseminating potentially important information about people and organizations. How often do conversations begin with “I’ve been sworn to secrecy, so please don’t tell anyone...” or “I was told this in confidence, but...!” We are placed in a Catch-22 where we neither trust people that are tight-lipped or blabbermouths; we resent drama queens but avoid and ignore wallflowers. Being boring is as much an offense as exaggerating the truth for the purpose of entertainment.

The ability to gossip not only provides us a way of feeling

socially “accepted,” it is incredibly seductive and easy to get caught up in. When a friend or colleague begins to talk about someone you both know, sharing intimate information you’ve never heard before, it is almost like a tease to pull you into the conversation. Like a reflex, we can be pulled into the conversation, sharing rumors as well. Many times we walk away from these interactions questioning why we responded with more gossip and may even regret engaging in the conversation. Human beings are intrinsically social creatures, and it can be argued that it is human nature to talk about mutual acquaintances particularly in the form of harmless chitchat. Within the context of a confidential, trusting relationship, such idle chitchat gives us the opportunity to vent and even avoid or work out our own problems.

When this harmless, idle chitchat morphs into nasty, malicious gossip, is when we cross over that very fine line between the two. Nasty gossip is usually typified by harsh, critical comments, which are unnecessary and possibly untrue, spoken behind the subject’s back for no good reason. This type of gossip not only reflects poorly on the subject, but on the person gossiping as well. Once again we are caught in a conundrum because, while we may feel uncomfortable and awkward engaging in gossip,

the temptation to gossip is strong.

So where do we go from here, since gossip is something we cannot avoid? These tips are best expressed by gossip columnist, Liz Smith, who shared in the November 2005 edition of Psychology Today magazine, how to gossip safely:

Keep Secrets: Although it seems counterintuitive, good gossips are extremely adept at keeping some information in confidence. Nothing will get you ejected from a social network faster than the knowledge that you’re the community Deep Throat.

Know Your Audience: In general, people are most interested in their peers: people of their own age and gender. Men like to hear about money; women like to hear about everything else.

Embellish: “People are more compelled by story than by truth,” says Hollywood publicist Michael Levine. Although outright lying will get you in trouble, colorful storytelling is almost always preferred to drab reality.

Never Reveal Your Sources: Artful gossips know how to keep the original source of their dish hidden. This is especially true when they are the original source.

Don’t Rebuff a Disclosure: Resist telling someone to shut up, even if their gossip makes you uncomfortable. Smile, tell a joke and redirect the conversation.

While it is a noble endeavor to try not to gossip, we can at least be responsible in what we do with information we receive or disseminate. By being more realistic with ourselves and each other, hopefully we can decrease the amount of hurtful gossip that we all speak again, yet so many of us help to perpetuate.

*Shireen Oberman is a licensed clinical social worker in private practice in Los Angeles.

Man Kiss!

By: Arta Wildeboer*

“Whether to kiss another man hello to the generation of Persians born in the United States has become a conundrum that brings much anxiety with it. The importance of giving an appropriate greeting in Persian society added with the kissing stage of the interaction ratchet up the level of difficulty almost tenfold compared to what the Americans have to deal with.”

As I grip the outstretched hand, I’m filled with a sense of trepidation. There are only precious seconds to process the information and make a decision. How closely related am I to whose hand I am shaking? What is that in his mustache, salad “olvieh”? Is this going to cause me to lose my place in the kabob line? Mahst-o-mousir breath is another danger one may encounter that is far from pleasant. Before you know it, the moment is upon you and the decision must be made.

Whether to kiss another man hello to the generation of Persians born in the United States has become a conundrum that brings much anxiety with it. During my early 20s I became more acutely aware of the fact that I was being forced to kiss 500 different people in a single evening if I was in an event like a wedding. The practicality of this whole endeavor began to weigh on me. As a child, the worst part of family gatherings was being grabbed, hugged, tossed around and having your cheeks pinched by every relative that you encountered. I looked forward to the day when

I could eschew this part of my social obligations and focus on more important things, like the open bar and lamenting the fact that every pretty girl at the party was my cousin. I assumed it would be a natural transition, that one day I could simply get away with a handshake or, worst-case scenario, maybe a hug, but this was not to be.

The problem for me is not that I feel a sense of homophobia associated with the male kiss, it is just that I figured one day you graduated to strictly the handshake and that marked your transition from boy to man. Other men would get by with simply a handshake and a smile, but for some reason I could not properly convey that I was now on the handshake-only side of the fence.

Was there a letter or email I had to send everybody? Did I forget to check the “no man-kiss” box on the RSVP card? Or maybe at the beginning of the wedding I could have grabbed the microphone away from Martique, distracting him with a fresh plate of kabob, and announce to the whole crowd that I

was not going to be doing the male hello kiss any longer. The possible solutions that I came up with were just never as elegant as I wanted.

The main problem I have is not the kiss itself, but whether the kiss is expected from me to begin with. I was forced to try to mentally catalogue and categorize with whom I was expected to kiss, and who would not be offended by just the handshake. Grandfathers, older uncles, and generally anyone two generations above you were in the “must-kiss” category. This category must be kept as small as possible, but is the most important because of the higher possibility of offending the other person.

The real trouble comes with the men of my parents’ generation. This is where most, if not all, of the awkward interactions occur. With men my age or younger, there is the unspoken understanding that we are not going to engage in the man-kiss. We have been oppressed by it for years and see no reason to subject ourselves to the ritual. I come from the generation of the high-five. For years the high-five has served me above and beyond reasonable expectation.

I like the high-five; I’m comfortable with the high-five. What I’m not comfortable with is coming home smelling of 300 different types of perfume and cologne like a 9-year-old who was bored in the cologne section of the department store while his mother was shopping.

Back to our trouble group, this usually consists of my friends’ fathers, husbands of older cousins and the like. The interaction invariably starts off with the handshake and it is here that the critical stage begins. Americans themselves have trouble with the handshake in their culture. In American culture the area of difficulty centers around the firmness and duration

of the handshake, which itself can consume a person with the type of message their handshake just sent. Was my handshake too limp thereby communicating a lack of masculinity, or was it too firm and aggressive?

The importance of giving an appropriate greeting in Persian

dreaded pull-in.

The pull-in takes place a fraction of a second into the handshake and signals the point of no return. You can attempt a pull-back here, but a determined man-kisser will ignore your lack of eye contact, awkward stance, and the hesitance you show during the pull-in stage; these will

then made even more awkward by a clumsy embrace. I'm simply not comfortable having to repeatedly remind people that I have not gotten taller since the last time I saw them. Admittedly I'm not a doctor, but many of my cousins are and I've asked them, so I feel it is with all requisite authority that I point out,



society added with the kissing stage of the interaction ratchet up the level of difficulty almost ten fold compared to what the Americans have to deal with. I do my best to gauge quickly from the initial eye contact whether the person I'm dealing with is a man-kisser or not. This is subtle and by no means have I mastered it yet, but it is similar to a poker player trying to read an opponent's hand.

The moment of truth is the hand tug during the handshake. I do my best to position at a difficult angle for the traditional right then left cheek kiss technique. If done correctly, the sideways lean-in (patent pending) can make it impractical for the other party to engage you with the

not sway him from his path.

The problem with the determined man kiss, especially once you have set up in the anti-man kiss stance, is that a strong pull towards the other man will get you off balance and hurtling uncontrollably into a maelstrom of bad cologne and mustache, and horror of horrors, possibly into lip to lip contact. At this point you must admit defeat, but you can take solace in the fact that since you've put on sixty pounds in the last few years and are a minimum of 5 inches taller than the man-kisser (many thanks to my Dutch ancestors), there is the possibility that you can throw a shoulder into him.

The after effects of the kiss are

for the record, that people who are almost 30 don't magically keep getting taller since the last wedding three months ago; it is far more likely, "amoo-Jaan," that you have shrunk.

But lest you become too embroiled in individual successes and failures, remember, you must steel yourself for the inevitable conflicts that will soon arise on this battlefield, with man-kissers strewn like landmines; there is no rest, only the next battle.

*Arta Wildeboer is currently attending Law school and is making his Persian-Jewish mother very proud, even though she would have preferred he become a doctor.

Philharmonic Iran

By: Nicole Sadighi*

“Just as M&M, Persian rap musicians in Iran are impassioned youths protesting against the establishment and their widespread frustrations of the daily repressions within their own society. They carry a message.”

When we think of rap music, artists such as 50 Cent and M&M instantly spring to mind. In recent years there has been a growing number of news reports, documentaries, films and youtube video's all about the latest rise of underground Iranian music and parties. Documentaries and films such as “The Glass House”; “Sounds of Silence”; “Nobody Knows about Persian Cats”; and countless online video's posted all over the web from inside Iran are showing the world an astonishing evolution in the last place you might expect. When we listen to these prevailing artists bursting into song from their modestly decked out underground hideaways, there is definitely a commonality that they have with their western counterparts across the globe. Just as M&M, Persian rap musicians in Iran are impassioned youths protesting against the establishment and their widespread frustrations of the daily repressions within their own society. They carry a message.

In the west this cultural movement, which has today turned into an influential multi-billion dollar powerhouse, began with the rise of hip hop four decades ago. In recent years Iran's youth have

begun their own revolutionary socio-cultural movement with the global flow of modernity and have joined the universal culture of no boundaries.

Of course this movement is not only limited to hip hop. Be it rock, heavy metal, pop, dance, trance, punk, traditional, classical, the wave of this movement is being made up of impassioned people finding their voices in a society where freedom of self expression is an extravagant luxury if you are lucky enough to avoid apprehension by the authorities.

However, regardless of the limitations and restrictions they are confined to, they are also tenacious and resolute in their pursuit of having an outlet that will give them some emotional relief.

A documentary made by a Norwegian filmmaker, follows the lives of a death metal band, a typical heavy metal band with long hair not unlike “Alice in Chains” or “Led Zeppelin”, explains that although: “there are hard rules, some brutal rules...you are something and you have to pretend to be someone else. Kids have long hair even though it is forbidden.”

Another band member goes on to explain: “I like death

metal music. I believe it is some kind of serious music that speaks about serious facts. I show all my pain inside...and the only way to show all my pain is to perform it in death metal music. These rules are saying you can't perform any kind of music. These rules are saying you can't wear these kinds of clothes like you want. These rules are saying that ‘you have to be something we want you to be’, you cannot be something you – yourself – like to be. This makes some kind of paradox. Because it means you should be two people at one time, one inside yourself and you got to be another person outside in society.”

A recent CNN report stated that there are thousands of underground rappers in Iran, rapping about being young and living under a suffocating socio-economic government. This social and cultural movement is rapidly growing and seemingly unstoppable. Perhaps this is of no surprise in a country where 70% of the population is under the age 30. What else would you expect?

Iran is a country with two faces. The most prominent and familiar visage is the one that is always discussed in the international media and the then there are the others. The hidden faces of Iran, which is mostly made up of youthful, women and men of all social backgrounds, unflinching and revealing in their outspoken story telling through poetry and self expressing music that is earnest and honest. It plays a symphonic message of frustration and hope that is reaching the far sides of the globe.

*Nicole Sadighi is a writer and fellow researcher for the Center for the Promotion of Democracy and Human Rights in Iran.

Facebook and Foozolee

“Post only what you want the world to see about you.”

By: Nicole Behnam*



You eagerly wait for your Facebook page to load every day, you check on your notifications, your friend's pages, your boyfriend's page . . . wait, who is that girl posting on his wall? Why did she write “yes, sounds great!” and add a smiley face at the end of her post? Did he ask her out?! Why does she have restricted privacy settings? Wait, why hasn't he changed his relationship status from “it's complicated” to “in a relationship” yet?

Along with the nonstop news feed updates, ceaseless event invitations to RSVP to, and random pokes, Facebook seems to be feeding people more information and pictures to look at than they can comprehensively click through during an hour-long classroom lecture period. What does access to all this really mean for our generation?

“Nicole, foozolee nakon.” I was surprised to hear my friend make this remark when I clicked on her Facebook page. Did she think I

was stalking her? After all, we are Facebook friends, and she certainly did not put me on her limited profile list. Of course, she could have been joking, but there is no doubt about Facebook making it that much easier for users to satisfy their curiosities. I truly do believe personal insight can be attained by scrutinizing someone's profile. Some call it browsing; others call it “foozolee.” I call it a priceless reference, though not always an accurate reference. First, I deactivated my Friendster account, and then my Myspace account, and then waited about a year to join Facebook. After a few friend requests and pokes, I became familiarized with the infamous “tag”—a square-like approximation of where I was standing in the picture suddenly popped up as the cursor went over my name. Little did I know, these pictures would be available to several people in my extended network, who, after seeing enough pictures of me, would be able to pinpoint me at a party by my full name.

As time passed, I received invitations to more and more parties and gatherings through “event invitations,” at which point I noticed that numerous people would be able to see if I was attending the given event or not. If an event was not hidden or secret, I would deliberately not reply. Along with my friends, I was becoming more and more paranoid about who was able to view my pictures and whereabouts.

Needless to say, I was a little baffled when my own mother friend-requested me. Should I put her on limited profile? Is she going to post embarrassing comments on my wall about what she made for dinner and how “proud”—I often receive texts about this—she is of me?

Some of my aunts and several of my cousins have also joined Facebook. “Neeool Joon, John Doe keeyeh*?” I had to think for about 3 minutes before I realized that a month prior, I was tagged in a picture with a friend of a friend, who happened to be named Jon. It took some convincing, but they finally believed me: “doostameh!” I finally understood the magnitude of the saying “a picture is worth a thousand words.” One hundred people can have one hundred different reactions to a post or picture.

Poet Kahlil Gibran wrote: “If you reveal your secrets to the wind, you should not blame the wind for revealing them to the trees.” In the same respect, if you upload to Facebook, you cannot blame its users for examining and speculating.

(*John Doe is a pseudonym, used in place of the person's real name, for anonymity's sake.)

*Nicole Behman is a student at USC majoring in Public Relations and Journalism.

Am I Fat?

By: Shahrazad Sayari*

“In our society, everyone wants to have the best body and is willing to get it at any cost. This is why many women and men suffer from eating disorders such as Anorexia, Bulimia, or Compulsive Overeating.”

The value that society places on being thin increases the risk of eating disorders. Society and the media are always portraying images of what is the “ideal” figure. Their image is distorted and nearly impossible to achieve. Our young are being brain washed into believing that having a slim body is important and necessary. Due to this strong influence, young people are depriving themselves of the proper nutrition in order to achieve this “ideal” figure. This unhealthy way of thinking causes healthy teenage men and women develop serious eating disorders such as Anorexia nervosa and Bulimia nervosa.

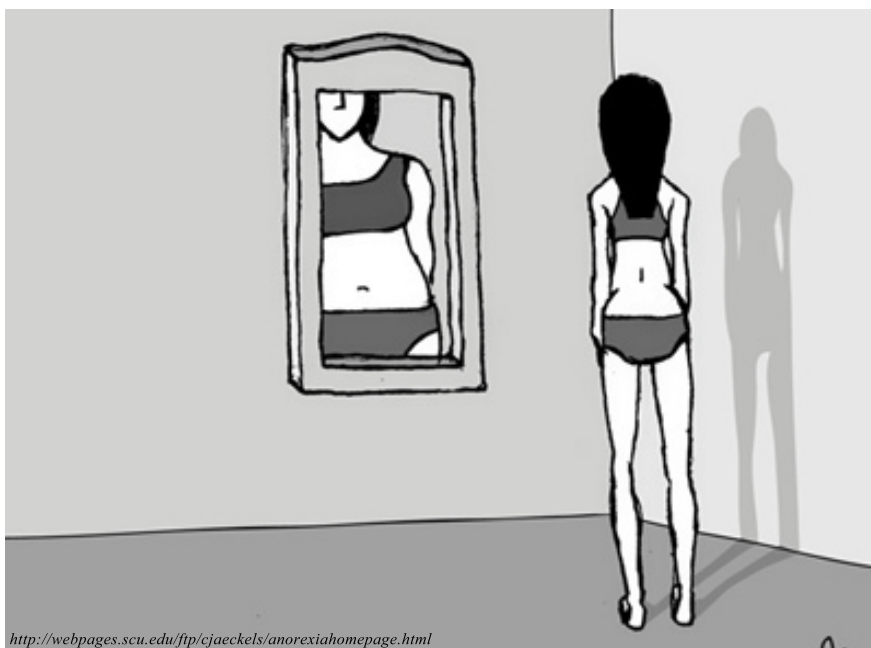
Anorexia and Bulimia are the most common eating disorders amongst teenagers. They both cause major physical and emotional harm to the body. Anorexia nervosa is when someone has a constant fear of gaining weight as well as a distorted view of his or her body, and is the most harmful. With Anorexia, one strives to maintain a very low body weight which keeps her under the minimal weight range for her age and height. One tends to consume very little calories and exercises excessively to burn even that little bit off. In Anorexia, the brain plays a very important role. It has been programmed to believe that

by behaving this way, one has total control over this particular situation since other things are not going as planned.

The second most common eating disorder is Bulimia nervosa. Bulimia is a habitual binge eating and purging disorder where one does whatever it takes to get rid of the calories that she or he may have consumed. The bingeing part is when one eats a lot of high calorie foods and is followed by a sense of self disgust. That feeling is what causes the purging part. The purging is when one forces out the calories by excessive exercise and self induced vomiting, laxative abuse, fasting, use of diuretics, diet pills and enemas. With Bulimia nervosa, the person does not have such an issue with weight and body image like anorexia nervosa, but more often uses it as a function for blocking or letting out feelings.

Eating disorders are more common among adolescent girls and women but men do have them as well. Eating disorders are very dangerous because they can be easily disguised or misdiagnosed. Of the two mentioned, Bulimia can be better disguised than Anorexia because the bingeing and purging episodes are done in private and the weight of the person does not change enough to be noticed. The person can say that they are hungry and want to eat a lot at that one meal. Yet, when the bingeing part comes to play, it is typically done in private and not easily noticed.

Anorexia on the other hand, has a more noticeable behavior. Many of the symptoms are similar to bulimia but there are a few that can be noticed right away like cutting food into small pieces , constantly limiting the amount of food consumed, and simply looking too thin and fragile. Anorexia is more common in girls with low self esteem. Many of them use “not



<http://webpages.scu.edu/ftp/cjaeckels/anorexiahomepage.html>

eating” as a form of punishment because of something that has happened to them in the past or something that is currently bothering them in their lives. By behaving this way, they feel that they have some control over their life. Anorexia and Bulimia play strong roles on the brain, which makes eating disorders both a physical as well as a psychological disorder. A person who has Bulimia knows that she has a problem and is more willing to seek help. One with Anorexia is more likely in denial and will come up with excuses and reasons to avoid getting help. It is important not to push them because they are already having major issues dealing with issues and this will just make things worse for them. In both cases, help should be given by professionals and with the unconditional love and support of family and friends.

Compulsive overeating or binge eating is another eating disorder that is similar to Bulimia,

meaning; one eats a lot of food, but the person who suffers from over eating does not purge to get rid of the food. One just eats to cope with stress, guilt or to avoid or numb feelings that they are having a difficult time controlling. After bingeing or over eating, they feel even guiltier and the cycle continues. Over eating is also called a food addiction because they have an obsessive relationship with food and do not stop when they are full. With this disorder, the person’s weight goes up and down and he or she is usually overweight, but someone who is at their normal weight may be suffering from this disorder as well. During a bingeing episode, they eat large amounts of food and eat it very quickly and most of the time in private because they are ashamed or embarrassed of their behavior. Unlike Anorexia and Bulimia, more males tend to suffer from this disorder. Sadly it can go unnoticed for a long period of time

because we do not think that men may have eating disorders too.

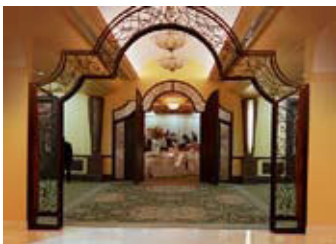
In our society, everyone wants to have the best body and is willing to get it at any cost. Everyone tends to think that looks are everything and that is when problems arise. It seems that who we are inside does not count anymore and only the outside matters. When too much pressure is put on a person the brain will start acting strangely and can lead to important mental and health problems.

Diet and exercise is perfectly fine but if it is done correctly and in moderation. If you feel that you are not reaching any results, you can speak to your physician, a nutritionist or a registered dietician for help. This way you will not only lose weight but feel great doing it the right way.

*Shahrazad Sayari has a BS in Nutrition and Dietetics.



NEMAN HALL FEATURES:



Exquisite Ballroom with seating for 450 guests

•
Kosher Kitchen Facilities

•
(Outside Caterers Accepted)

•
Large Dance floor

Sanctuary and Chuppah Area

•
Private Bridal Room

•
Bedekn and tish area available

•
Valet Parking Service

.....
for viewing of venue please contact

Irma Smith

Direct Line : (323) 656-2142

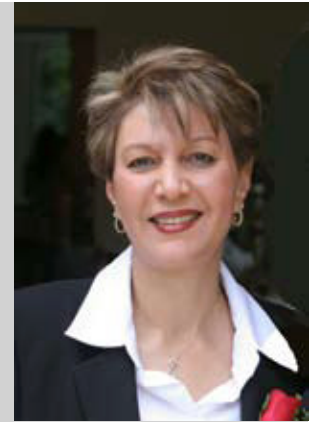
Iranian American Jewish Center

1317 N. Crescent Heights Blvd.

West Hollywood, CA 90046



Dr. Farnaz Halavy Galdjie



Dr. Dorit Halavy Miller

Dear Sisters

“Dear Sisters” is a new section in Shofar Magazine written by Dr. Dorit Halavy Miller and Dr. Farnaz Halavy Galdjie, Licensed Clinical Psychologists. Please e-mail your questions to Dorit@talktherapy911.com. This page is not intended for making final decisions, and is not a substitute for therapy. For further guidance, please contact your mental health professional.

DEAR SISTERS,

A friend told me that you recently gave a speech about the art of listening. My children often complain that I don’t listen to them and talking about this leads to more argument. I don’t understand, I allow them to talk, we discuss our differences, but many times they storm out of the room angrily saying “you don’t get it, you are NOT listening to me”. I really don’t get it, what else do they need? If I advise them, they get frustrated, if I let them just talk, they get annoyed with me that I have nothing to say. I am lost, what is it they need and why can’t I fulfill that need for them?

DEAR LISTENER,

Being listened to is a fundamental human need. It strikes at the core of what makes us human. Being able to express and communicate freely can solve many issues and problems, but unfortunately, many people have difficulty with active listening. Part of becoming an effective communicator is being able to listen. Listening skills are not taught in school, and sadly are largely undeveloped in many people. However, you can acquire this powerful skill through educating

yourself and practicing.

How many times you hear people say: “I am listening to you, but...go ahead, but...” These statements show us we are being heard, not necessary understood or acknowledged. Understanding does not mean agreeing, it means you know what the person is trying to say and you know how they feel. There is a great difference between hearing and listening. Hearing refers to the physical dimension of the sound waves striking the ear and then the brain processes it into meaningful information. Listening, on the other hand, incorporates paying attention and focusing with the intention of understanding and responding appropriately.

The most basic of all human needs is the need to understand and to be understood. The best way to understand people is to really listen to them, which means you know what they are experiencing. Without listening, there is no empathy, and everyone needs empathy, (not sympathy). with empathy you feel connection, you feel you are not alone, you feel someone else truly understands your experiences and feelings.

A mistake we often make

is thinking that listening means you have to talk, or answer. It is physically impossible to talk and listen at the same time, as when you talk your mind begins to shift from listening to thinking. As we focus on what we are going to say or interject, our attention goes from what the person is saying to our own thoughts. Although appearing to be interested and attentive, we can easily be distracted by our thoughts. At that point perhaps we do fall into merely hearing and not listening.

We often do that with our children, parents and friends. We may feel so close to those who are dear to us, and so involved in what they are experiencing, that we want to help them by taking away their pain or trying to fix things by giving them advice or lectures. We want to rescue them from feeling sad or emotional, but by doing that, we are robbing them from speaking their mind and feelings freely, without judgments or criticism.

True listening is a skill which needs to be learned and practiced because the mind functions seven times quicker than it is possible to speak. Therefore the mind needs to be slowed down and focus on what the person is saying.

There are those rare times your children may ask for advice, but there are other times, when they need to just share and express. Those are the times you need to be able to truly listen. The power of listening is about selflessly giving your time and attention to another person's story, circumstance, ideas or feelings without a need to correct, edit, judge, advice or teach.

The power of listening enables others to articulate their thoughts and be able to hear themselves as they speak. Most people rarely have the opportunity to speak at that level of depth, because it is extremely rare to be truly, fully listened to. In those rare settings where the listener is focused on them, the speaker has the opportunity to truly reflect on what it is they are saying and what the meaning of that is to them.

Giving your attention 100% to another is not an easy task. It takes the ability to put your needs, your thoughts, your desires and stress aside in order to be there for others, to listen, to acknowledge, to understand and feel the other person, which is empathy.

So learn to listen - sometimes opportunity knocks very softly. New, tentative or old ideas may need your attention - like the curiosity of a young child, or the thoughts of a confused teenager, or the anxiety or stress of an overworked young adult, or the worries of an overwhelmed young parent, or the fears and loneliness aging parent, or the pain and regrets of an older grandparent

So Listen to them, listen for what is new, old or different. Listen to their pain, needs, desires, fears, decisions or ideas. Listen by making space in your heart, mind and soul for the thoughts of the person who is speaking. Once that space has been created, it allows you to

establish that deep connection and understanding. That is the art of listening.

DEAR SISTERS,

I have three children, two of whom are teenagers now. My relationship with my husband is good and our house was really a peaceful one until recently. My oldest child, a fourteen year-old girl, is having a lot of conflicts with us lately. She gets annoyed with us very quickly, goes into her room, and closes the door behind her. We are so confused. We don't know how to behave with her any more. It seems like everything we do or say is wrong. She was such a sweet little girl until a few years ago, and then, almost suddenly, she pushed us away and is now like a stranger. Often times, she complains about coming to family events. We are very concerned and worried about her. She is a good kid and does well in school. She seems to have nice friends and is really nice to everyone except us. Can you please help? How should we behave? What should we tell her? What are we doing wrong???

DEAR CONCERNED MOTHER,

Sometimes we feel as though an alien kidnapped our sweet loving children and replaced them with these new and strange beings. The parenting skills that used to be effective only a few years ago now seem to be pushed back and rejected by our teenagers. Those sweet children, who used to cuddle with us on the sofa and take pleasure in our physical affection, now recoil and pull back when we reach for a hug. At times like this, we may find ourselves feeling unloved and unwanted by our teens. It is an easy emotional trap for a parent. The feelings that follow basically say: "I have failed as a parent."

To some level, teenagers do need to push their parents away. That can be a healthy sign of growth if it is not excessive. By distancing themselves from their parents, teenagers begin to have the space to find who they are in life. They need to do this to be self-reliant as adults. They know that they cannot keep coming to their parents for advice and direction forever. They intuitively know that they need to have their own sets of beliefs and attitudes in life - sometimes different from ours. In order to develop those beliefs and become self reliant, they need to distance themselves from what they have been fed so far. This may help some parents understand that when their teenager is distancing him or herself it is not because they have been "bad" parents or because their child has any less love for them.

It is important for us to remember that teenagers and young adults are extremely tender on the inside. It is often difficult to remind ourselves that inside this tough-looking all-knowing arrogant young man or woman is a very delicate, insecure and extremely sensitive little person.

As a teenager, life will never again be as simple as when they were little kids. Teenagers begin to see their parents as they really are: humans with faults, uncertainties and insecurities. Teenagers become aware that their parents are not all-capable and in fact, cannot protect them from all of life's problems. Teenagers begin to realize that it is their job to get into position and take care of themselves in this world. All of these thoughts and feelings can and are extremely overwhelming for them.

At the same time, teenagers become aware of their limited capacities. They know they are on their road to adulthood and

complete responsibility but feel very awkward and clumsy in their efforts to get there. That is simply because as teenagers, they are now only beginning to acquire the tools for living and are in the early process of learning. But that is not how accepting and gentle they are with themselves. When faced with daily challenges, teenagers expect themselves to perform and perform well. They blame and put themselves down for not succeeding in all areas in life: be it educational or social.

And so, what teenagers need more than anything else at this time is support and encouragements. This is often confusing for parents. Often time, parents feel that their teenager is pushing them and their support and encouragement away. That is true. Teenagers do that. But the truth of the matter is that they

do benefit from it even though they act as though they don't care about your feedback. So continue to be supportive and say the good and positive you see in your teenager. You have to believe that they do take it in but do not show that to you.

How to discipline a teenager? Rewards! Studies have shown that rewards are a much more effective way of shaping and changing one's behavior than punishment is. The first step is to get in the practice of noticing all the POSITIVE things your child does, or says. This can be difficult at first because your focus may have been on the negatives. But take a few days and make a mental note or even a written note of all that you see and you like. At first, don't even tell your teenager any of

this. Simply notice it yourself. Get into this habit. Later on, begin to mention to him what you see and what you like. Do not make a big deal about it or constantly talk about it. This will just take away from the effectiveness. Simply mention it in one or two sentences and go on with your life. We promise you that you will begin to see positive results in your child's behavior within one month!

Above all – remember that this is a tough time and stage of life for all of you. Know that after this pushing-away stage, your teenager will come back and once again be close to you. Although you may never again have that cuddly sweet little baby to hold, you will one day have an adult friend you can rely on and reach for when you are the one who needs emotional support.

Warsaw Ghetto Uprising Leader Dies

By: Albert Ganjian

Marek Edelman, the last surviving leader of the ill-fated 1943 Warsaw ghetto revolt against the Nazis, died this year at the age of 90. Most of Edelman's adult life was dedicated to the defense of human life, dignity and freedom. He fought the Nazis in the doomed Warsaw ghetto revolt and later in the Warsaw city Uprising, and for decades fought communism in Poland. His heroism earned him the French Legion of Honor and Poland's highest civilian distinction, the Order of the White Eagle.

One of the few survivors of three weeks of uneven struggle in the Warsaw ghetto, Edelman felt obliged to preserve the memory of the fallen heroes of that first large-scale Jewish revolt against the Nazis. Each year, on the revolt's

anniversary, he laid flowers at Warsaw's monument to the ghetto heroes, and called for tolerance.

"Man is evil, by nature man is a beast," he said, and therefore people "have to be educated from childhood, from kindergarten, that there should be no hatred." He also felt obliged to appeal repeatedly to the world for freedom and peace - even when it had to be won in a fight. "When you cannot defend freedom through peaceful means, you have to use arms to fight Nazism, dictatorship, chauvinism," Edelman said in an 2008 interview with The Associated Press.

Edelman was born Jan. 1, 1919 in Homel, which was then in eastern Poland and is now in Belarus. When the Nazis invaded Poland on Sept.1, 1939, he was a member of Bund, a Jewish socialist organization that later masterminded plans for resistance against the occupying Germans.

The Germans set up the Warsaw ghetto in November 1940,

cramming some 460,000 Jews from the city and across Poland in inhuman conditions. After a year, almost half the people there had died of disease and starvation.

The resistance plans were implemented April 19, 1943, when the Nazis moved to liquidate the ghetto by killing or sending some remaining 60,000 residents to the death camps. But that April, the well-trained German troops encountered unexpectedly fierce resistance from a few hundred young, poorly armed Jewish civilians, determined to die fighting rather than in gas chambers

At the age of 23, Edelman took command of a brush-makers unit, based at a brush factory. They had few guns and no food but were driven by a goal. "No one believed they would be saved," Edelman said. "We knew the struggle was doomed, but it showed the world there was resistance against the Nazis, that you could fight the Nazis."

For A Moment of Freedom

Film review by: Golaleh Kamran



Arash Riahi, is a young Iranian born writer-director living in Austria, whose first feature film, “For a Moment of Freedom” has attracted the attention of the world of cinema and was in the running for an Oscar nomination. The film will be featured in Beverly Hills, California, on April 16, 2010 in Beverly Hills Film Festival, CLARITY THEATER.

This is a powerful and gripping story of the day-to-day struggle of a married couple portrayed by Payam Majlessi and Behi Djanati-Atai and their small son, two young men played by Pourya Mahyari and Navid Akhavan, trying to reunite two children with their parents, and an odd couple of men played by Said Oveissi and Ezgi Asaroglu, all of

them refugees who have crossed through the border into Turkey seeking a visa to any country that would take them.

The motivation and inspiration behind the making of this film came from Riahi’s belief that “Freedom is the main ingredient of all human rights”. He explains: “As a filmmaker I see one of my duties to fight against these violations with my work, by creating awareness about this matter.”

One of the stories is based on his own two younger siblings, who were smuggled out of Iran, through Turkey to join their parents in Austria. The other two stories are based on accounts he heard during his research for this film on his 7 trips to Turkey. “On one hand I was interested in how these different people, young and old, deal with this extreme situation, on the other hand I wanted to create an homage to all the people who went

through a lot of suffering and even death for a glimpse of freedom.” Riahi explains.

Riahi spent over a year searching for the cast, “in Berlin and then in Stockholm, later in London, Paris, Vienna, and then in Leipzig and Frankfurt,” by contacting casting agents, searching in schools, and by placing notices in Persian restaurants, newspapers and supermarket. The requirements for casting were very specific. ” We wanted Persian actors who spoke Farsi without any accent, some of them had to be in their early 20s, and of course above all they had to be good actors. We needed three children between five and seven who also spoke Farsi without any accent. ” Also, the actors had to be willing to play in a film dealing with this subject matter. In the end the cast were found among professionals and novice actors, many of whom had a connection to the story of refugees in some way.

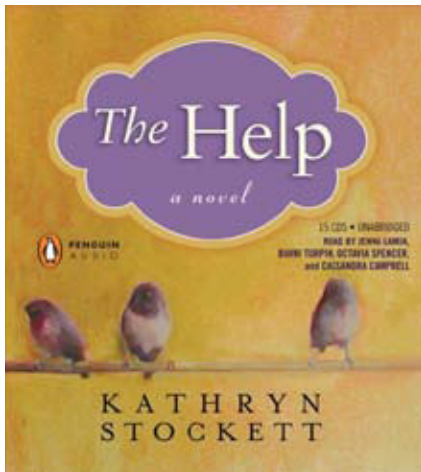
“For a Moment of Freedom” is a definite must see for anyone who believes in Freedom. Riahi’s next project is a documentary on women who were at one time in women’s shelters. He is currently searching for some of the women he met ten years ago while filming there and the film will be about the changes in the lives of these women.



Book Review:

“The Help” By Kathryn Stockett

Reviewed by: Shirin Gabay



A very good friend of mine suggested I read “The Help” by Kathryn Stockett at a time when I was desperately searching for a good book. I did not relish the idea of reading about black domestic help in the South during the Civil Rights movements; I thought it would be a controversial book filled with depressing and gloomy stories but given my hopeless situation, I took her suggestion.

As I started reading the book I was pleasantly surprised by the light and entertaining style with which it was written. The story is told in three different voices, and as the author artfully switches the writing from a thick African American southern to an affluent southern white dialect, she accurately portrays the personality of each character through their narrative and simultaneously makes it a very engaging and entertaining

read. The characters are very well developed and three dimensional and the plot holds the reader’s interest to the very end.

Along with most of our readers, this is a period in the American history which neither I nor my parents were present in this country. I had heard stories and learned about the history of the Civil rights movement in school and was exposed to the events leading to the Civil Rights movement in history class, or depictions of that time in Hollywood movies and magazine articles. The events of that era changed the face of the United States forever. The book gives the reader a glimpse of the everyday life of common African American citizens during 1960 in Jackson, Mississippi. It portrays the attitude and treatment of the white southerner towards their black employees, or as they refer to them; the help.

One of the three different characters narrating the story is Aibileen, a sweet and wise middle aged black woman who lost her son in an industrial accident, but has raised seventeen white children during the span of her life as a domestic help. The readers find Aibileen as she is moving on to a new home where she has to start over again with a new family and a new baby girl. She has a maternal nature, and over the years she has

developed a dry sense of humor and intelligence about her former charges.

The Story begins with Aibileen working for Miss Leefolt, taking care of her daughter, Mae Mobley. Aibileen’s daily tasks consist of cooking dinner, doing the laundry, cleaning the house, and taking care of the baby. However, she spends most of her time silently shielding the little girl from her mother’s neglect and verbal abuse. Minni the spicy, feisty African American maid, who is known to be the best cook in town, with the biggest mouth, is not as content as Aibileen. She has no problem speaking her mind. She lives with an abusive husband and her five children.

Both women have seen a life time of hardship and amusement. Their story is recorded by Skeeter, Miss Leefolt and Miss Hilly’s sorority sister and bridge partner, who decides to write a book based on the women who helped their mothers raise them, by secretly interviewing black maids and compiling their experiences into one controversial book. She encounters maids who have no choice but to stay with their abusive mistresses, while others express their gratitude to the compassion shown to them by their kind employer.

The story unfolds very slowly, but I enjoyed every minute of it. It is a slow moving plot with little action, yet entertaining and at times very insightful. The characters provide a mirror for the reader to see ourselves, our prejudices and our treatment of the ladies who help clean our homes, do our laundry and take care of our precious children. One might be surprised to find a little of one’s self in the eyes of the housewives of Jackson, Mississippi.

Survey for the Iranian Community

“Please take the time to answer this survey prepared by the Iranian American Jewish Federation Women’s Division”

The Women Division of the Iranian American Jewish Federation, with the help of Dr. Dorit Halavy Miller (licensed clinical psychologist), has put together a project in an effort to better serve the Iranian Community in the United States. In order to explore the individual’s thoughts and feelings about our culture and community and to find the primary concerns such as social, financial, and the emotional pressures we are faced with daily. No identifying details will be released to anyone, and providing your name is optional, so your data can be completely anonymous. If you choose to write your name, your identity will remain confidential with survey owner and creator of the survey. This survey can also be filled out on-line at: <http://www.surveymonkey.com/s/T867DF7>Cancel Copy

1. Consent Statement:

I agree to take part in this research, and am aware that I am free to withdraw at any point. I understand that the information I provide will be treated in confidence by the investigator within the limits described and that my identity will be protected in the publication of any findings. I am 18 years old or over.

Yes No

2. Personal Information, (Name is optional, but please include your Zip, City and State)

Name _____ Phone _____

Address _____ City _____

Zip _____ State _____ E-Mail _____

3. Please choose one

Male Female

4. Religion: (please circle)

Jewish Muslim Baha’i Christian Non-Observant Other _____

5. Please check one:

18-30 Years old 31-40 Years old 41-60 Years old 61-75 Years old 75+

Single Married Divorced Widowed

6. Please list three aspects of our culture that you highly value and respect:

7. List 5 areas that concern you the most about our community: (DO NOT choose more than 5)

Intolerance to religious differences Drug use Alcoholism Addictions Child abuse

In-laws interference Decreased moral/social values People are superficial

Excessive emphasis on materialism Acculturation difficulties Difficulty finding a spouse

The community is judgmental Overindulged children Lack of sexual responsibilities

Increased extramarital affairs Spousal abuse Young adults having no direction

Family's over-involvement (enmeshment) Need be belong or be like others

Financial pressure to succeed Pre-Marital financial conflicts

Community ignoring homosexuality Parents too strict in regards to dating

Excessive parental interference in daughter/son's marital choice

Lack of boundaries (interference in others private lives)

Religious observation causing marital conflict

Parents un-involved in children's emotional well being Other _____

4. What changes would you like to see in our community?

5. What can the Iranian American Jewish Federation do to help resolve the above issues?

6. What can you do as an individual or what can your organization do to address the issues stated above?

7. Any other comments you would like to share with us?

Please mail back your survey to:
Iranian American Jewish Federation
C/O: Dr. Dorit Miller
2001 S. Barrington Ave. #110 L.A. CA 90025

اعضاء هیأت اجرائی
فدراسیون یهودیان ایرانی
سال های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰
عکس ها از: شاهرخ سپیر



ایستاده از راست به چپ: آقای آلن نظریان، رئیس کمیته جوانان؛ آقای هوشنگ مقیمی، دبیر و رئیس جلسات؛ آقای موسی نامور، خزانه دار؛ آقای منوچهر نظریان، رئیس هیأت اجرائی؛ مهندس عبدی خرمیان، رئیس کمیته ساختمانی؛ دکتر منوچهر یاشاری، رئیس کمیته تحقیقات و بهداشت؛ آقای سعید ساسونی، رئیس کمیته فرهنگی و اجتماعی؛ آقای ایرج شموئیلیان، رئیس کمیته صندوق اضطراری؛ دکتر ایزک نورمحمودی، سرپرست کنیسا "بت ال".

نشسته از راست به چپ: خانم مژگان مقدم رهبر، سردبیر نشریه شوفار؛ خانم شهلا جاودان، رئیس کمیته بانوان؛ آقای یورام حاسید، رئیس کمیته حل اختلافات؛ خانم الهه بروخیم، یکی از رؤسای کمیته سلامتی و تندرستی؛ خانم شبلم کیمیا، یکی از رؤسای کمیته سلامتی و تندرستی؛ آقای ایرج کنعانی، مشاور و نماینده کانون سالمندان؛ خانم فرنوش ابریشمی، مسئول تهیه و تنظیم صورت جلسات؛ آقای فریدون گلبر، رئیس کمیته مالی و امور اداری.

اعضاء غایب در عکس: آقای رامین آزادگان، مشاور حقوقی؛ خانم استلا ده بی بی، نماینده فدراسیون یهودیان ایرانی در فدراسیون یهودیان؛ آقای ایزک گبای، یکی از رؤسای کمیته جوانان؛ خانم فریبا سلیمانی، کمیته حل اختلافات.

**Iranian American
Jewish Federation,**
1317 N. Crescent Heights Blvd.
West Hollywood, CA 90046
Address Correction Requested

PRESORT NON PROFIT
US POSTAGE
PAID
PERMIT # 1522
LOS ANGELES, CA



Shofar

Iranian American Jewish
Federation Quarterly
Spring 2010

Las Vegas

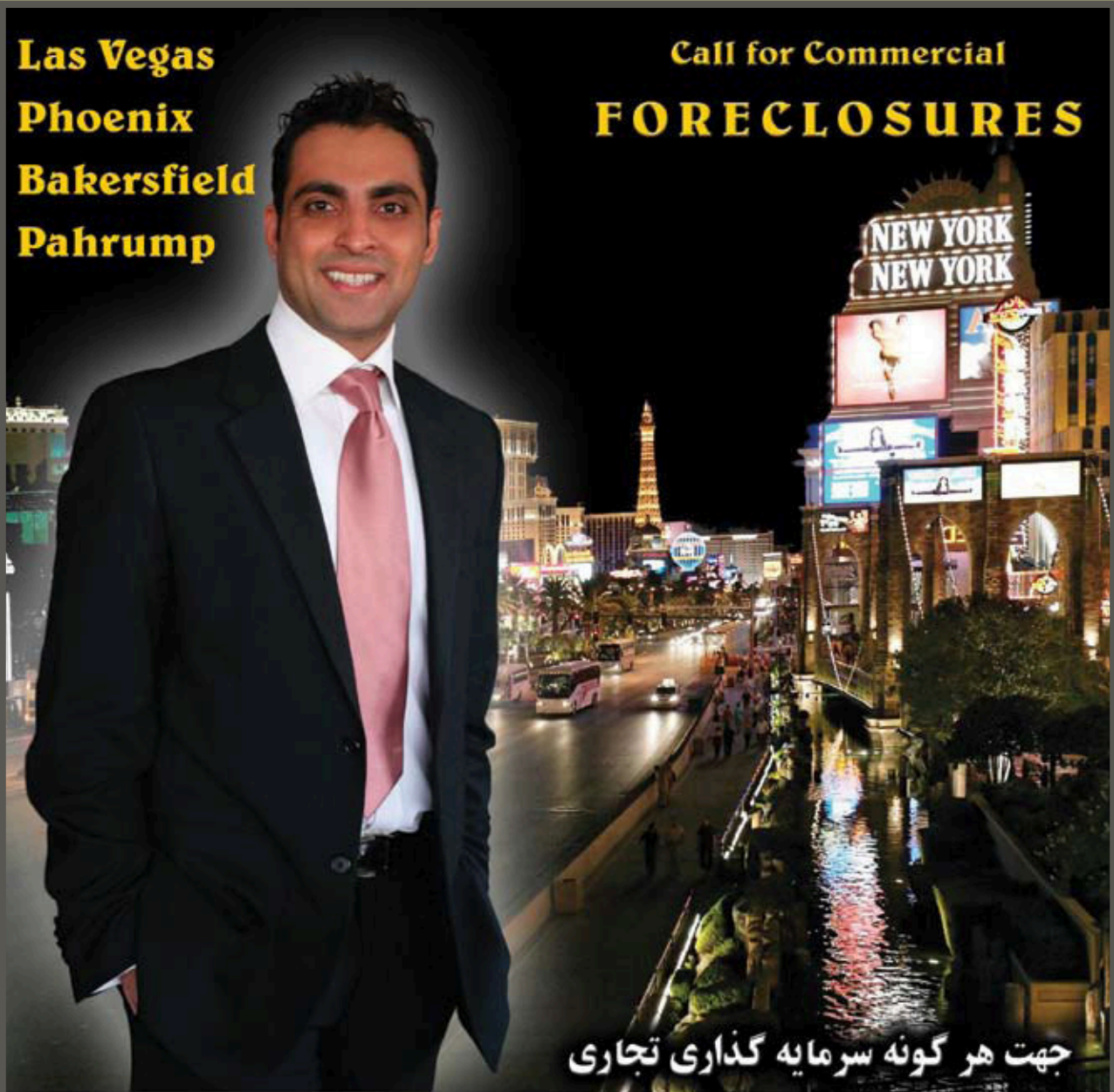
Phoenix

Bakersfield

Pahrump

Call for Commercial

FORECLOSURES



جهت هر گونه سرمایه گذاری تجاری

ONYX
Realty Group

Peyman Masachi
702.734.2211